

مرزده آن بندگان مرا که سخن ها گوش فرامیدهند و از بهترین آنها پیروی میکنند

ابوالحسن بنی صدر

با سپاس از برگزار کنندگان و شرکت کنندگان در اجتماع کلن که آن را نمونه ای از جامعه ای مستقل و آزاد کردند.

گذار از بحران به دموکراسی

پرسی است که از این جانب خواسته شده بود، در اجتماع ایرانیان در شهر کلن، در ۲۷ نوامبر ۲۰۰۹ (۶ آذر ۱۳۸۸) بدان پاسخ گویم.:

نخست در باره افراط و اعتدال و این قاعده که هر امر در زمان خود باید انجام بگیرد:

از نگرانی هایی که گرایشهای سیاسی مختلف ابراز می دارند، مهمتر از همه، ادامه یافتن و یا یافتن جنبش، بنا بر این، پیروز شدن و یا نشدن آنست. این نگرانی، بجای آنکه از راه جریان آزاد اندیشه ها انجام بگیرد تا که جنبش ادامه یابد و نگرانی از میان بر خیزد، از راه متهم کردن به افراطی گری و این که افراطی ها قاعده «امور مرهون زمان خویش هستند» را از یاد برده اند، بعمل می آید. بدیهی است وقتی نقد جای به متهم کردن می سپارد، منطق صوری روش می شود. از کار بردهای منطق صوری، یکی جا به جا کردن دو ضد است. برای مثال نشان دادن افراط به جای اعتدال. پس ضرور است نخست تعریف روشنی از افراط و اعتدال پیدا کنیم و سپس ببینیم چه امری را در چه موقعی می باید انجام داد:

• عدل میزانی است که حق را از ناحق تمیز می دهد. پس اعتدال، شناختن حق و ایستادن بر سر آنست. و افراطی گری، شناختن حق و قدرت را هدف و زور را روش کردن است. اعتدال حق را هدف و روش کردن است. پس اگر حق هدف و زور روش شود، چون زور، نه حق که قدرت (= زور) را حاصل می کند، کار آدمی افراطی گری است.

بدین قرار، ایستادن بر سر حقوق انسان و حقوق یک ملت، از جمله حق حاکمیت، اعتدال است. نایستادن بر سر این حقوق، افراطی گری است. چشم پوشیدن از حقوق، افراطی گری در ناتوانی و زبونی و تجاوز به حقوق، افراطی گری در تجاوز است. • اما زمان احقاق حق چه زمانی است؟ در آنچه به حقوق انسان مربوط می شود، چون این حقوق ذاتی حیات انسانند، لحظه های زندگی لحظه های عمل به حقوق هستند. هر انسانی می باید حقوق خویش را بشناسد و زندگی خود را عمل به این حقوق کند. زمان اعتراض به تجاوز به حقوق انسان و به مقابله با متجاوز برخاستن نیز، زمان وقوع تجاوز است. توضیح این که در زمان وقوع تجاوز، می باید اعتراض را آغاز کرد و تا از میان برداشتن رابطه ای که به متجاوز امکان داده است به حق تجاوز کند، بدان ادامه داد.

در صفحه ۲

انقلاب اسلامی

هجرت

شماره ۷۳۸ - ۱ از ۱۶ تا ۲۹ آذر ۱۳۸۸

جنگ و بحران اقتصادی؟

- ◀ «ایران» و امریکا: جنگ راه حل مشکل اقتصادی؟! - گذار از گفتگو به مجازات؟ ص ۱
- ◀ با وجود این هشدار که تغییر اجتناب ناپذیر است، مافیاهای نظامی - مالی بنا بر حذف رقبای خود در درون رژیم دارند: ص ۴
- ◀ تبارشناسی کودتاچیان - ۸: ص ۷
- ◀ مراحل زمانی ششگانه جنبش مردم ایران - ۴: ص ۹
- ◀ دانشجویان، قربانیان اول تجاوزهای رژیم به حقوق انسانند: ص ۱۲

انقلاب اسلامی: تنها خامنه ای و مافیاهای نظامی - مالی نیستند که راه حل مقابله با جنبش مردم ایران را، «النصر بالرب» می انگارند. در غرب نیز، گرایشهای جنگ طلب، برای بحران اقتصادی امریکا، راه حلی جز جنگ نمی بینند. ویژگی هائی برای این جنگ می شمارند که، بنا برآنچه، جنگ با ایران، مشکل گشا است! بدین سان، هم در ایران و هم در امریکا، گرایشهای بحران ساز همه کار می کنند تا که اوپاما به سیاست بوش بازگردد و بحران تشدید شود. به این گمان که بحران خارجی سبب فرو خوابیدن جنبش مردم ایران بگردد. در فصل اول، به نظریه «جنگ راه بیرون رفت از بحران اقتصادی است» و بحران اتمی و روابط حکومت اوپاما با رژیم مافیاهای نظامی - مالی می پردازیم. در فصل دوم، خبرها و نظرهای را از نظر خوانندگان می گذرانیم که اعترافاتی هستند به قلابی بودن انتخابات رسوای ۲۲ خرداد ۸۸ و گویائی دارند از قصد مافیاهای نظامی - مالی بر حذف هاشمی رفسنجانی و مافیای او و شکست خوردن تقلاها برای «آشتی ملی».

در فصل سوم، قسمت هشتم مطالعه در باره «تبارشناسی کودتاچیان» را می آوریم که وسائل ارتباط جمعی مافیاهای نظامی - مالی و نقش آنها را در کودتا می شناساند.

در فصل چهارم، قسمت پایانی «مراحل زمانی ششگانه جنبش مردم ایران» را خوانندگان در دسترس مطالعه می یابند.

در صفحه ۳

پیام مجامع اسلامی ایرانیان

به مناسبت شانزده آذر ۱۳۳۲ - روز دانشجو

دانشگاه و استاد و دانشجو همواره در طول تاریخ معاصر ایران، عنصری اساسی از جنبش آزادیخواهی مردم ایران بوده است. پس از کودتای انگلیسی - آمریکایی علیه حکومت ملی دکتر محمد مصدق که با همکاری وطن فروشان داخلی صورت پذیرفت، این باز دانشگاه و جنبش های دانشجویی بود که در مبارزه علیه استبداد شاهی به مثابه نیروی محرکه پرچم دار شد. استقلال ایران و آزادی، بر اساس موازنه منفی اصیل ترین فکر راهنمای مبارزات مردم ایران برای حاکمیت یافتن بر سرنوشت بوده و است. شانزده آذر ۱۳۳۲ اعتراض مسالمت آمیز دانشجویان به سفر نیکسون به ایران با حمله نیروهای سرکوب رژیم پهلوی به دانشگاه و به خون کشیدن کلاس درس و به شهادت رساندن سه شهید راه استقلال و آزادی، شریعت رضوی، قندچی و بزرگ نیا همراه شد. یاد و خاطره شان گرامی باد و راهشان پاینده.

در صفحه ۱۶

فرید راستگو

چارچوب نظام نه تاکتیک است نه استراتژی

(سخنی با آقایان سحابی، مهاجرانی، کدیور و...)

بدنبال تظاهرات روز قدس و ۱۳ آبان جمعی از «جمهوری اسلامی خواهان» بدون بررسی اجتماعی شعارهای مردم و علل چرایی لگد مال کردن عکس سید علی خامنه ای و بقول خودشان طرح شعارهای تند بعناوین مختلف فریاد بر می آورند که معترضین نباید شعار تند بدهند و از چارچوب نظام خارج شوند. جمهوری اسلامی خواهان با این بیانات قصد دارند جنبه مثبت جنبش آزادیخواهانه مردم را که همانا کثرت گرائی آنست نابود سازند و آنرا مبدل به تک گرائی و تک صدائی یعنی همان وحدت کلمه خمینی کنند تا در آینده با طرح شعاری همچون شعار «حزب فقط حزب الله / رهبر فقط روح الله»، صدای دیگران را در گلو خفه کنند و در روز مقرر به صحت و سلامتی استبداد خود را گسترش دهند. بیاد بیاوریم از خرد است که کلان بر می خیزد و از همین جاست که باید محترمانه در مقابل نظراتی که خواهان تک صدائی کردن و به انحصار دار آوردن جنبش آزادیخواهانه مردم هستند ایستاد زیرا فردا را امروز می سازیم

در صفحه ۱۴



• زمان احقاق حقوق ملی نیز زمان تجاوز به این حقوق است. برای مثال، «ولایت جمهور مردم» هم حقی از حقوق هر انسان و هم حق جمعی از انسانها است که در وطنی، تاریخ مشترک جسته اند و ملتی گشته اند. اما در وضع امروز ایران و با وجود ولایت مطلقه فقیه و قوای سرکوبگر در اختیار «رهبر»، زمان اظهار این حق، کدام است؟ آیا از راه مصلحت نباید در محدوده قانون اساسی ماند و خواستار اجرا شدن اصولی از همین قانون اساسی شد که برای انسان و ملت ایران حقوق قائل شده اند؟

پاسخ این پرسش اینست: مصلحت بیرون از حق، مفسدت است. بنام مصلحت، بنا را بر توانائی متجاوز و ناتوانی مورد تجاوز و چشم پوشی از حق گذاشتن، افراطی گری است. افراطی گری ملتی را ناتوان شمردن و ابراز ناتوانی است. افراطی گری برسمیت شناختن دولت مافیاهای نظامی - مالی است. نه تنها به این دلیل که حاکمان قدرت را از راه تجاوز به حقوق بدست آورده اند، بلکه به این دلیل نیز که اصولی از این قانون اساسی که در آنها حقوق انسان و حقوق مردم بیان شده اند، هم بدون ضمانت اجرائی هستند و هم مشروط. راستی اینست که اصول این قانون، ترجمان اصلی محوری هستند که ولایت مطلقه فقیه است.

دانستنی است که پیش از انتخابات قلابی، کم نبودند کسانی که راه حل را لغو ولایت مطلقه فقیه و بازگشت به پیش نویس قانون اساسی می دانستند (از جمله آقای دکتر یزدی دبیر نهضت آزادی). آقای منتظری ولایت مطلقه فقیه را از مصادیق شرک و ناسازگار با عقل و شرع نیز دانست. پس چرا «شعار نه به ولایت فقیه و آری به ولایت جمهور مردم» افراطی گری شده است؟ مخالفت با شرک و ولایت مطلقه فقیه ناسازگار با عقل و دین، افراطی گری نیست، تصدیق آن افراطی گری است. سکوت کردن در قبال آن، افراطی گری در ترساندن و تضعیف است.

با وجود این، هر کار می باید در موقع خود انجام بگیرد: در همین قانون اساسی، حاکمیت مردم به رسمیت شناخته شده است. پس شعار کردن «ولایت جمهور مردم می باید برقرار شود»، شعاری است که همگان می توانند سر دهند. و از آنجا که استقرار مردم سالاری نیاز به کثرت آراء و عقاید دارد، عین اعتدال است هرگاه کسانی که می خواهند تمام حق را اظهار کنند، شعار «نه به ولایت فقیه و آری به ولایت جمهور مردم» را سر دهند.

به آنها که گمان می کنند ماندن در محدوده رژیم اعتدال است و بیرون رفتن از آن افراطی گری، از نو همدار میدهم که اجماع دو مانع، یکی سرکوب سبانه رژیم و دیگری زندانی کردن جنبش در محدوده رژیم، سبب شکست جنبش می شود. چرا که سرکوب گران را مطمئن می کند که رژیم برجا می ماند پس در سرکوبگری جری تر نیز می شوند. چرا که مافیاهای نظامی - مالی هستند که «خط قرمز» ها را رسم می کنند و جنبش زندانی در محدوده خط قرمزها، به آبی می ماند که سقوط سنگی در آن، موجهانی را بر انگیزد. این آب، زود یا دیر رکود و سکون خود را باز می یابد. و خاطر نشان می کنیم که کثرت گرایی، از عوامل ادامه جنبش تا پیروزی است. چرا که هم به

گذار از بحران به دموکراسی

جمهور مردم امکان می دهد در جنبش شرکت کنند و هم قوای سرکوب رژیم را مطمئن می کند رژیم را نمی توان با سرکوب نگهداشت و هم به مردم امکان می دهد مردم سالاری را تجربه کنند و هم خشونت را بی محل می کند و هم در جریان جنبش، گرایشهای سیاسی که توانا به اداره کشور در دموکراسی هستند، توان می گیرند و هم ترس از آینده جای خود را به شجاعت شرکت در ساختن آینده و امید به زندگی در استقلال و آزادی را می دهد.

• این قاعده که هرکاری در زمان خود می باید انجام گیرد، قاعده صحیحی است بشرط آنکه با استفاده از منطق صوری، وسیله توجیه افتادن در کج راه و پیش رفتن در آن نشود. هرگاه بخواهیم این قاعده را بر میزان عدالت، بکار ببریم، می باید قاعده را در تصحیح تجربه ها بکار ببریم. توضیح این که در انقلاب ۵۷، همگان بر این روش بودند که انجام کارها را به بعد از پیروزی انقلاب باز گذارند. غافل از این که جنبش همگانی کارهایی را می تواند و می باید انجام دهد که «بعد از پیروزی»، یعنی در زمان جانشین شدن دولت با دولت، آن کارها دیگر انجام شدنی نیستند. زیرا دولتی که جانشین می شود، رابطه قدرتی است که برقرار می شود، پس نزاع بر سر تصرف قدرت جانشین همکاری در جنبش همگانی می شود. بدین شان بود که استبداد ملاتاریا برقرار شد و به استبداد مافیاهای نظامی - مالی تحول کرد.

عبور از بحران به دموکراسی

ایجاب می کند که جنبش همگانی، دموکراسی را تدارک کند:

کارهایی که اگر امروز نیز انجام گیرند دیر خواهد بود، عبارتند از:

۱ - خلق و تمرین فرهنگ مردم سالاری از راه هدف و روش کردن استقلال و آزادی انسان، استقلال و آزادی جامعه ملی و حقوق انسان و حقوق ملی.

این ایام، گفته می شود: «با وجود جهانی شدن، استقلال را نمی توان هدف گرداند». این ادعا، گویای مبهم ماندن معانی استقلال و نیز آزادی برای گویندگان چنین سخنی است و باز می گوید غفلت از این واقعیت را که دموکراسی تحقق نمی یابد مگر به این که هر انسان، در استعداد رهبری خود، استقلال بجوید. استقلال تصدیق وجود استعداد رهبری در هر انسان و شناختن حق بکار بردن این استعداد در سامان بخشیدن به زندگی خویش و شرکت در اداره زندگی جامعه است (ولایت جمهور مردم). استقلال یک ملت نیز، باز شناختن حق حاکمیت او بر خویش است. بدین فرار، بر فرض که جهانی کردن (و نه شدن) سلطه ماوراء ملی ها بر اقتصاد جهان و حتی بسط این سلطه در زمان (پیشخور کردن و از پیش متعین کردن آینده) نباشد و امر مطلوبی نیز باشد، ربطی به این معنی از استقلال انسان و استقلال ملت ندارد. افزون بر این، آزاد زیستن در گرو واقعیت یافتن استقلال در معانی دیگر خود نیز هست.

بنا بر این معنی از استقلال، آزادی از استقلال جدائی ناپذیر است. از

جمله به این دلیل که انسان فاقد استقلال، آزادی انتخاب نیز ندارد. جامعه فاقد استقلال نیز، آزادی انتخاب ندارد.

۲ - خشونت زدائی مداوم و یکسره بی محل کردن خشونت در سیاست. در انقلاب ۵۷، گل بر گلوله پیروز شد. اما خشونت زدائی، بدین معنی که عرصه سیاست، عرصه جریان آزاد اندیشه ها و اطلاعات و پیشنهاد راه حل ها به جامعه ملی و بازگذاشتن داوری به جامعه ملی باشد، انجام نگرفت. به بعد از پیروزی انقلاب بازگذاشته شد. غافل از این که خلاء را قدرت (= زور) پر می کند. این غفلت سبب شد که زورآزمائی در کار آید و عامل بازسازی استبداد بگردد.

و از آنجا که جنبش همگانی می شود وقتی مرزبندیهای از میان برداشته شوند که زور در میان گذاشته است، خشونت زدائی کار بایسته ای می شود که همگان می باید در آن شوند. از جمله، بر عهده شرکت کنندگان در جنبش می شود که شعارهای بیانگر خشونت را با شعارهایی جانشین کنند که هم آنچه را نمی خواهند و همه آنچه را می خواهند، بازگویند. و باز بر عهده سازمانها و شخصیت ها و مبلغان سیاسی می شود که بدانند عقل قدرتمدار، همواره با تخریب شروع می کند. پس عقل خود را آزاد کنند و از متهم کردن و برچسب زدن بازایستند و در برقرار کردن جریان آزاد اندیشه ها و اطلاعات، از راه بحث های آزاد بکوشند. جامعه ای که پس از سه انقلاب در یک قرن، هنوز مردم سالار نگشته و دولت حقوقمند نیافته است، بیشتر از هر جامعه دیگری به ارزیابی و نقد و تبدیل شدن به جامعه باز و ارزیاب و منتقد نیاز دارد.

۳ - کثرت گرایی و پذیرفتن و بکار بردن حق اختلاف. در قسمت اول، اثر کثرت گرایی را در ادامه جنبش تا پیروزی، خاطر نشان کردم. در این جا به حق اختلاف که در ایران امروز، اکثریت بسیار بزرگی بدان قائل نیستند و رابطه کثرت گرایی و توحید گرایی می پردازم:

• حق اختلاف، از حقوق ذاتی انسان است. توضیح این که هر انسانی از راه نقد خویش (اختلاف با دانسته و باور خود) رشد می کند. هرگاه این حق وجود نداشت، استعدادهای انسان، بی عمل می شدند. چنانکه استعداد ابتکار و ابداع و خلق، بدون بکار بردن حق اختلاف، بکار نمی افتد. زیرا تا با آنچه شده است، اختلاف پیدا نکند، در پی آنچه می خواهد بشود، -از راه ابداع و ابتکار و خلق- نمی شود. استعداد علم و فن نیز، بدون این حق، بکار نمی افتد. زیرا اگر آدمی در صحت دانسته خود شک نکند و با آن اختلاف پیدا نکند، در پی دانش نمی شود. و...

• حق اختلاف با دیگری، از حق ذاتی اختلاف نشأت می گیرد. پرسشی که در طول تاریخ، بر اصول استقلال و آزادی و یا قدرت مداری، پاسخها جسته است، این پرسش است: استفاده از حق اختلاف اگر مانع از تشکیل جامعه ها نشود، دست کم اداره آنها را نا ممکن می کند. پس می باید میان کثرت آراء و توحید آراء رابطه ای برقرار کرد که تشکیل و اداره جامعه را میسر کند.

الف - بر اساس قدرتمداری، جمهور مردم عقل نظر ساز و توانا به مدیریت را ندارند. این عقل را نخبه ها دارند و

در مقام تنظیم رابطه نخبه ها با «عوام» دو پاسخ به این پرسش داده شده اند: - یکی ولایت مطلقه کسی که سخن او فصل الخطاب، توصیف می شود. بنا بر این پاسخ نظرهای نظر سازها می توانند اظهار شوند اما تمیز نظر مطلوب و اظهار آن با کسی است که ولایت مطلقه دارد. بمحض تمیز و اظهار نظر مطلوب، جمهور مردم می باید آن را بپذیرند و بکار برند.

- ولایت با جمهور مردم از نخبه و «عوام» است. الا این که نخبه ها هستند که نظر می سازند و توانائی مدیریت جامعه را بر طبق نظری دارند که می سازند. پزیتویستهای لیبرال، بر این نظر هستند. می گویند: چون تنها علم است که بی طرف است، پس اداره جامعه می باید در دست دانشمندان باشد و انتخابات فرصتی به مردم می دهد که میان نخبه های دانشمند و برنامه هائی که پیشنهاد می کنند، انتخاب کنند. دموکراسی های لیبرال بنا بر این نظر، اداره می شوند.

ب - بر اصول استقلال و آزادی، پرسش پاسخ دیگری می جوید: - هر انسانی مجموعه ای از استعدادها است. از جمله استعداد ساختن اندیشه و نظر. بر میزان عدل، امکانها را می باید از آن همه انسانها شناخت و جامعه می باید نظامی باز بجوید تا که هر انسانی بتواند استعدادهای خویش را بکار برد و رشد دهد.

- نظرها و اطلاع ها، از راه جریانهای آزاد نظرها و اطلاعها و به یمن بحثهای آزاد، نقد می شوند و جامعه از کثرت نظرها به توحید در نظری می رسد که به حق و دانش نزدیک تر است. هرگاه جامعه در یک نظر توحید نکند، در دو نظر و یا بیشتر توحید می کند و انتخابات فرصتی می شود برای این که نظر صاحب اکثریت مدیریت کند و نظر و یا نظرهای صاحب اقلیت، ارزیابی و نقد کند یا کنند و میل اکثریت را به قدرتمداری مهار کند یا کنند. در جامعه های دارای دموکراسی، صاحب نظرانی از مردم می خواهند حق و مسئولیت خود را بشناسند و شماری از آنها، مردم سالاری بر اصل مشارکت را نیز پیشنهاد می کنند. با توجه به بحران اقتصادی - که اقتصاددانان واقع بین هشدار می دهند هنوز در پیش است و می تواند بسی ویرانگر تر بگردد - و بحرانهای دیگر، در صورتی که انسانها نخواهند محیط زیست را محیط مرگ کنند و از خشونت به خشونت پناه برند، جهت عمومی تحول بدین سو است.

ایرانیان با شرکت در جنبش همگانی سال ۵۷ و شرکت در جنبش کنونی، بسا بتوانند این پاسخ را در جامعه خود به عمل درآورند و آن را به جامعه های دیگر نیز پیشنهاد کنند. بدیهی است عملی کردن این پاسخ نیاز دارد به

۴ - مبارزه با انواع سانسورها: پیش از انقلاب ایران، تحقیقی در باره انواع سانسورها انجام و انتشار دادم. کتاب دو قسمت داشت، قسمتی به «تعمیم امامت» (همگان استعداد رهبری و حق شرکت در اداره جامعه خویش را دارند) و قسمت دیگر، به انواع سانسورها می پرداخت. در طول انقلاب و بعد از سقوط رژیم شاه، تا توانستم نسبت به خطر خود سانسوری و انواع دیگر سانسور، هشدار دادم. با وجود این، با استفاده از اسطوره وحدت و «یک ملت، یک رهبر»،

سانسورها تحمیل شدند. تا بدانجا که شرکت کنندگان در جنبش، حق در دست گرفتن عکس مصدق را نیز نیافتند.

خودسانسوری نقش ویرانگری یافت. چرا که «فعلاً حرفی نزنیم مبادا جنبش به شکست بیانجامد»، بدان شدت عامل سانسور شد که چشمان عقلا حاضر نبودند تمایل آقای خمینی را به قدرتمدار گشتن را ببینند. بنا بر این، سانسوری که با توقیف فله ای روزنامه ها توسط آقای بهشتی، در خرداد ۶۰، انجام گرفت دنباله خودسانسوریه و سانسورها بود. این سانسورها سبب می شدند که جنبش با سقوط رژیم شاه، پایان یافته تلقی شود. مردم «می باید» صحنه را ترک می گفتند و آن را در اختیار تمایلهای سیاسی برای رقابت بر سر قدرت خالی می گذاشتند. کوشش باورمندان به استقلال و آزادی برای این که مردم صحنه سیاسی را ترک نکوند و در ساختمان دولت حقوق مدار شرکت کنند، نتیجه بایسته را ببار نیاورد. چرا که قدرت هدف و وسیله شده بود و نقش مردم این می شد که بسود گرایشی و به زیان گرایش دیگری وارد عمل شوند.

هرگاه قرار بر این باشد از تجربه درس بیاموزیم، می باید نسبت به سانسورها، حساسیت را به حد اکثر رسانیم. به ترتیبی که هرکس بتواند نظر خویش را اظهار کند. روشهای تخریبی که در سانسور بکار می روند، هر بار بکار رفت، انتقاد و بی اثر شوند. در ارزیابی و نقد، اصل بر نقد «آنچه گفته شده است» و نه «آنکه گفته است» بگردد. می باید همگان بپذیرند که خودسانسوری و دیگر سانسورها دشمن بزرگ یک جنبش همگانی هستند. سانسورها، اگر پیش از آزاد شدن مردم از ولایت مطلقه مافیاهای نظامی - مالی جنبش را از پا در نیاورند، بعد از آن، از پا در می آورند و باردیگر، رقابت خشونت آمیز بر سر قدرت را جانشین شرکت در استقرار دولت مردم سالار می کنند.

۵ - مبارزه با انواع ابهام ها، بخصوص ابهام در معانی، از راه شفاف کردن معانی، ضرورت به تمام دارد. مورد اعتدال و افراط را در آغاز روشن کردم. در این جا یادآور می شوم که پر زیان ترین روشها، استفاده از قیاس صوری، برای یکسان جلوه دادن دو ضد و دو ضد باوراندن دو همسان است. برای مثال، هرگاه مردم ایران بطور شفاف در می یافتند که آقای خمینی قصد دارد ولایت مطلقه خود را جانشین استبداد مطلقه شاه کند، چه اندازه احتمال داشت که جنبش اندازه گیری ای را پیدا کند که کرد؟ با وجود آن تجربه، «اصلاح طلبان» از ظرفیتهای قانون اساسی» سخن می گویند بدون این که حتی یک ظرفیت از این ظرفیت ها را بشناسند. در آغاز، وجود چنین ظرفیتهائی را انکار کردم. در این جا، یادآور می شوم که قانون اساسی در فصل سوم خود، از اصل ۴۲ تا اصل ۴۲، به «حقوق ملت» پرداخته است. اما این حقوق از دو جهت مشروط هستند: از نظر قید «موازی»



«ایران» و امریکا:

جنگ راه حل مشکل اقتصادی؟! - گذار از گفتگو به مجازات:

آیا امریکا برای برگرداندن توجه مردم از بحران اقتصادی دست به جنگ با ایران می زند؟!

در ۱۵ نوامبر ۲۰۰۹، ساندی نظر یک اقتصاددان آمریکایی را، بنام مارک فابر Faber را انتشار داده است. این اقتصاددان بر این نظر است که امریکا برای برگرداندن توجه مردم امریکا از بحران اقتصادی، دست به جنگ خواهد زد. بزرگ ترین رسانه چینی بنام Sohu.com در اکتبر ۲۰۰۸، نوشت: شرکت رند Rand که شرکت مشاور ارتش امریکا است، در وزارت دفاع امریکا اعمال نفوذ می کند تا این وزارت خانه را متقاعد کند برای بیرون بردن اقتصاد امریکا از رکودی که در آنست، دست به جنگ با یک قدرت خارجی بزند.

بنا بر قول رسانه های فرانسه، اطلاق فکری که شرکت رند باشد گزارشی را تسلیم وزارت دفاع امریکا کرده است که بنا بر آن، جنگ درمان بحران اقتصادی کنونی است. با توجه به ادامه بحران اقتصادی امریکا و تشدید بیکاری، جنگ بمثابة روشی برای بیرون رفتن از بحران مورد توجه شرکت رند شده است.

اما آیا حق با فابر است؟ آیا رسانه سوهو راست می گوید؟ در پاسخ به این دو پرسش، ساندی می نویسد: تا وقتی که رسانه های فرانسوی نیز این اطلاع را نداده بودند، اطلاع سوهو را جدی نمی گرفتیم. اما با توجه به این امر که مطبوعات فرانسه نیز همین اطلاع را می دهند، نمی توان آن را معتبر شمرد.

در حقیقت، کینز گرایی نظامی (اقتصاد دان انگلیسی که در سمت یابی اقتصاد غرب بعد از جنگ دوم، نظریه او نقش مهمی ایفا کرد) را وسیله توجیه جنگ برای تحرک بخشیدن به اقتصاد، بمدت نیم قرن سیاست امریکا بوده است. اقتصاد دانی نیز که به مسئله جنگ افروزی جدید، بمثابة محرکی برای بیرون بردن اقتصاد از رکود توجه کرده است، می داند که جنگ وسیله توجیه هزینه های جنگی و این هزینه ها عامل تحرک صنایع جنگی و صنایع وابسته به آنست.

اما مطالعات دیگری به این نتیجه رسیده اند که جنگ عامل تحرک اقتصاد نمی شود. برخلاف باور عمومی، کارشناسان توضیح می دهند که تحرک اقتصاد امریکا بعد از جنگ دوم جهانی بدین خاطر نبود که امریکا وارد آن جنگ شد. آنان توضیح می دهند که پیش از ورود امریکا به جنگ، صنایع نظامی امریکا برای انگلستان اسلحه تولید می کردند.

برای این که بدانیم واقعیت کدام است، با اقتصاددانی صحبت کردیم که

جنگ و بحران اقتصادی؟

«وزیر» دفاع ایران پیش بینی می کند جنگهای بیشتری در منطقه روی دهند و اسرائیل خود را برای حمله به ایران مسلح می کند:

*احمد وحیدی پیش بینی می کند که منطقه گرفتار جنگهای بیشتری می شود:

به گزارش ایسا (۴ آذر ۸۸)، احمد وحیدی، «وزیر» دفاع ایران، گفته است: ما در منطقه ای زندگی می کنیم که در سالهای اخیر شاهد چندین جنگ بوده است: جنگ ۸ ساله ایران - عراق (۱۹۸۰-۱۹۸۸) و دو جنگ اول و دوم خلیج فارس و جنگ در افغانستان و بتازگی، جنگ در یمن. پس باید ساده اندیش باشیم اگر تصور کنیم جنگهای بیشتری روی نخواهند داد.

نیروهای مسلح ایران می باید همواره آماده باشند و بخصوص قدرت خود را نشان بدهند تا که دشمن دریابد دست زدن به جنگ بر ضد ایران، بیهوده است.

* اسرائیل برای انجام حمله موفقیت آمیز بر ضد ایران، به زیردریائی ها و سیستم های ضد موشکی مجهز می شود:

در ۲۵ نوامبر ۲۰۰۹، آسوشیند پرس گزارش کرده است: اسرائیل با مجهز کردن خود به موشکهای ضد موشک و دو زیر دریائی که قادر به پرتاب کلاهک اتمی است، خود را برای حمله به ایران و دفاع در برابر حمله ایران، از جمله توسط قوای که در مرزهای اسرائیل مسلح کرده است (حزب الله و حماس) آماده کرده است. با تجربه ای که اسرائیل از جنگ با حماس در نوار غزه و با حزب الله لبنان بدست آورده است، توجه خود را معطوف به تسلیحات دفاعی پیشرفته کرده است.

یک سیستم که می تواند راکتهائی را هدف قرار دهد که از نوار غزه و یا لبنان شلیک می شود، با موفقیت آزمایش کرده است. بنا است که این سیستم در سال آینده بکار گرفته شود. ارتش، همچنین، نسل جدیدی از ضد موشکهای موسوم به آرو را آزموده است. این ضد موشکها می توانند موشکهای دوربرد ایران، بنام شهاب، را، پیش از رسیدن به خاک اسرائیل، هدف قرار دهند.

اسرائیل سه زیر دریائی ساخت آلمان، بنام دولفین، خریداری کرده بود. اینک دو زیر دریائی دیگر را نیز خریداری کرده است. این موشکها می توانند به موشکهای مجهز شوند که توانا به حمل کلاهک اتمی هستند. قرار است این زیردریائی ها در سواحل ایران، استقرار بجویند. اسرائیل می گوید: برغم تکذیب هایی که می کند، ایران می کوشد سلاح اتمی تولید کند. اسرائیل هیچگاه تصدیق نمی کند که زیر دریائی های دلفین به سلاح اتمی مجهز است اما مقامات ارشد اسرائیل می دانند که فرماندهان ارتش اسرائیل مأمور شده اند نقشه

حمله به ایران را آماده اجرا کنند تا که اگر دیپلماسی به جایی نرسید، به اجرا گذاشته شود. غیر از ترس شدید اسرائیل از مجهز شدن ایران به سلاح اتمی، برای اسرائیل، تهدید بلافاصله، حزب الله و حماس هستند. ارتش اسرائیل بر این باور است که از جنگ با حزب الله بدین سو، این حزب تسلیحات خود را به ۳ برابر افزایش داده است. از جمله ۴۰۰۰۰ فروند موشک دارد که برخی از آنها می توانند هر نقطه ای را در خاک اسرائیل هدف قرار دهند.

از زمستان گذشته بدین سو، حماس نیز بر چند و چون راکتهای خود افزوده است. ژنرال آموس یادلین، رئیس اداره اطلاعات ارتش اسرائیل می گوید: بتازگی، حماس موشکی را در اختیار گرفته و آزمایش کرده است که ۶۰ کیلومتر برد دارد. بنا بر این، برای نخستین بار، می تواند شهر تل آویو را هدف قرار دهد.

مدیران صنایع نظامی اسرائیل می گویند: سامانه های مجهز به دور بین را مستقر می کنیم تا که موشکهای دشمن را پیش از رسیدن به خاک اسرائیل ببیند و درجا آنها را نابود کند. سامانه بقدری پیشرفته است که می تواند در یک لحظه رد موشک را بیابد و محاسبات لازم را از لحاظ انطباق با شرایط آب و هوائی را انجام و موشک دشمن را هدف قرار دهد.

* حکومت اوپاما به حکومت چین هشدار می دهد: اگر مشکل اتمی ایران حل نشود، اسرائیل به ایران حمله می کند:

در ۲۶ نوامبر ۲۰۰۹، روزنامه واشینگتن گزارش کرده است: دو هفته پیش از سفر باراک اوپاما، رئیس جمهوری آمریکا به چین، دو مقام عالی رتبه آمریکایی به این کشور رفته و به مقامهای چینی گفته اند اگر پکن در حل مناقشه هسته ای ایران کمک نکند، شرایط ممکن است وخیم شده و اسرائیل به ایران حمله کند.

دنیس راس و جفری بیدر، دو مقام ارشد شورای امنیت ملی آمریکا، طی یک «ماموریت ویژه» به چین رفته و مقامهای چینی را از عواقب تکرار کننده بحران هسته ای ایران مطلع ساخته اند.

دنیس راس و جفری بیدر به چینی ها گفته اند: اسرائیل برنامه هسته ای ایران را به عنوان «دغدغه مربوط به بقای خود می نگرد و به کشورهایی که دغدغه بقا دارند، به دیگر کشورها گوش فرا نمی دهند.»

آنها به مقامات چین توضیح داده اند که معنای این دغدغه مشخص است؛ ممکن است اسرائیل ایران را بمباران کند که به بحران در حوزه خلیج فارس منتهی می شود؛ این بحران نیز به نوبه خود برای چین، که اقتصادش خود تشنه نفت است، بحران آفرین خواهد شد.

این هفته کاخ سفید پاسخ خود را دریافت کرد: چین به ایالات متحده اطلاع داد که پکن از یک بیانیه شدیدالحن بر ضد ایران، به خاطر ساخت مخفیانه تاسیسات غنی سازی قم پشتیبانی می کند.

واشینگتن پست می نویسد که نسخه ای از این بیانیه را به دست آورده است. این بیانیه بخشی از پیش نویس

قطعه نامه ای است که به شورای حکام آژانس بین المللی انرژی اتمی تقدیم خواهد شد.

به نوشته واشینگتن پست، این برای نخستین بار از سال ۲۰۰۶ است که هم چین و هم روسیه از چنین بیانیه ای بر ضد ایران در آژانس بین المللی انرژی اتمی پشتیبانی کرده اند.

امریکا از گفتگو با ایران به وضع مجازاتها علیه ایران گذر می کند:

در ۲۰ نوامبر ۲۰۰۹، آسوشیند پرس گزارش کرده است: حکومت امریکا از سیاست گفتگو با ایران به سیاست مجازات ایران عبور کرده است. اما وضع مجازات علیه ایران نیازمند حمایت بین المللی است. از این رو، اوپاما و حکومت او مشغول تحصیل حمایت بین المللی هستند.

مشکل اینست که مجازاتهایی باید وضع شوند که کارساز باشند و جلب موافقت کشورهای دیگر با وضع این مجازاتها مشکل است. در دیدار نمایندگان کشورهای ۵ + ۱، امریکا، در بروکسل، در ۲۰ نوامبر ۲۰۰۹، امریکا فی الجمله موفقیتی در جلب موافقت ۵ کشور دیگر یا وضع مجازاتها بر ضد ایران بدست آورده است. با وجود این، وضع این مجازاتها به هفته ها کار نیاز دارد.

ماهها حکومت اوپاما کوشید از طریق گفتگو با ایران، مشکل اتمی را حل کند که احتمال فعالیت اتمی مخفی ایران با وجود آورده است. اما ایران علاقه درخوری به گفتگوها و موفق شدنشان، از خود نشان نداد.

ناموفق شدن دیپلماسی، بسا اقبال حکومت اوپاما را، در جلب موافقت اروپا و کشورهای روسیه و چین با وضع مجازاتهای سخت تر علیه ایران، بیشتر کرده است. کریم سجادپور، کارشناس مسائل ایران در Carnegie Endowment for international Peace توضیح می دهد که بسیاری از این کشورها، بطور غریزی، هنوز با وضع مجازاتها علیه ایران مخالفند. اما به راه نیامدن ایران، آنها را بر آن می دارد که با وضع مجازاتها موافقت کنند.

پرزیدنت اوپاما در ۱۹ نوامبر، کره جنوبی رفت: از آنجا که ایران پیشنهاد آژانس بین المللی انرژی اتمی را - انتقال ۱۲۰۰ کیلو اورانیوم ۳/۵ درجه به خارج از ایران - را رد کرده است، ناگزیر، ما با طرفهای خود در جامعه بین المللی، در باره «تاکتیکهای فشار بیشتر» به ایران، وارد گفتگو شده ایم. در هفته های آینده، مجموعه ای از اقداماتی که بر ضد ایران می توانند بعمل در آیند، سنجدیده خواهند شد. انتقال اورانیوم ایران به خارج از این کشور، در پی فرض شد که چون باز شود، می توان گفتگو با ایران را پیش برد. اما متکی وزیر خارجه ایران این درب را بست وقتی گفت: ایران اورانیوم خود را به خارج از ایران منتقل نمی کند.

انقلاب اسلامی: دورتر خواهیم دید که سخنگوی وزارت خارجه رژیم جز این گفت.

هرگاه چین و احتمالا روسیه با وضع و اجرای مجازاتهای جدید علیه ایران موافقت نکنند، امریکا می تواند، با توافق اتحادیه اروپا، خود این مجازاتها را وضع کند و به اجرا بگذارد. اما گزینه اول امریکا اینست که مجازاتهای جدید با موافقت روسیه و چین و با تصویب شورای امنیت وضع شوند و به اجرا در آیند.

دو مجلس نمایندگان و سنای امریکا طرحی را تصویب کردند که



دست اوپاما را برای اعمال مجازات‌ها علیه ایران باز می‌گذارد. در حقیقت، با وجود این که ایران کشور تولید کننده نفت است، حدود ۴۰ درصد بنزین مصرفی خود را وارد می‌کند. تحریم فروش بنزین به ایران، مجازات کارسازی می‌تواند باشد.

این توانایی در اوپاما سراغ می‌رود که او بتواند متحدان خود را با تشدید مجازات ایران موافق کند. با وجود این، هیچ معلوم نیست که چین، با وجود بازگانی رو به افزایش با ایران، و سرمایه‌گذاری در نفت و گاز ایران، حاضر به شرکت در مجازات بیشتر ایران شود. مقاصد روسیه نیز روشن نیستند. هرچند مدودویو، رئیس جمهوری روسیه، در ماه سپتامبر، گفت: وضع مجازات‌ها علیه ایران ممکن است اجتناب‌ناپذیر شوند.

استفان کوهن، رئیس مؤسسه مطالعات پیرامون صلح و رشد در خاورمیانه، می‌گوید: این امر که چین در علن اظهار موافقت با وضع مجازات‌های سخت‌تر علیه ایران نمی‌کند، تعجب‌آور نیست. اما بسا با وضع این مجازات‌ها موافقت کند. گویا تر موضع اخیر روسیه است در باره اجتناب‌ناپذیر شدن وضع مجازات‌های جدید علیه ایران.

رژیم می‌گوید: تحویل اورانیوم ۳/۵ درجه یا اورانیوم ۲۰ درجه در درون کشور باید انجام بگیرد و ایران تضمین صددرصد می‌خواهد:

*** ایران حاضر به مبادله اورانیوم ۳/۵ درجه با اورانیوم ۲۰ درجه در خود ایران است و تضمین صد در صد می‌خواهد:**

◀ در ۳ آذر ۸۸، مهمان دوست، سخنگوی وزارت خارجه رژیم گفته است: هیچیک از مقامات ایران نگفته اند ایران حاضر نیست اورانیوم ۳/۵ درجه خود را به خارج از کشور بفرستد. ایران آماده مبادله اورانیوم در خاک خود است. ایران تضمین صددرصد می‌خواهد که اورانیوم ۲۰ درجه برای نیروگاه اتمی تهران را دریافت می‌کند.

• در همان تاریخ، جلیلی، دبیر شورای عالی امنیت ملی نیز، این سخن را تکرار کرد و افزود که ایران آماده گفتگو با کشورهای ۵+۱ است.

*** البرادعی: پیشنهاد ایران قابل قبول نیست و کشورهای ۵+۱ قطعنامه ای را تقدیم شورای حکام می‌کنند:**

◀ در ۲۶ نوامبر ۲۰۰۹، اولین نشست شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی دوپچه وله گزارش کرده است: شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در نشست پنجشنبه و جمعه، آخرین گزارش البرادعی درباره ایران را بررسی می‌کند. بررسی و تصویب یک قطعنامه درباره ایران نیز در دستور این نشست قرار دارد. ایران تهدید کرده که در صورت تصویب این قطعنامه، همکاری خود با آژانس را محدود می‌کند.

نشست دو روزه شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی روز

جنگ و بحران اقتصادی؟

*** قطعنامه شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در باره ایران و واکنش‌ها:**

◀ شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، در ۲۷ نوامبر ۲۰۰۹ قطعنامه پیشنهادی کشورهای ۵+۱ علیه رژیم ایران را تصویب کرد. بنا بر این قطعنامه، از ساخت پنهانی دومین مرکز غنی‌سازی اورانیوم، انتقاد و از رژیم خواسته شده است بلافاصله ساخت این مرکز را متوقف کند.

بنا بر این قطعنامه، گزارش‌های مداوم البرادعی حاکی هستند که آژانس نمی‌تواند تایید کند که برنامه هسته‌ای ایران صرفاً برای کاربردهای صلح‌آمیز است و تکرانی جدی را نسبت به اینکه ایران ممکن است یک برنامه هسته‌ای نظامی را پنهان کرده باشد ابراز می‌دارد.

این قطعنامه با ۲۵ رای مثبت، ۳ رای منفی و شش رای ممتنع تصویب شده است.

◀ در پی تصویب قطعنامه، در روزهای ۲۸ و ۲۹ و ۳۰ نوامبر، واکنش‌های ذیل اظهار شده اند:

• احمدی نژاد دستور ساختن ۱۰ مرکز غنی‌سازی دیگر را داده است. هنوز اولی تکمیل نشده، صدور این دستور جز اقدامی بقصد بحران‌سازی نیست.

• مجلس مافیها از حکومت احمدی نژاد خواسته است همکاری با آژانس را به حداقل کاهش دهد.

• لاریجانی گفته است: راه حل دیپلماتیک برای مسئله اتمی ایران وجود دارد.

• وزیران خارجه کشورهای غرب و نیز روسیه به ایران هشدار داده اند که می‌باید قطعنامه شورای حکام را جدی بگیرد.

انقلاب اسلامی: با توجه به بحران در رژیم و جنبش همگانی، رژیم کودتا چاره‌ای جز تشدید بحران اتمی نمی‌جوید. در درون رژیم، سه گروه که به دنبال «اشتی ملی» بودند، ناکام شدند و رژیم آشفته‌تر از آن شد که بود:

با وجود این هشدار که تغییر اجتناب‌ناپذیر است، مافیهای نظامی - مالی بنا بر حذف رقبای خود در درون رژیم دارند:

انتخابات قلابی بود، «هاشمی رفسنجانی باید کوبیده گردد»، «وحدت» دو طرف ناممکن و تغییر اجتناب‌ناپذیر است.

*** مرعشی: گول خوردیم مردم را برای شرکت در انتخابات دعوت کردیم**

◀ در ۲۶ آبان ۸۸، سید حسین مرعشی، برادر همسر هاشمی رفسنجانی، در مصاحبه با کلمه از جمله گفته است:

• مرعشی در پاسخ به این سوال که چند وقتی است که از سوی ریش سفیدان جناح اصولگرا بحث وحدت ملی را می‌شنویم، آیا با گذشت این زمان پنج ماهه از انتخابات این طرح به سرانجام خواهد رسید؟ گفت: البته ما هنوز این طرح را ندیده ایم ولی این اقدام را دلسوزانه می‌دانیم چون آنها پذیرفته‌اند که استمرار وضع موجود و منکر همه چیز شدن و گفتن این حرف که هیچ مشکلی وجود ندارد و ۴۰ میلیون ایرانی در انتخابات شرکت کردند و نظام از پشتوانه کافی برخوردار است و مسئله‌ای نیست، درست نیست و این حذف کامل صورت مسئله می‌باشد، این‌ها وجود مشکل را قبول کرده‌اند و برای آن راه حل ارائه کرده‌اند

البته همانطور که گفتیم ما این طرح را ندیده ایم ولی در جریان اصولگرا هم دیگر آسان‌های عاقل تأثیرگذار نیستند و دوره تأثیرگذاری آنها مانند دوره تأثیرگذاری اصلاح طلبها تمام شده است.

• مرعشی در پاسخ به این سوال که در حال حاضر دو طیف در کشور ما وجود دارند یکی عده‌ای که می‌خواهند وضع کنونی حفظ شود و دیگری عده‌ای که می‌گویند باید تغییر صورت پذیرد، نقطه تلاقی اینها برای وحدت ملی کجاست؟ گفت: وضع موجود حتماً تغییر می‌کند. ما می‌گوییم که این تغییر نباید با سرعت اتفاق بیافتد، تا خسارت کمتر شود ولی آقایان می‌گویند نه همین‌طور باشد تا زمان تغییر فرا برسد. اگر منتظر این زمان تغییر باشیم (که حتماً هم فرا می‌رسد) هزینه‌اش زیاد است.

ما باید از درون خانواده انقلاب این تغییر را کنترل کنیم و سامان دهیم تا هزینه‌های ملی آن را کاهش دهیم. ولی دوستان ما در حاکمیت تن به تغییر بطنی و مدیریت نشده می‌دهند و این عمل بسیار خطرناک است و ممکن است هزینه‌های جبران‌ناپذیری را برای نظام و انقلاب و کشور داشته باشد. بهتر است که تغییرات را عاقلانه مدیریت کنیم. وضع موجود نه در سیاست خارجی نه در سیاست داخلی نه در اقتصاد قابل دوام نیست. اگر هم بگوییم قابل دوام است دوره‌اش خود به خود تمام می‌شود، چون همه چیز گذراست.

این می‌گذرد و دوران آقایان تمام می‌شود. منتها ما که دلسوز انقلاب و نظام هستیم می‌گوییم به جای اینکه تغییر به صورت طبیعی و در میان مدت به انجام برسد بهتر است که عقلای نظام تغییرات را مدیریت کنند تا هزینه‌هایش کمتر شود.

وی افزود: من معتقدم که بیان اعتراض مردم بعد از انتخابات نشانگر حیات سیاسی جامعه بود، به جای این که بگوییم اغتشاش باید بگوییم زندگی. حیات سیاسی این است که مردم نتیجه‌ای را که حکومت اعلام می‌کند، نمی‌پذیرند و آن را به چالش می‌کشند. اگر کسی نفس میکشد نباید به او بگوییم که چرا نفس می‌کشی. من حیات دارم پس نفس می‌کشم. حیات سیاسی به همین تسلیم نشدن‌ها، اعتراض‌ها و فریاد زدن‌ها و پیگیری مطالبات به حق است. به همین خاطر در حالت عادی و در یک فعالیت

اجتماعی این عمل شاید جرم باشد ولی در سیاست این جرم نیست.

• وی در پاسخ به این سوال که ممکن است برای بعضی از مخاطبان این سوال پیش بیاید که چرا در بین اصلاح طلبانی که بازداشت شده‌اند نام آقای مرعشی نیست؟ گفت: از آنهایی که بازداشت کردند پیرسید که چرا آنها را بازداشت کردند. همه ملت ایران بازداشت نیستند و ما یک جزئی از ملت هستیم و مثل بقیه. البته من از آن دست کسانی هستیم که معتقدم اگر قرار است رفقای ما در زندان بمانند خوب است که جمع وسیع چند ده هزار نفری ما داوطلبانه به زندان برویم. چون همه شریک جرم هستیم و همه در انتخابات بودیم و گول خوردیم و مردم را دعوت کردیم برای شرکت در انتخابات.

مثلاً اگر تو بروی و در دفتر مسئولی فریاد بزنی و در محیط اداری توهین کنی ممکن است که جرم تلقی شود ولی اگر سیاسیون در عرصه سیاسی و مردم در جامعه علیه حکومت فریاد زدند این جرم نیست. قانون اساسی گفته که جرم سیاسی باید تعریف شود و دادگاه آن با حضور هیئت منصفه رسیدگی گردد. من شخصاً فکر می‌کنم که اشتباه بزرگی صورت گرفت و حیات سیاسی جامعه ایران که در انتخابات نشان داده شد و بعد از آن ادامه پیدا کرد (که این حیات سیاسی جامعه ما نتیجه تعالی انقلاب و تعالیم امام (ره) و نشانه بالندگی ایران بود) یک عده کوفته فکر آمدند و به آن گفتند اغتشاش و موضوع را به سمت مجرمانه نشان دادن، بردند و عده‌ای بی‌گناه را به زندان انداختند. بنده شخصاً معتقدم که مسئله زندانیان هرچه سریعتر باید حل شود و این حرفی که بنده زدم باید به یک خواست عمومی تبدیل شود و همه کسانی که خودشان را در جرم این زندانیان سیاسی شریک می‌دانند همه با هم متحد، برویم و خود را به زندان اوین معرفی کنیم.

*** محسن رضائی به هاشمی رفسنجانی گفته است: ۸ میلیون از آرای ریخته شده به صندوقها قلابی بوده اند:**

◀ در ۱ آذر ۸۸، زاکانی، عضو «اصول‌گرای» مجلس مافیها گفته است: زاکانی، به دیدارهای گروه ۶ نفره با هاشمی رفسنجانی، اشاره کرد و گفت: هاشمی در یکی از این دیدارها گفت که رضایی به من گفته که رای درست در این انتخابات ۳۲ میلیون است و ۸ میلیون دیگر ساختگی است، روز بعد که ما نزد رضایی رفتیم ابتدا وی اعلام کرد که گله‌هایی از بنده دارد که پیش از انتخابات گفته بودم هاشمی رضایی را وارد انتخابات کرده است. من در آن جلسه به رضایی گفتم که اکنون زمان این بحث‌ها نیست و تو باید بگویی که بحث ۳۲ میلیونی که به هاشمی گفته‌ای، چگونه است؟ البته رضایی ابتدا این موضوع را رد کرد ولی بعد در استدلال‌هایی که ارائه می‌کرد چنین برداشت کردیم که این موضوع را گفته است. وی این‌طور استدلال می‌کرد که تا ساعت ۵ بعدازظهر تنها ۱۷ میلیون تعرفه مصرف شده و امکان ندارد که بعد از این ساعت ۲۱ میلیون تعرفه مصرف شده باشد.

انقلاب اسلامی: اهمیت سخنان زاکانی در اینست که در گفتگوهای در درون رژیم، بحث نه در وقوع تقلب که میزان آن بوده است. محسن رضائی محاسبه را بر اساس تعرفه توزیع شده بعمل آورده است. اما تعرفه توزیع شده دلیل آن نیست که تا ۵ بعد از ظهر روز ۲۲ خرداد، ۱۷ میلیون رای احد شده باشد. با وجود این،



بر همین مبنی نیز، حداکثر ۲۶/۵ میلیون رای ممکن بوده است. زیرا بر فرض که از ۸ صبح تا ۵ بعد از ظهر، بدون انقطاع، رای گرفته شده بود، در هر دقیقه، در سراسر کشور، ۳۱۶۶۶ رای گرفته شده است. پس از ۵ بعد از تا ۱۰ شب (در بخش بزرگی از ایران، رای گیری تا پیش از ساعت ۸ بعد از ظهر به پایان می رسد)، حد اکثر ۹/۵ میلیون رای می توانسته است اخذ شده باشد. جمع دو رقم، ۲۶/۵ میلیون می شود. بدین سان، نتیجه همان می شود که انقلاب اسلامی، بعد از انجام تقلب بزرگ، به اطلاع مردم ایران رساند. بنا بر این نتیجه، تقلب حدود ۱۳/۵ میلیون رای بوده است.

زاگانی: دو سنجش افکار قبل از انتخابات می گفتند کار انتخابات به دور دوم می کشد:

زاگانی، «نماینده» مجلس گفته است: دو روز پیش از انتخابات ریاست جمهوری، دو سنجش افکار یکی توسط وزارت کشور و دیگری توسط وزارت اطلاعات انجام گرفت و هر دو به این نتیجه رسیدند که در دور اول انتخابات ریاست جمهوری هیچک از نامزدها موفق نمی شوند نصف بعلاوه یک آراء را بدست آورند و کار انتخابات به دور دوم می کشد.

هم او گفته است: صندوق صدا و سیما، از ۸۰۰ رای، ۷۵۰ رای بنام میر حسین موسوی بود.

انقلاب اسلامی: با اینهمه، مافیاهای نظامی - مالی احمدی نژاد را با افزون بر ۲۴ میلیون رای، رئیس جمهوری کردند.

* بنای مافیاهای نظامی - مالی بر حذف هاشمی رفسنجانی است:

در ۳ آذر ۸۸، به گزارش آفتاب، علی لاریجانی رئیس فراکسیون اصولگرایان مجلس گفته است: «آقای هاشمی بخشی از تاریخ انقلاب است؛ امام فرمود هاشمی زنده است، بنابراین انقلاب زنده است. وی همیشه یار و پیرو امام و رهبری بود. ایشان یک سال پیش در دانشگاه صنعتی شریف گفتند "بنده افتخار می کنم که پیرو رهبری هستم، عشق من رهبری است" حال درباره خانواده او اگر حرفی هم هست، باید از مسیر خودش دنبال شود».

وی افزود: «صحبت در تحقیر اوست، بنده نمی گویم که ایشان مطلق است همه کسانی که وارد عرصه سیاسی می شوند، باید آمادگی نقد را داشته باشند. صحبت من در این است که چرا تحقیر افراد هدف قرار گرفته است».

در ۱ آذر ۸۸، دکتر مظفر نامدار که نوشته اش می گوید جانبدار خامنه ای است، مقاله ای انتشار داده و عامل تشکیل طبقه رانت خوار از قبل دولت را، هاشمی رفسنجانی دانسته است:

«میخایلی و سلنسکی یکی از چند صد نفر صاحبان امتیاز در اتحاد جماهیر شوروی سابق بود که رهبری مجامع شوراهای در این کشور را بعهده داشت. او در کتابی به نام "نومائکلاتورا" نحوه شکل گیری یک طبقه ممتاز سرخ و زندگی روزمره این دیوانسالاری جدید را در انقلاب کمونیستی شرح می دهد. سلنسکی در توصیف مفهوم "نومائکلاتورا" می گوید: طبقه ممتازان و عالیجنابان سرخ که در شوروی و کشورهای اروپای شرقی حکومت می کردند. گروهی بسته که اگر چه کاملاً با حزب مخلوط نبودند ولی قدرت و ثروت عمومی را در اختیار داشتند».

پس از پذیرش قطعنامه و پایان جنگ، از سال ۱۳۶۹ با سیاست های دولت

جنگ و بحران اقتصادی؟

بگیریم! با وجود این، قالی باف و او می گویند: مترو یک مشکل دارد و آنهم کمبود بودجه است که دولت باید تأمین کند.

در ۱ آذر ۸۸، زاگانی، نماینده مجلس مافیاهای، در باره تخلفات مالی فرزندان هاشمی رفسنجانی گفته است: در خصوص تخلفات مالی فرزندان هاشمی، زاگانی گفت: پسران هاشمی بخصوص مهدی هاشمی پرونده های جدی از سالهای دهه ۷۰ دارند که انشاءالله به آنها نیز رسیدگی خواهد شد.

در ۳۰ آبان ۱۳۸۸ خبرگزاری فارس در مورد مهدی هاشمی، گزارش کرده است: دولت آمریکا بیگرد قضای شرکت نفتی استات اوایل در مورد یک پرونده رشوه خواری در ایران را که به سال ۲۰۰۲ بر می گردد، متوقف کرده است.

بر اساس گزارش روتترز یک مقام شرکت نوژی استات اوایل گفت توافق با کمیسیون سهام و اوراق بهادار آمریکا، وزارت دادگستری و دفتر دادستانی این کشور حاصل شده است که بر اساس آن موضوع معامله استات اوایل با موسسه هورتون حل و فصل شده است.

استات اوایل متهم است در سال ۲۰۰۲ و از طریق یک موسسه مشاوره نفتی به نام هورتون که مقر آن در لندن قرار دارد برای دستیابی به امتیازات نفتی در ایران مبالغه را به عنوان رشوه پرداخت کرده است. گفته می شود این رشوه به یکی از آقازاده ها در ایران به نام (م.ه) (محسن هاشمی ا.ا) که ظاهراً نقش مهمی نیز در بروز اغتشاشات بعد از انتخابات داشته است پرداخت شده است. مبلغ این رشوه نیز ۳۵ میلیون دلار بوده است.

انقلاب اسلامی: این رشوه ستانی تنها مورد نیست. شرکت نفتی نوژی، در نوژی و آمریکا، تحت تعقیب قرار گرفت و محکوم شد. اما رشوه ستان که فرزند هاشمی رفسنجانی بود، بنا بر معمول، از تعقیب قضائی مصون ماند.

در ۳ آذر ۸۸، به گزارش ایلنا، عباس جعفری دولت آبادی، دادستان تهران، در پاسخ به پرسش خبرنگار فارس مبنی بر اینکه آیا اتهامی متوجه مهدی هاشمی است که او به تهران بازگشته و به آنها پاسخ دهد؟ چرا که وی شب گذشته طی نامه ای از این امر استقبال کرده است، گفته است: ما که از نامه مهدی هاشمی استقبالی استنباط نکرده ایم متنها اشاره کردم که هیچ کس در دستگاه قضایی از حاشیه امن برخوردار نیست و بهتر است که افراد اگر مدعی بی گناهی هستند در مراجع قضایی حاضر شوند.

در ۳ آذر ۸۸، نامه مهدی هاشمی به «رئیس» قوه قضائیه انتشار یافت. در نامه، در آنچه مربوط به احضار خود از سوی دادستان تهران مربوط می شود، آمده است:

«لابد بی اطلاع نیستید که بعضی از رسانه ها معلول الحال، این اظهار (مهدی هاشمی باید به تهران بازگردد) را دلیل وجود پرونده ای در دادگاه ها علیه اینجناب گرفته اند و حتی به خاطر آن در خارج از کشور هستم. این همه در حالی است که تا این لحظه از سوی مسوولان قضایی و امنیتی اخطار یا احضاریه ای به اینجناب داده نشد گرچه ادعاهایی در

رسانه های خاص مطرح شده که تکذیب آنها هم از سوی من منتشر شده و باز هم تکرار می شود».

* وزیر و اوواک: مهدی هاشمی می باید به کشور بازگردانده شود:

در ۱۰ آذر ۸۸، حیدر مصلحی در جلسه کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس مافیاهای، با تأکید بر لزوم بازگرداندن مهدی هاشمی به کشور برای پیگیری سرخ های آشوبهای پس از انتخابات گفت گفته است: قوه قضائیه با توجه به مدارک و مستندات کاملی که در اختیار دارد باید وی را احضار کند که متأسفانه با اهمال کاری هنوز این اتفاق صورت نگرفته است.

* مهدی طائب: اگر هاشمی رفسنجانی و خانمی و موسوی را بگیرند، حتی دو گاو هم به هم شاخ نمی زنند:

در ۲۶ آبان ۸۸، مهدی طائب، برادر حسین طائب فرمانده سابق بسیج که نامش در صدر لیست جنایات کهریزک و کشتار مردم در راهپیمایی های اعتراضی برضد کودتا قرار دارد، در یک همایش بسیج در استان گلستان سخنرانی کرده است. (حسین طائب اکنون شده قائم مقام سازمان اطلاعات سپاه)

این همایش، بی سر و صدا و بدون تبلیغات که موجب شد دانشجویان غیر بسیجی هم در آن شرکت کنند، در دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی گرگان و با حضور بسیجی های دانشگاه و بسیج برخی ادارات دولتی برگزار شد.

از جملات سخنان عجیب مهدی طائب را که عضو جمعیت رهیویان انقلاب است، به نقل از وبلاگی بنام "مهدی" می خوانید:

۱- در سال ۷۳ یا ۷۴ یک باند جاسوسی پیدا کردیم که در برجی مجلل در اتوبان مدرس تهران فاحشه تربیت می کرد برای منحرف کردن مسئولین نظام. یکی از گردانندگان این باند مهدی هاشمی، پسر آقای هاشمی رفسنجانی بود که بلافاصله دستگیر شد. اما با اعمال نفوذ پدرش و تعدادی از مدیران وزارت اطلاعات، مهدی و سایر اعضای باند آزاد شدند. دختران و زنان فاحشه شاغل در آن باند نیز در انتخابات ۲۲ خرداد در ستاد دختران فیروزه ای مهندس موسوی مشغول فعالیت شدند!

۲- در یکی از محلات قم ۶ رای به نام "جومونک" و ۴ رای به نام "کروبی" بود. یعنی رای آقای کروبی از رای جومونک کمتر بود.

۳- اگر همین الان موسوی و هاشمی و خانمی دستگیر شوند هیچ اتفاقی نمی افتد. حتی دو تا گاو به هم شاخ نمی زنند!

۴- برنامه اصلاح طلبان این بود که موسوی رئیس جمهور و خانمی رهبر شود! و فاتحه نظام را بخوانند.

۵- چهار، پنج روز مانده به انتخابات مسئولین ستاد مهندس موسوی با رفسنجانی جلسه داشتند. مسئول ستاد قم گفت: من امیدوارم. علتش هم اینست که اکثر طرفداران آقای موسوی به کنترل موالید معتقدند. اگر دقت کنید در این ماشین هایی که

برای موسوی تبلیغ میکنند یک مرد و یک زن و حداکثر یک سگ داخل ماشین است. شما منتظر باشید روز انتخابات طرفداران احمدی نژاد مثل مور و ملخ از محلات پایین شهر رای می دهند. در نتیجه قرار شد نظر سنجی انجام شود و یکی دو روز مانده به انتخابات مطمئن شدند که رای نمی آورند.

(مقایسه کنید با ادعای زاگانی، نماینده مجلس و عضو دیگر رهبری جمعیت رهیویان انقلاب که سخنرانی اش در یک همایش دیگری مربوط به بسیج دانشجویی در دانشگاه امام صادق در تمام سایت های خبری منعکس شد. او در آن سخنرانی گفت که وزارت کشور و وزارت اطلاعات در آخرین روزهای مانده به انتخابات یک نظرسنجی دادند که بموجب آن انتخابات به مرحله دوم می کشد و احمدی نژاد در دور اول رای نمی آورد. همین مسئله باعث شد تا بگویند تقلب شد!)

۶- پیاده نظام دشمن که در دانشگاهها تربیت شده توانست با شعار الله اکبر عده ای از مردم را همراه کند. طوری که روز دوشنبه پس از انتخابات ۷۰۰ هزار نفر بین میدان انقلاب و میدان آزادی تجمع کردند. وقتی غروب دیدند خونریزی ای که انتظارش را داشتند از طرف نظام صورت نگرفت، لذا حمله کردند به یک پایگاه بسیج و ۷ نفر از جمله یک مادر و دختر کشته شدند. اما تیر آنها به سگ خورد و آن

مادر و دختر از خانواده حزب اللهی بودند که درخواست دیدار آقای موسوی را رد کردند. فردای آن روز سه هیات به دیدار خانواده آن مادر و دختر رفتند و گفتند تا شنبه یا یکشنبه هفته بعد صبر کنید، کار نظام تمام است و ما یک تشییع جنازه آبرومند برای شما برگزار می کنیم. اما جواب رد شنیدند

۷- تا روز جمعه با اغتشاشگران مماشات شد. سخنرانی آقا آبی بود بر تهران. روز شنبه مردم صف خودشان را جدا کردند و فقط پیاده نظام دشمن در خیابانها ماند. آن هم چه کسانی؟ بچه های پونک و نیاوران. اینها چنگال رو با دستمال کاغذی بلند می کنند. باتوم خور نبودند. همین که باتوم رو دیدند فرار کردند.

۸- الان شما در اینترنت نروید خبری از بحران در کشور نیست. کدوم بحران؟ مردم مشغول زندگی خودشان هستند.

* مهدی زیارتی: هاشمی رفسنجانی چگونه مخالفان خود را از میدان بدر می کند:

از نوارهایی که درز کرده و انتشار یافته است، سخنان مهدی زیارتی، «روحانی» است که خود از جاعلان تاریخ است. او در جمع بسیجی ها گفته است: روزی کروبی از هاشمی شکایت می کرد و می گفت: آقای هاشمی گفته است کروبی با زنی همبستر شده و آن زن باردار شده است. شکایت او را نزد آقای هاشمی بردیم. ایشان گفتند: چرا آقای کروبی رفتاری می کند که در موضع اتهام قرار بگیرد؟ بعداً فهمیدیم آقای هاشمی هرکس را بخواهد خراب کند، اول یک شایعه ای برای او می سازد و به او حالی می کند اگر تمکین نکند، خراب خواهد شد.

در صفحه ۶



هیأت های میانجی که در پی «آشتی ملی» بودند، به جایی نرسیدند:

*** آشتی نشد، در عوض، صدور احکام محکومت و تهدید موسوی و کروبی به محاکمه ادامه یافت:**

در بخش اول این فصل خواندید که ◀ مرعشی می گوید: البته همانطور که گفتیم ما این طرح (آشتی ملی) را ندیده ایم ولی در جریان اصولگرا هم دیگر انسان های عاقل تاثیرگذار نیستند و دوره تاثیرگذاری آنها مانند دوره تاثیرگذاری اصلاح طلبها تمام شده است.

◀ یکی از دو هیأت را مجلس معین میکند. از اعضای این هیأت (که عبارت بوده اند از نادران، کاتوزیان، عباسپور، ابوترابی، کاظم جلالی و زاکانی)، یکی زاکانی است. بخشی از مصاحبه او در بخش اول این فصل نقل شد. در این مصاحبه، در آنچه به «آشتی ملی» مربوط می شود، او می گوید:

• در دیدار هیأت با موسوی، من به موسوی گفتیم که ما شما را از نیروهای انقلاب می دانیم چرا شما خودت را خراب می کنی. اگر دلیلی در خصوص تقلب در انتخابات داری، می توانی آن را ارائه کنی تا ما پیگیری کرده و به نتیجه برسیم اما دریغ از یک استدلال و سرخط که ما به دنبال آن برویم. البته باید بگویم که موسوی در آن دیدار خیلی نرم و آرام با ما برخورد کرد.

در روز بعد از این دیدار به دیدار هاشمی رفسنجانی رفتیم. پس از آنکه ابوترابی به هاشمی گفت که دیروز با موسوی صحبت کرده ایم، هاشمی اعلام کرد که موسوی همه حرف هایش را به شما گفته و پنهان کاری کرده است. چون فردای انتخابات خاتمی، موسوی و سیدحسن خمینی به من زنگ زده و ظهر همانروز به دفتر آمدند. موسوی جز به ابطال انتخابات قانع نیست و البته موارد دیگری را هم خواهان شده تا دست از اعتراض بردارد. البته هاشمی در همان جلسه گفت که من به آنها اعلام کردم که از مسیر قانون حرکت کنید هر چند که آنها می گفتند که شورای نگهبان را قبول نداریم، نکته قابل توجه این است که قانونی که هاشمی به آن اشاره می کرد، یک شورای حکمیت غیر از شورای نگهبان بود.

• وی ادامه داد: این جریان از کاندیداهای مختلف استفاده کرد تا بتواند به هر شکلی از آرای احمدی نژاد کم کند و در نهایت یکی از گزینه های خود که بعدا مشخص شد، موسوی است را به ریاست جمهوری برساند.

این سناریوی از پیش تعیین شده مرحله به مرحله اجرا می شد. به شکلی که از ساعت ۱۱ شب روز انتخابات پیام های تبریک برای موسوی صادر شد و موسوی نیز در همان شب خود را رئیس جمهور اعلام کرد اما از فردا که کمی از نتیجه انتخابات مشخص شده بود، این جریان بحث تقلب را مطرح کرد.

انقلاب اسلامی: نظر اعضای دیگر هیأت اظهار نشده اند. اما این عضو هیأت به جای «آشتی ملی»، طرف موسوی و کروبی و خاتمی را متهم می کند به تدارک طرحی که پیش از انتخابات به

اجرا گذاشته اند و هدف از اجرای طرح نیز، جمع کردن دست و پای خامنه ای و ولایت فقیه را محدود کردن بود.

*** حداد عادل: «طرحی با عنوان وحدت ملی یا آشتی ملی وجود خارجی ندارد:**

◀ در ۴ آبان ۸۸، غلامعلی حداد عادل، در بدو ورود خود به نمایشگاه مطبوعات، با حضور در غرفه جهان نیوز، گفته است: مطالبی که پیرامون این مبحث بیان می شود با موضوع اصلی آن دارای تفاوت های بسیاری است. هیچ یک از افرادی که این موضوع را پیگیری می کردند عنوان آشتی یا وحدت ملی را مطرح نکرده اند. مشخص نیست طرح این موضوع به این شکل از کجا سر چشمه گرفته و با چه هدفی مطرح شده است.

وی با تشریح اهداف اصلی طرح این مبحث گفت: این طرح اساسا نمی خواست کسی را مقصر معرفی کند یا سعی نماید که هر کدام از طرفین را متقاعد نماید که اندکی از مواضع خود کوتاه بیایند بلکه بر روی این مطلب تاکید داشت که تخلفات از طریق مراجع قانونی پیگیری شود و در نهایت هدف آن تشویق برای رعایت قانون در جامعه و تمکین به رای مردم بود.

حدادعادل درباره رایزنی اعضای تشکیل دهنده گروهی که طرح فوق را پیگیری می کرد گفت: طی دو ماه گذشته دو بار با آقای هاشمی دیدار صورت گرفت و دیدگاههای خود را مطرح نمودند و ایشان نیز مطالب مثبتی را ارائه کردند و در کل این ملاقات ها نتایج مثبتی در پی داشت.

*** از هاشمی رفسنجانی و موسوی و کروبی و خاتمی برای شرکت در مراسم «روز مجلس» دعوت نشد:**

◀ در ۳ آذر ۸۸، باهنر نایب رئیس مجلس گفته است: تا جایی که بنده مطلع هستم، طبق سنوات گذشته، از روسای مجالس دوره پنجم و ششم (مهدی کروبی، علی اکبر ناطق نوری) برای شرکت در مراسم «روز مجلس» دعوت نشده است.

• نشریه ابتکار در این باره نوشته است: این در حالی است که برگزاری این همایش در سال گذشته با حضور چهره هایی همچون سیدحسن خمینی، اکبر هاشمی رفسنجانی، محمد خامنه ای، محمد خاتمی، مهدی کروبی، علی اکبر ناطق نوری، محمدرضا مهدوی کنی، احمد جنتی، حبیب الله عسگرولادی و... نخستین همایش "شکرانه اتحاد" واقعا نمود اتحاد میان چهره های سیاسی از گروه های مختلف بود. البته تنها غایب آن مراسم، محمود احمدی نژاد بود که دعوت رئیس مجلس را استجابت نکرد.

• و شریعتمداری (کیهان ۴ آذر ۸۸) دلیل دعوت نکردن از کروبی و موسوی و خاتمی و... را عبارت دانسته است از:

«دیروز برخی از روزنامه های زنجیره ای و سایت ها و رسانه های بیگانه و ضد انقلاب با اعتراض به این که آقای کروبی برای شرکت در

جنگ و بحران اقتصادی؟

همایش روز مجلس دعوت نشده است، این همایش را به انحراف از موضوع آن که «وحدت ملی» است متهم کردند و با تیتراهایی نظیر «سران شاخص منتقد دولت به همایش مجلس دعوت نشده اند!» به خیال خود دور جدیدی از جوسازی علیه نظام در فضای مجازی را کلید زدند که در باره آن گفتنی است:

خاتمی و موسوی و کروبی طی چند ماه اخیر، به گواهی اسناد غیر قابل انکار که موجود و مضبوط است، دقیقاً و بی کم و کاست فرمول از قبل اعلام شده آمریکا و اسرائیل برای مقابله با جمهوری اسلامی را دنبال کردند. پیروی آنان از فرمول یاد شده به اندازه ای آشکار بود که تمامی مراحل حرکت سران فتنه از قبل و پیشاپیش قابل پیش بینی بود و کیهان به استناد نسخه های آن که تماماً موجود و در دسترس است، فازهای مختلف و فرمول فتنه مورد اشاره را، قبل از شروع و پیش از آن که عملیاتی شود، نشان داده و به آن پرداخته بود.

*** کمیته هفت نفری جامعه روحانیت مبارز که برای ایجاد «آشتی ملی» بوجود آمد، به هدف نرسید و منحل شد:**

◀ در ۴ آذر ۸۸، سالک سخنگوی جامعه روحانیت، در باره جلسه روز پیش این جامعه، از جمله، گفته است: سخنگوی جامعه روحانیت مبارز در پایان در پاسخ به سؤالی در خصوص دلیل انحلال کمیته ۷ نفره میانجیگری در جامعه روحانیت مبارز تصریح کرد: به دلیل صحبت با بزرگان آن کمیته منحل شد و نتیجه گرفته شد که نیازی به وجود آن نیست.

◀ یک دلیل دیگر شکست کوششهای دو هیأت، صدور احکام محکومیت است که همچنان ادامه دارند. رژیم، چاره خود را تکیه بازهم بیشتر به قوای سرکوب گذاشته است. در این باره، نیویورک تایمز مقاله ای حاوی اطلاعات درخور توجه انتشار داده است:

*** میر حسین موسوی: انقلاب شده که ما شجاعت داشته باشیم و آزادی را بخواهیم:**

◀ در ۳۰ آبان ۸۸، میر حسین موسوی گفته است: انقلاب شده که ما به اصول پایبندی داشته باشیم. انقلاب شده که ما شجاعت داشته باشیم و آزادی را به عنوان یک اصل و خواسته قطری انسان دائم بخواهیم. ما نمی توانیم از این اصول برگردیم و هر هزینه ای که لازم باشد تن می دهیم و تحمل می کنیم.

*** هیأت سوم که عسگر اولادی نیز در آن بود نیز به این نتیجه رسید که موسوی و کروبی و اطرافیان، فرصت بازگشت به زیر چتر ولایت فقیه را از دست داده اند:**

◀ در ۳۰ آبان ۸۸، عسگر اولادی، دبیر کل جبهه پیروان خط امام و رهبری، با اشاره به «اطرافیان دو نامزد

شکست خورده در انتخابات ریاست جمهوری»، گفته است: ما با بازخوانی نفاق جدید در کشور باید نظام را از شر آسیب آن ها مصون نگه داریم، ما باید همواره به آن ها توصیه کنیم زیر چتر قانون اساسی و ولایت فقیه برگردند تا از افتادن در دامن شیطان بزرگ خود را نجات دهند. متأسفانه آن ها کارهایی کرده اند که فرصت بازگشت را از دست داده اند.

◀ در ۴ آذر ۸۸، عسگر اولادی باز گفته است: «این افراد اگر زیر چتر انقلاب و ولایت قرار نگیرند و همچنان بر طبل بی مبری خود بکوبند به حذف خود در فضای سیاسی کشور کمک کرده اند، شاید این هم از الطاف خفیه الهی است که در انتخابات ریاست جمهوری آینده دچار فتنه ای بزرگ تر نشویم.»

*** نیویورک تایمز (۲۴ نوامبر ۲۰۰۹ برابر ۳ آذر ۸۸): رژیم ایران برای مهار نیروی مخالف، پیش از پیش، به قوای سرکوب متوسل می شود:**

• از انتخابات ریاست جمهوری بدین سو، دولت ایران برای متوقف کردن جنبش مخالفان در کشور، به ضرب و جرح و توقیف و محاکمه توسل جسته است. اینکه که برغم سرکوب، جنبش ادامه یافته است، از قرار، دولت دست به کوشش بزرگ تری برای بی اعتبار کردن مخالفان و «بازتعلیم و تربیت» نوجوانان و جوانان زده است. در هفته های اخیر، دولت تعرض های ایدئولوژیک جدیدی را اعلان کرده است:

• استقرار ۶۰۰۰ مرکز بسیج مخصوص مدارس در سراسر کشور برای تبلیغ آرمانهای انقلاب اسلامی و نیز ایجاد واحد جدید پلیس برای سانسور اینترنت، هم شرکتها و هم مکاتبات از طریق اینترنت و هم سایتها. یک شرکت متعلق به سپاه پاسداران شرکت دولتی مخابرات ایران را خریداری کرده است. فروش مخابرات به سپاه امکان کنترل مخابرات تلفنی و اینترنتی را به سپاه می دهد. در بهار، سپاه آژانس خبری راه انداخت که هم برای مطبوعات و هم برای رادیو - تلویزیون، گزارش تهیه می کند.

• دولت مقابله با مخالفان را «جنگ نرم» می خواند و رهبران ایران گاه آن را جدی تر از جنگ نظامی توصیف می کنند. می گویند: جنبش مخالفان نتیجه هجوم فرهنگی غرب است و می باید با قاطعیت به مقابله با آن برخاست. این گونه سرکوب گری را با اینگونه تدابیر وسعت بخشیدن، حکایت از آن دارد که دولت روحانیان و نظامیان را جنبش مخالفان سخت متزلزل کرده است. این جنبش قوی ترین جنبش از انقلاب اسلامی بدین سو است.

• آیت الله علی خامنه ای، رهبر عالی رژیم، از ماه سپتامبر بدین سو، مرتب اصطلاح «جنگ نرم» را بکار می برد. او در دیدار با گروهی از هنرمندان و معلمان گفت: آنها در یک «جو شیفتگی» بسر می برند که در آن، در هر عنصر فرهنگی می باید از موضع جنگ وسیع میان ایران و غرب می باید تکریر است. او و دیگر مقامات دولت

از ضرورت باز اسلامی کردن نظام آموزشی سخن می رانند و بر ضرورت پاکسازی از نفوذ سکولاریسم و معلمان سکولار و پاک سازی وسائل ارتباط جمعی از افکار مغرب، تأکید می کنند.

• تأکید اخیر بر جنگ فرهنگی، گویای افزایش نفوذ سپاه پاسداران در دولت است. در حقیقت، محمد علی جعفری، بیش و پیش از همه در باره «جنگ نرم» سخن گفته است.

در این جا، روزنامه نوشته جزایری، یکی از سران سپاه را در کیهان خاطر نشان کرده و قول او را آورده است که «ما نباید هرگز اجازه دهیم که دشمن در جامعه اسلامی ما نفوذ کند.»

• برخی از تحلیل گران بر این نظر هستند که تقلاهای اخیر حکومتگران، همچون تقلاهای گذشته شان ناکام می شوند و بسا نتیجه معکوس بیار می آورد.

مهرزاد بروجردی که در دانشگاه سیراکوس استاد است، می گوید: با کوشش برای مهار وسائل ارتباط جمعی و باز اسلامی کردن مدارس، دولتیان می پندارند می توانند جامعه را مهار کنند. اما دشمن آنها جمعیت ایران است. جمعیت ایران جوان و درس خوانده است و تقلا برای کنترل آن، تنها بر شدت مخالفت این جمعیت با دولت می افزاید.

پس از انتخابات ریاست جمهوری، جمعیت بزرگ مردم به تقلب در انتخابات اعتراض کردند اما سرکوبگری دولت سبب شد که جامعه شخص رهبر را مورد اعتراض و نفی قرار دهند ...

• در اوائل سپتامبر، سردار محمد باقر ذوالقدر، قائم مقام پیشین فرمانده کل سپاه پاسداران، گفته بود: در جنگ سخت، خط میان شما و دشمن روشن است. اما در جنگ نرم خط مشخصی وجود ندارد...

کمی بعد از اظهارات او، تدابیری برای تصرف وسائل ارتباط جمعی توسط سپاه اتخاذ و به اجرا گذاشته شد: سردار محمد رضا نقدی، فرمانده بسیج اعلان کرد که «یک سوپر قدرت رسانه ای»، با همکاری رسانه های دولتی و سپاه پاسداران بوجود می آید. سپاه می خواهد، در بهار، یک خبرگزاری بنام اطلس بوجود آورد. این خبرگزاری از نوع بی بی سی و آسوشیند پرس خواهد بود.

*** دو اطلاع از داخل کشور: «نه» خامنه ای سبب شکست سه هیأت شد. طرحی به خامنه ای پیشنهاد شده است که، بنا بر آن، حکومت سایه تشکیل می شود و...؟:**

◀ بنا بر اطلاع اول که موثق است و با رویدادها همخوانی دارد، هر سه گروه طرحهای خود را به خامنه ای ارائه کرده اند و پاسخ منفی دریافت کرده اند. خامنه ای مجرای اطلاع خود را منحصر کرده است به سپاه و دیگر نیروهای سرکوب و آنها به او گزارش کرده اند که «النصر بالرب» روشی کارساز بوده است. جنبش همگانی فروکش کرده است و جنبش دانشجویی را نیز فرو می خوابانیم. خامنه ای می باید بر موضع قاطع خود بماند. هرگونه روی خوش نشان دادنی به معترضین، رشته ها را پنبه می کند.



« بنا بر اطلاع از دو منبع، پیشنهاد یک گروه از گروه‌هایی که در کار آشتی دادن دو طرف اصول گرا و اصلاح طلب هستند، اینست که موسوی کابینه در سایه تشکیل دهد و نظرات خود را در مسائل گوناگون طرح کند و کم کم احمدی نژاد را از طریق مجلس حذف کنند و یک هیات ۷ نفره هم برای تصدی رهبری، بعد از مرگ خامنه ای، تشکیل شود و خامنه ای با نظر خودش این هیات ۷ نفره را اعلام کند. مجلس خبرگان شورای را انتخاب می کند که اعضای آن از این ۷ تن خواهند بود.

آنهايي که با موسوی در ارتباطند میگویند به وی پیشنهاد مستقیم ارائه نشده چون میدانند نمی پذیرد. قرار است از ۱۵ آذر پول زیادی بدون پشتوانه در جامعه توزیع کنند تا بلکه چرخهای اقتصادی راه بیفتد و کشور از این فلاکت وی پولی رهایی یابد. بنا بر این بود که تا عبد امسال مسئله رابطه با آمریکا هم حل شود و عادی شدن رابطه با آمریکا و اروپا زیان می بینند، مانع کار شدند. این گرایشها همچنان در کار تشدید بحران هستند. انقلاب اسلامی: از میزان وثوق این خبر، هنوز اطلاع نیافته ایم. اما خواه چنین پیشنهادی تهیه شده باشد و خواه نشده باشد، مبنای آن که سستی دولت کودتا است، یک واقعیت است.

و بجاست قسمت هشتم «تبارشناسی کودتاجیان» را بیاوریم که مربوط می شود به شبکه رسانه ای گسترده رژیم مافیاهای نظامی مالی است:

تبارشناسی

کودتاجیان - ۸

وسائل ارتباط جمعی حامی کودتا، که حامی رژیم ولایت مطلقه فقیه نیز هستند، بیش از ۵۰۰ فرستنده و نشریه به زبانهای فارسی - عربی - انگلیسی - فرانسوی و... هستند. این وسائل ارتباطی از ابتدای انقلاب با انتشار در تیراژهای بسیار بالا با استفاده از امکانات دولتی و بیت رهبری و بودجه کشور سعی نمودند، در داخل و خارج از کشور، مبلغ رژیمی باشند که با کودتاها ادامه حیات داده است. اما با گذشت بیش از سی سال از انقلاب این همه نشریه نه تنها نتوانستند بر حامیان نظام حاکم بیفزایند، بلکه به تدریج، از عوامل محروم شدن رژیم از حمایت مردم نیز شدند.

نشریات حامی حاکمیت استبداد با دریافت سوبسیدهای لازم و انتشار در شمارگان بالا هرگز نتوانستند خوانندگان را به خود جلب نمایند. با این حال، چون بودجه آنها تأمین است، منتشر می شوند و رژیم به استناد انتشار آنها، مدعی می شود در ایران آزادی مطبوعات برقرار است!

در ایران، برخی از نشریات با استفاده از پول بیت المال منتشر می شوند و معمولاً به بیت رهبری و یا گروههای مالی وابسته به بیت متصل هستند و تنها کارشان نمایش و توجیه اخبار و اطلاعاتی است که موجب تثبیت «قدرت رهبر» می شود. این نشریات از کلیه ترفندهای فریبکارانه و دروغ استفاده می کنند تا بتوانند حداقل اقلیت کوچک جامعه را دلبسته به رژیم، نگاه دارند.

جنگ و بحران اقتصادی؟

- اطلاعات علمی - موسسه اطلاعات - سید طاهر قاسمی
- اطلاعات هفتگی - موسسه اطلاعات

● روزنامه جمهوری اسلامی:

در ابتدای انقلاب، صاحب امتیاز آن سید علی خامنه ای و سردبیرش میر حسین موسوی بود. این نشریه مانند دیگر نشریات داخلی فراز و فرودهایی داشته است و هم اینک به مدیر مسئولی مسیح مهاجری منتشر می شود و تقریباً هوادار هاشمی رفسنجانی و منتقد حکومت است. اما به دلیل سابقه طولانی مسیح مهاجری، در حال حاضر، بیت قادر به جانشین کردن او با دیگری نیست.

● هفته نامه یالثارات الحسین

نشریه مخصوص گروههای سرکوبگر و چماقداران است. به دلیل نیاز خامنه ای به چنین نشریه ای، با هزینه ای بسیار بالا از سوی بیت او و روزنامه کیهان و جنتی و سازمان تبلیغات اسلامی، در تیراژی بزرگ، چاپ و میان افراد این گروهها، در تهران و شهرستانها، توزیع می شود.

نشریه یالثارات الحسین متعلق به تندرو ترین گروه چماقداران می باشد. مسئولیت آن بر عهده سردار عبداللهی - محتشم - می باشد. محتشم همان کسی بود که در سالهای دوران جنگ به دلیل از دست دادن یک چشم در جبهه ها فکر می کرد که صاحب کشور شده است و لذا در کنار الله کرم و احمدی نژاد و الهام و ده نمکی و کرم سوری و دکتر تهرانی و... در خیابانها به مردم حمله می کردند. او بر چهره برخی جوانان اسید می پاشید. حجت الاسلام پروازی در باره این جنایت او، سخن ها گفته است. در کنار سردار محتشم برخی دیگر از چماقداران مشغول به کار هستند و کار آنها تحریک و بسیج نیروهای بحران ساز است که از طریق این نشریه و کیهان و دیگر نشریات در مواقع مورد لزوم بسیج می شوند برای حمایت از رهبری.

نشریه یالثارات الحسین در بدو تاسیس تنها در محل های نماز جمعه و نیروهای چماقدار پخش می شد و بعدها با حمایت جنتی با تیراژی بیشتری به چاپ می رسید و به صورت رایگان در برخی ادارات و محافل پخش می شد. در این نشریه به جز محتشم افرادی مانند سپیل کرمی - برادران موسوی - سردار کوچک زاده - خانم فاطمه رجیبی و همسر ایشان آقای الهام از نویسندگان و همکاران به شمار می روند.

● نشریات وابسته به حوزه علمیه قم:

حوزه علمیه قم سالهاست با استفاده از امکانات و اموال دولتی تلاش نموده است ولایت مطلقه فقیه را به دین ببندد و بمردم بقبولاند. کار نشریه های حوزه قم تبلیغ ولایت مطلقه فقیه و لزوم اطاعت از ولی فقیه و توجیه عملکرد رژیم است. برای انتشار نشریه های حوزه، میلیاردها تومان خرج شده است و می شود. اما بسا موجب از دست رفتن باور کم شمار باورمندان

در نشریه کیهان همچنان به ایفای این نقش مشغولند.

این توبه دهنده زندانیان دارای ارتباطاتی بسیار قوی با میر حجازی و مجتبی خامنه ای در بیت رهبری و نیز برخی از وزارت خانه ها مانند ارشاد و اطلاعات و همچنین اداره حفاظت اطلاعات سپاه پاسداران و دفتر سیاسی سپاه و برخی از زندانهای مخصوص و مرتبط با برخی از بازجویان و شکنجه گران می باشد.

این روزنامه مخصوص زندانها و گروههای انصار حزب الله نیز هست. توضیح این که، بازجویان همکار حسین شریعتمداری نیاز دارند مقاومت زندانیان را بشکنند. اینست که مؤسسه کیهان دست به چاپ تعداد محدودی کیهان انباشته از دروغ می زند. بازجویان شکنجه گر کیهان جعلی را به رؤیت زندانیان می رسانند تا مگر با استفاده از اخبار واطلاعات چاپ شده در آن، مقاومت بازداشت شدگان را در هم شکنند.

حسین آقا علاوه بر انتشار چنین نشریاتی اقدام به جعل و چاپ نشریاتی می کند که سازمانهای مأمور سرکوب، برای پرونده سازی به آنها نیاز دارند.

مانند جعل و چاپ سه نشریه جعلی از قول دانشجویان دانشگاه امیر کبیر که مدرک دستگیری و به زندان افتادن مدیران مسئول آن نشریه به مدت چند سال شد. علت پرونده سازی برای دانشجویان، درگیری بود که در آن دانشگاه، به هنگام حضور احمدی نژاد، بوجود آمده بود.

مؤسسه کیهان به جز نشریه روزانه، نشریات دیگری را نیز به چاپ می رساند اما به جرات می توان گفت که هیچکدام از انتشارات این نشریه مقبول مردم نگشته اند. در زیر به معرفی نشریات می پردازیم. به احتمال زیاد برخی از مدیران مسئول این نشریه و نشریات دیگر تغییر کرده و جابجا شده اند.

- کیهان بچه ها - موسسه کیهان - امیر حسین فردی
- کیهان عربی - موسسه کیهان - محمد مهدی روحانی
- کیهان فرهنگی - موسسه کیهان - محمود اسعدی
- کیهان کاریکاتور - موسسه کیهان - محمد حسین نیرومند

- هفته نامه کیهان ورزشی - مؤسسه کیهان - محمد سعید مدنی
- روزنامه کیهان ورزشی - موسسه کیهان
- کیهان هوایی - موسسه کیهان - عباس سلیمی نمین
- زن روز - موسسه کیهان - اکبر حسینی
- کیهان انگلیسی - مؤسسه کیهان - حمید نجفی تبریزی
- کیهان بین المللی - موسسه کیهان - انگلیسی - حمید نجفی تبریزی

● اطلاعات:

مؤسسه اطلاعات نیز از ابتدای انقلاب زیر نظر ولی فقیه قرار دارد و در راستای تأیید منویات رهبری مشغول به کار است. مؤسسه صاحب این نشریه ها است:

- روزنامه اطلاعات - موسسه اطلاعات - شرکت ایرانچاپ - سید محمود دعایی
- اطلاعات سیاسی واقتصادی - موسسه اطلاعات - مهدی بشارت

کلیه هزینه های این نشریات از اموال بیت رهبری و دولت و بنیادها تامین می شود. لذا هرگز تکران تیراژ خود نیستند در زیر، برخی از این نشریات معرفی می شوند:

* انواع نشریات وابسته به باندها و نهادهای:

نشریات وابسته به بیت رهبری نشریات وابسته به حوزه علمیه نشریات وابسته به سپاه پاسداران و نیروی انتظامی و بسیج نشریات وابسته به صدا و سیما نشریات وابسته به خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران نشریات وابسته به وزارت امور خارجه نشریات وابسته به سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی نشریات وابسته به آستان قدس رضوی نشریات وابسته به باند مصباح یزدی نشریات وابسته به باند محمد ریشهری نشریات وابسته به باند مهدوی کنی نشریات وابسته به بنیاد شهید نشریات وابسته به سازمان زندانها

* نشریات وابسته به بیت رهبری:

بیت رهبری با در اختیار داشتن میلیاردها تومان درآمد های نامشروع از اموال و دارایی های کشور، برای حفظ موقعیت خود، دهها نشریه را به لحاظ مالی به صورت مستقیم و غیر مستقیم - علنی و غیر علنی - آشکار و پنهان، مورد حمایت مالی قرار داده است. کار این نشریات مداحی از خامنه ای و حمله به هر کسی است که «بیت رهبری» حمله به او را لازم ببیند و پرونده سازی برای کسانی است که نوبت حذف شدن به آنها می رسد و مجبور به سکوت کردن روحانیان مخالف ولایت مطلقه فقیه و توجیه خیانتها و جنایتها و فسادها است. خوشبختانه به دلیل افشای ماهیت ولایت مطلقه فقیه و «رهبر»، نشریات وابسته به بیت به صورت گسترده از سوی مردم تحریم شده اند. بخش عمده ای از این نشریات به سازمانها، ادارات، نهادها و مراکز وابسته رژیم ارسال می شوند.

در زیر برخی نشریات وابسته به بیت رهبری معرفی می شوند. در بین نشریات، مؤسسه کیهان از اولویت برخوردار است. زیرا مؤسسه اطلاعات و جمهوری اسلامی مانند کیهان در ایجاد بحران و تشجیح تلاش نمی کنند و تنها ولی فقیه مطلقه را تبلیغ می کنند.

● روزنامه کیهان به سرپرستی بیت رهبری که سالها توسط افراد مورد تأیید این بیت اداره می شد و هم اینک بعد از اینکه سالها در اختیار مهدی نصیری بود بر عهده حسین شریعتمداری و باند همراه وی ماندند حسن شایانفر محمد جعفر بهداد - محمد مهاجری - صفار هرندی -

ملکیان - نوریزاد و... نهاده شد. حسین شریعتمداری که سالها بازجوی توبه دهنده بود با قرار گرفتن در مقام مدیر و مسئول، به کار تخریب پرداخت و به تدریج روزنامه را تبدیل به نشریه مخصوص ایجاد بحران و تخریب و تشجیح آفرینی و نشانی دادن جهت دستگیری «مخالفان نظام» و توقیف مؤسسات و نشریه هائی شد که می باید تعطیل می شدند. مدیر و همکاران او

به ولایت فقیه نیز شده اند. یک علت آن اینست که مردم می دانند نشریه ها هم نان دانی و هم وسیله تسویه حساب و هم دوررغائی را انتشار می دهند که دروغ سازان می پندارند بکار توجیه ولایت فقیه و عملکرد خامنه ای می آیند.

در زیر به معرفی برخی از این نشریات می پردازیم. لازم به ذکر است که در فهرست زیر ابتدا نام نشریه و سپس صاحب امتیاز و در آخر نام مدیر مسئول آورده شده اند. برخی از مدیران مسئول جابجا شده اند و تغییراتی در آنها صورت گرفته و فرد جدیدی به جای فرد قدیمی به مدیریت نشریه رسیده است:

- حوزه - دفتر تبلیغات حوزه علمیه قم - محمد جعفری گیلانی
- آینه پژوهش - دفتر تبلیغات حوزه علمیه قم - محمد جعفری گیلانی
- افق حوزه - مرکز مدیریت حوزه علمیه قم - حسن مولایی

- با معارف اسلامی آشنا شوید - دفتر تبلیغات حوزه علمیه قم - محمد جعفری گیلانی

- پاسدار اسلام - دفتر مدیریت حوزه علمیه قم - محمد حسن رحیمیان
- پژوهش و حوزه - دفتر مدیریت حوزه علمیه قم - مجید خالق پور
- پژوهشهای قرآنی - دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم - سید عباس صالحی

- پگاه - دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم - سید عباس صالح شریعتی
- پیام زن - دفتر تبلیغات حوزه علمیه قم - محمد جعفری گیلانی

- شمیم یار - مرکز مدیریت حوزه های علمیه خاوران - مصطفی رنجبر شیرازی

- سلام بچه ها - دفتر تبلیغات حوزه علمیه قم - عبدالله حسن زاده
- مبلغان - مرکز مدیریت حوزه علمیه قم - محمد حسن حاج حسینی
- نقد و نظر - دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم - محمد مهدی فقیهی و...

* نشریات وابسته به سپاه پاسداران - نیروی انتظامی و بسیج

سپاه پاسداران از جمله نهادهایی است که از همان ابتدای انقلاب و کسب قدرت تلاش کرد با در اختیار داشتن میلیاردها تومان پول مردم دست به انتشار نشریاتی جهت جلب توجه مردم به خود و توجیه اعمال خود نزد مردم بزند. اما امروز، تبلیغات سپاه، همانند دیگر سازمانها و ارگانهای رژیم ولایت مطلقه فقیه، گرفتار بن بست شده است. زیرا پرتیراژترین نشریه منتشره سپاه که روزنامه جوان است تیراژی بیش از ۵ هزار ندارد که بیشتر نسخه های آن را نیز برای سازمانها و ادارات ارسال می کنند. در زیراسم و رسم برخی از نشریات وابسته به سپاه را می آوریم:

- روزنامه جوان نشریه وابسته به سپاه پاسداران است. این روزنامه سالهاست با تیراژ کمتر از ۵۰۰۰ به انتشار خود ادامه می دهد. این نشریه وابستگی هایی با برخی از بازجویان زندانهای کشور دارد و تنها به این دلیل منتشر می شود که بتواند اخبار مورد نیاز سپاه و بازجویان شکنجه گر را در آن به چاپ برساند. این نشریه در جریانات بعد از انتخابات و دستگیری سیاسیون و مبارزان با توجه به ارتباطی که با بازجویان داشت برخی از اطلاعات



محرمانه از درون زندانها را برای تخریب افکار عمومی منتشر می کرد. مانند اینکه اعلام کرد ابطحی در زندان همواره گریه و از گذشته خود ابراز پشیمانی می کند و احتمالا همین نشریه را نیز به زندانیان دیگر نشان می دادند تا اراده آنها را سست کنند. این نشریه، در کنار نشریه های جعلی که حسین شریعتمداری به چاپ می رساند، بکار بازجویان شکنجه گر می آیند. ناگفته نماند که نیروهای نظامی به خصوص سپاه و بسیج نشریات دیگری را نیز در اختیار دارند اما این نشریه از آن جهت مورد نیاز است که برخی نشریات منتشر شده سپاه پاسداران به دلایل امنیتی در اختیار همه قرار نمی گیرد مانند نشریه صبح صادق و... نشریه جوان سالها با مدیر مسئولی محمدرضا جمالی اداره می شد. بعد از سالها، مدیریت آن به فردی به نام نظام الدین موسوی واگذار گشت. او وابستگی هایی به نیروهای ویژه بازجویی و اطلاعات سپاه دارد. او قبلا عضو شورای سردبیری نشریه ایران بود و بعدها مسئول سردبیری خبر ویژه خبرگزاری فارس شد که به این مقام رسیده است.

و سردبیری این نشریه را سالها پرویز اسماعیلی بر عهده داشت که مدیر مسئول تهران تایمز و ریاست خبرگزاری مهر و مشاور فرهنگی نیروی بسیج و مشاور انجمن قلم نیز بود. در زیر دیگر اسم و رسم نشریات وابسته به سپاه پاسداران - نیروی انتظامی و بسیج آورده می شوند.

- اشناي خانواده - ستاد حوزه نمایندگی ولی فقیه - سردار مسعود جزایری
- اشراق اندیشه - مرکز آموزش اندیشه اسلامی نیروی بسیج - احمد براتی
- امید انقلاب - سپاه پاسداران - سید رضا فقیهی
- اندیشه دانشجو - نمایندگی ولی فقیه در دانشگاه امام حسین - سردار علی احمدی
- صبح صادق - دفتر نمایندگی ولی فقیه در بسیج سپاه پاسداران
- زن شرقی - نیروی مقاومت بسیج سپاه پاسداران - مهریه سبزی
- پژوهش یار - دانشگاه صنعتی مالک اشتر - ناصر احسانی قمیشلویی
- پیام باور - دانشگاه امام حسین - سید محسن شسنی شکیب
- پیشگامان - سازمان بسیج دانش آموزی - حسن بختیاری
- ثارالله - لشکر ۴۱ ثارالله - سردار قاسم سلیمانی
- سیاست دفاعی - دانشگاه امام حسین
- سپاه پاسداران - بهادر امینیان جزی
- فرهنگ جهاد - حوزه نمایندگی ولی فقیه - سید علی حسینی
- فراماد - دانشگاه امام حسین - اکبر عندلیب
- فرهنگ پایداری - بنیاد حفظ آثار و نشر ارزشهای دفاع مقدس - اسماعیل منصور لاریجانی
- کودک مسلمان بلوچ - نمایندگی ولی فقیه در نیروی مقاومت بسیج - سید رضا فقیهی افارانی
- مدیریت تحقیقات دفاعی - دانشگاه امام حسین - سید محمود میر کاظمی
- نهال انقلاب - نمایندگی ولی فقیه در بسیج سپاه - سید رضا فقیهی
- نگهبان - نیروی انتظامی - خلیل محمدزاده ییانشولی
- پلیس - دانشگاه علوم انتظامی - علی اکبر قهرمانی
- دانش انتظامی - دانشکده نیروی انتظامی - محمود رجیبی پور

جنگ و بحران اقتصادی؟

* نشریات وابسته به صدا و سیما:

سازمان صدا و سیما از جمله ارگانهای وابسته به رژیم است که سالانه صدها میلیارد تومان اموال مردم را صرف تبلیغات مسموم خود در رابطه با حفظ رهبری و نظام می کند. این سازمان علاوه بر انتشار اخبار و گزارشات و فیلم ها و برنامه های خبری و سیاسی از طریق آنتن در شبکه های مختلف صوتی و تصویری به این نتیجه رسیده که برای تاثیر بیشتر بر مردم دست به انتشار نشریات مختلف بزند. بی آنکه بداند تبلیغ دستگاه استبدادی، بر زیان آن، اثر می گذارد. نشریات وابسته به این سازمان نیز هیچ خواننده ای در کشور ندارد. به معرفی برخی از نشریات وابسته به این سازمان می پردازیم:

- روزنامه جام جم - نشریه وابسته به رسانه به اصطلاح ملی که بیانگر نظرات مسئولان این رسانه می باشد. این نشریه در ماجرای تقلب - کودتای انتخاباتی، در کنار سایر نشریات وابسته به انتشار اخبار دروغ و فریب دست می زد. مدیر مسئول این نشریه بیژن مقدم است که قبل از وی، سالها مدیرمسئولی آن را سردار حسین انتظامی بر عهده داشت.

نشریه دیگری که از سوی این سازمان منتشر می شوند عبارتند است از:

- بازتاب اندیشه - مرکز پژوهشهای اسلامی صدا و سیما - هادی صادقی
- پژوهش و سنجش - سازمان صدا و سیما - علیرضا پویا
- رواق اندیشه - صدا و سیما - عباس معلمی
- سروش اندیشه - سازمان صدا و سیما
- سروش - سازمان صدا و سیما
- سروش کودکان - سازمان صدا و سیما
- سروش بانوان - سازمان صدا و سیما
- سروش جوان - سازمان صدا و سیما
- سروش نوجوان - سازمان صدا و سیما
- سید محمد حسینی
- و...

* نشریات وابسته به خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران:

خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران نیز همانند دیگر رسانه های خبری سالهاست تلاش می کند، علاوه بر انتشار اخبار دروغ در سطح کشور، با انتشار نشریات مختلف، حمایت مردم را از ولایت جلب نماید. اما مانند دیگر نشریات وابسته به دلیل انتشار اخبار و گزارشات دروغ و فریبکارانه نتوانسته نظر مردم را جلب کند. در زیر به معرفی برخی نشریه های این خبرگزاری می پردازیم:

- روزنامه ایران از جمله روزنامه هایی است که مدیریت و اداره آن بر عهده محمود احمدی نژاد و افراد وابسته به وی است. کارش دروغ پرانی است. مدیر مسئول این نشریه کاوه اشتهاردی است. او از اعضای باند سرکوب های خیابانی و انصار حزب الله در سالهای متمادی بوده است. در کنار او، دیگر اعضای شورای سرپرستی موسسه ایران، کسانی چون غلامحسین

الهام و علی سعید لو هستند. در این نشریه، اینان نقش خاصی را عهده دار می باشند. از دیگر افراد این گروه، محمد جعفر بهداد از دوستان و یاران حسین شریعتمداری و عضو باند رسانه ای و عضو هیات مدیره روزنامه نگاران اسلامی و معاون ارتباطات و اطلاع رسانی دفتر رئیس جمهوری و مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان هرمزگان و عضو شورای خط مشی خبرگزاری جمهوری اسلامی و از نویسندگان روزنامه کیهان بوده است.

نشریه های وابسته به سازمان خبرگزاری که در مجموعه ایران منتشر می شود عبارتند از:

- ایران آذین - خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران
- ایران جوان - خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران
- ایران سال - خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران
- ایران دیلی - انگلیسی - خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران
- و...

* نشریات وابسته به وزارت امور خارجه:

وزارت امور خارجه ایران نیز از جمله وزارتخانه هایی است که، با در اختیار داشتن میلیاردها تومان، کوشش کرده است با انتشار نشریه هایی به زبانهای مختلف، نظام جمهوری اسلامی را در دنیای خارج، عدالت گستر و... جلوه دهد. اما با وجود صرف ثروتی بزرگ، نتوانسته است حقیقت را از چشم جهانیان پوشاند. در زیر اسامی برخی نشریات وابسته به این وزارتخانه را می آوریم:

- سیاست خارجی - وزارت امور خارجه - علیرضا معیری
- فصلنامه مطالعات خاور میانه - وزارت امور خارجه - محمود سریع القلم
- تاریخ روابط خارجی - وزارت امور خارجه - علیرضا معیری
- امودریا - روسی - وزارت امور خارجه - علیرضا معیری
- العلاقات الإيرانية الدولیه - وزارت امور خارجه - علیرضا معیری
- امور دریا - انگلیسی - وزارت امور خارجه - علیرضا معیری
- تحقیقات - وزارت امور خارجه - محمود سریع القلم
- و...

* نشریات وابسته به فرهنگ و ارتباطات اسلامی:

سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی از جمله سازمانهای وابسته به ولایت مطلقه و وزارت ارشاد می باشد. این سازمان سالها، با انتشار نشریات به زبانهای مختلف، تقلا کرده است پایگاهی برای ولی فقیه مطلقه و رژیم او ایجاد کند. او انتشار اموری که در ایران روی می دهند و نقش این سازمان در ترورها، سبب شده اند که تبلیغات سازمان به زیان رژیم اثر گذارند. این سازمان سالها نیروهای تروریستها را در پوشش رایزن فرهنگی به کشورهای دیگر گسیل می داشت. اما تروریستها شناخته شدند. سرپرست این سازمان قبلا داماد مصباح یزدی بود. اینک سردار مصطفوی از سوی احمدی نژاد در رأس سازمان قرار

دارد. در زیر برخی نشریه های منتشره از سوی این سازمان معرفی می شوند:

- زمزم - انگلیسی - سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی
- پیام اسلام - فرانسوی - سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی
- محجوبه - انگلیسی - سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی
- الاسلام - انگلیسی - سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی
- التوحید - انگلیسی - سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی
- الطاهره - عربی - فرهنگ و ارتباطات اسلامی
- الوحدہ - عربی - سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی
- الهدی - عربی - سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی
- پیام اسلام - عربی - سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی
- و...

* نشریات وابسته به آستان قدس رضوی

از مراکزی که سالهای بعد از انقلاب با انتشار نشریه های مختلف در به انحصار ولایت فقیه در آوردن روزنامه و روزنامه نگاری، تقلا کرده است، یکی آستان قدس رضوی است که با در اختیار داشتن میلیاردها تومان دارایی، در این تقلا شرکت داشته است و دارد. یکچند از نشریه های آستان قدس:

- هنر دینی - بنیاد هنر دینی الرضا - سید محمد باقر خرازی
- قدس - آستان قدس رضوی - غلامرضا قلندریان
- زائر - آستان قدس رضوی - محمد ابراهیم محمدی
- حرم - آستان قدس رضوی - سید احمد موذن علوی
- بیانات - موسسه امام رضا
- بشارت - موسسه معارف اسلامی امام رضا - محمد عبدالرحمان
- و...

* نشریه های وابسته به باند مصباح یزدی:

گیوه چی سابق و مصباح یزدی کنونی مدیر «مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی» نیز با در اختیار گرفتن بخشی از سرمایه های مردم تلاش می کند نشریه هایی را، به مدیر مسئولی خود یا فرزند و نزدیکانش، منتشر سازد. کار این نشریه ها توجه ولایت مطلقه فقیه و بکار بردن خشونت با هر کسی است که دم از استقلال و آزادی انسان بزند. اما به دلیل آگاه شدن مردم از چگونگی اندیشه این عنصر خشونت طلب، با وجود هزینه های میلیونی، نشریه های منتشره مؤسسه تحت سرپرستی او، هرگز نتوانسته مورد توجه مردم قرار گیرد. نشریه های این مؤسسه عبارتند از:

- هفته نامه پرتو سخن - نشریه مخصوص باند مصباح یزدی که در قم منتشر می شود و در سراسر کشور توزیع می گردد. این نشریه نظریات باند سید علی خامنه ای و مصباح یزدی را در میان هواداران تبلیغ می کند. و خوراگ «فکری» تمایلهای خشونت طلب را تأمین می کند. محمود دهقانی از نزدیکان مصباح یزدی سمت

مدیر مسئولی این نشریه را بر عهده دارد و قاسم روانبخش سردبیر بخش سیاسی این نشریه می باشد.

- معرفت - به مدیر مسئولی و صاحب امتیازی محمد تقی مصباح یزدی
- معرفت فلسفی - به صاحب امتیازی و مدیر مسئولی علی مصباح یزدی - فرزند مصباح یزدی
- علوم سیاسی - مؤسسه آموزش باقر العلوم سید محمد تقی آل سید غفور
- دیدار آشنا - صاحب امتیاز علی مصباح یزدی - محمد عجمین

* نشریه های وابسته به باند محمد ریشهری

محمد محمدی نیک معروف به ریشهری که خود را از بزرگان دین تابع ولایت مطلقه می داند با در اختیار داشتن سرمایه بیکران آستان شاه عبدالعظیم و سازمان اوقاف و حج و زیارت، تقلا می کند با انتشار نشریه های متعدد، از راه تبلیغ ولایت مطلقه فقیه، موفقیت خود را حفظ و دست خود را در خورد و برد اموال مردم، باز نگهدارد. برخی نشریه هایی که به نوعی به این شخص وابستگی دارند، عبارتند از:

- مانده - موسسه فرهنگی عالم ری - فرهاد مشتاق صفت
- میقات الحج - عربی - دفتر نمایندگی ولی فقیه در اوقاف - ریشهری
- میقات حج - نمایندگی ولی فقیه در اوقاف - سید علی قاضی عسگر
- علوم الحدیث - موسسه فرهنگی دار الحدیث - ریشهری
- حدیث زندگی - محمد محمدی نیک، ریشهری
- پیام جاویدان - سازمان اوقاف و امور خیریه - امرالله گیوی
- ترجمان وحی - سازمان امور اوقاف و امور خیریه - محمد نقدی
- امید نو - آستان شاه عبدالعظیم - محمد صادق عرب نیا
- و...

* نشریات وابسته به باند مهدوی کنی:

مهدوی کنی نیز مانند واعظ طوسی و ریشهری و... خود را از قطب های حامی ولایت می داند و با استفاده از اموال مردم در دانشگاه امام صادق که خود سرپرست آنست، دست به انتشار نشریاتی زده است که وظیفه شان حفظ جایگاه روحانیت و ولایت مطلقه فقیه است. برخی نشریات وابسته به او عبارتند از:

- پیام صادق - دانشگاه امام صادق - سید مصطفی میر لوحی
- فصلنامه پژوهش - دانشگاه امام صادق - محمد سعید مهدوی کنی
- نامه حکمت - دانشگاه امام صادق - بیوک عزیزاده
- و...

* نشریات وابسته به بنیاد شهید:

بنیاد شهید نیز با در اختیار داشتن میلیاردها تومان باد آورده به نام شهدای جنگ، از جمله مشغول انتشار نشریه های خاص است که وظیفه شان جلب حمایت خانواده های شهدا از ولی مطلقه است. یکچند از نشریات این بنیاد عبارتند از:



- شاهد - بنیاد شهید - رحیمیان
- شاهد نوجوان - بنیاد شهید - حسن رحیمیان
- دانشور رفتار - دانشگاه شاهد - رسول روشن چسلی
- بنیاد شهید - سازمان اقتصادی کوثر - محسن فرخوی
- یاد یاران - بنیاد شهید - حسن رحیمیان
و...

*** نشریات وابسته به سازمان زندانها :**

- اصلاح و تربیت - سازمان زندانها - مظفر الوندی
- پیک زندان - سازمان زندانها - مظفر الوندی
- حمایت - سازمان زندانها - سید صولت مرتضوی
و...

*** نشریه های دیگر وابسته به نهادها**

و سازمانها و ارگانهای حامی ولایت مطلقه نیز هستند با این اسم و رسمها:

- تجسمی - سازمان تبلیغات اسلامی حوزه هنری - حسن بنیانیان
- بصائر - سازمان تبلیغات اسلامی - سید ابراهیم ناهید
- تهران تایمز - سازمان تبلیغات اسلامی - پرویز اسماعیلی
- پرسمان - نهاد نمایندگی ولی فقیه در دانشگاهها - سید محمد رضا فقیهی
- پژوهش و برنامه ریزی در آموزش عالی - وزارت آموزش عالی - فرهاد دانشجو
- اندیشه انقلاب اسلامی - ستاد دهه فجر - حجت الله ایوبی
- الثقلین - مجمع جهانی اهل بیت - دری نجف آبادی
- امداد پژوهان - کمیته امداد امام خمینی - سید محمد فرید جلالی
- خراسان - کمیته امداد امام خمینی - اتاق بازرگانی - اتاق بازرگانی - علی نقی سید خاموشی
- ایران کامرز - انگلیسی - اتاق بازرگانی ایران - علینقی سید خاموشی
- حکومت اسلامی - دبیرخانه مجلس خبرگان - ابراهیم حاج امینی نجف آبادی
- حماسه عباس میر حسینی
- پژوهش های اصولی - صادق لاریجانی
- پیام اصلاحات - سید محمد حسن ابوترابی فرد
- پیام جمعه - مرتضی موسی پور پدیده
- نوزده دی - مهدی ذاکری
- فرهنگ کوثر - استان مقدس قم - عبدالرضا ایزد پناه
- پیام آستانه - استان مقدس قم - محمد نظری
- دیدگاههای حقوقی - قوه قضاییه - غلامرضا مهدوی
- جام هفتگی - جامعه اسلامی مهندسين - محمدرضا باهنر
- جانباز - بنیاد مستضعفان
- ره آورد - محمد حاجی علی اکبری
- رهیافت - شورای پژوهشهای علمی کشور - ریاست جمهوری
- راهبرد - نهاد ریاست جمهوری
- برداشت اول - مرکز بررسی های استراتژیک ریاست جمهوری
- برداشت دوم - مرکز بررسی های استراتژیک ریاست جمهوری
- ۱۵ خرداد - سید حمید حسینی روحانی

جنگ و بحران اقتصادی؟

دستی در تشنج - بحران آفرینی و حمایت از کودتا و تقلب دارد. و... دهها نشریه که در نوشته ای دیگر معرفی خواهند شد. در انتها به عرض خوانندگان محترم می رسانیم که بیش از دهها نشریه دیگر از حامیان نظام ولایت به تدریج به دلایل مختلف تعطیل شده اند. از آن جمله اند:
نشریه صبح - مهدی نصیری و ارزشها - محمدی ریشتری و صبح دوکوهه - فروز رجایی و عاشورا - مسعود ده نمکی و کیهان اندیشه - موسسه کیهان و...
انقلاب اسلامی: جنبش ادامه دارد و کودتاچیان، بخصوص دو گروه از آنان، یکی سرکوبگران و دیگری گردانندگان وسائل ارتباط جمعی رژیم کودتا، در تقلا متوقف کردن آنند. اما ادامه یافتن جنبش و دست آوردهای آن، مسلم کرده اند ایران بسوی استقرار ولایت جمهور مردم می رود:

مراحل زمانی ششگانه جنبش مردم ایران - ۴

*** موقعیت گروههای اجتماعی**

بعد از معرفی مختصر وضعیت گروهها و احزاب سیاسی بجاست به نقش برخی از گروههای اجتماعی که نقش مهمی در این جنبش دارند، بپردازیم از جمله معلمان - کارگران - زنان - دانشجویان و ...:
● مرحله اول - پیش از ورود به عملکرد این گروهها در مرحله اول، باید به آگاهی خوانندگان رساند که سیاست رژیم حاکم بر ایران از ابتدای انقلاب همواره بر اصل تفرقه بینداز و حکومت کن بوده است. در نتیجه، سالها در مقام ممانعت از نزدیک شدن گروههای اجتماعی به یکدیگر بود. این سیاست مسئولان امنیتی و سیاسی رژیم، در اغلب مواقع، آشکارا قابل مشاهده بود. از جمله:
- در جنبش ۱۸ تیر سال ۱۳۷۸، هنگامی که دانشجویان به جنبش اعتراضی برخاستند، رژیم کوشش کرد با جدا کردن دانشجویان مانع از اتحادشان با دیگر گروههای اجتماعی شود. همه ترفندها را برای جلوگیری از پیوستن مردم به جنبش دانشجویان بکار برد.
- بهنگام جنبش معلمان، نیروهای اطلاعاتی و امنیتی با ایجاد حصار بر گرد معلمان، تلاش کردند تا از ورود دیگر گروههای اجتماعی به جنبش این صنف جلوگیری نمایند تا به راحتی بتوانند آنان را در حصر گرفته و سرکوب نمایند.
- بهنگام جنبش اعتراضی کارگران سندیکای شرکت واحد اتوبوسرانی، نیروهای امنیتی و اطلاعاتی با جدا سازی کارگران و ضرب و جرح آنان، تلاش کردند تا که هم مانع از گسترش جنبش شوند و هم از اتحاد آنان با دانشجویان و زنان و معلمان و ... جلوگیری نمایند.

- بهنگام جنبش زنان و اعتراض آنان در میدان هفت تیر باز نیروهای حاکم مانع از ایجاد هماهنگی میان دانشجویان - کارگران و معلمان با گروه زنان معترض در این میدان شدند و به شدت آنان را مورد ضرب و جرح قرار دادند و برخی از آنان را دستگیر کردند.
همه تلاش سران مافیای نظامی - مالی این بود که هر ارتباطی را میان این گروههای اجتماعی قطع کنند تا که آنها نتوانند به یک استراتژی مشترک دست یابند و در برابر رژیم، جنبشی همگانی را سازمان دهند.
باری، در مرحله اول جنبش همگانی، فضای باز، امکان داد که بخشهایی از گروههای اجتماعی، با شرکت در جنبش، تا حدی به یکدیگر نزدیک شوند و یکدیگر را از وضعیت گروه اجتماعی خود آگاه کنند.
● در مرحله دوم، با ایجاد فضای باز سیاسی افراد این گروههای اجتماعی با ورود در ستادکاندیداهای اصلاح طلب توانستند ارتباط میان خود را با یکدیگر مستحکم سازند. این فرصت به دست آمده به تدریج مابیه وحدت در میان سران این گروههای اجتماعی شد و در روزهای برپایی کارناوالهای تبلیغاتی همین ارتباط میان این گروههای اجتماعی بود که آن حماسه ها را آفرید. نیروهای به وحدت رسیده این گروهها در عملکرد همسان نشان دادند که آینده ای درخشان در پیش روی جنبش مردم قرار گرفته است.
● در مرحله سوم، زمانی که رژیم کودتایی سید علی خامنه ای دست به تقلب بزرگ انتخاباتی زد نیروهای مستقر در حوزه های رای گیری که عموماً از میان افراد همین گروههای اجتماعی بودند به سرعت دست به افشگرگری زده و اعتراض خود را نشان دادند.
در این مرحله، مردم از فریب خوردن در انتخابات، احساس حقارت می کردند. این شد که این گروههای اجتماعی، در تصمیمی هماهنگ، دست به جنبش اعتراض زدند.
● در مرحله چهارم، با شروع اوچگیری اعتراضات مردمی و هنگامی که خوابگاه دانشگاه تهران مورد حمله مغول وار نیروهای لباس شخصی سید علی خامنه ای قرار گرفت، مردم در حرکتی هماهنگ در کنار افراد این گروهها و اصناف قرار گرفتند و خیابانهای تهران را تبدیل به عرصه جنبش اعتراضی خود کردند.
هر بار که سران جنایتکار حاکم بر ایران فردی را مورد سرکوب قرار دادند، این گروههای اجتماعی بودند که به سرعت واکنش نشان می دادند و نمی گذاشتند رژیمیان احساس آرامش کنند. اتحاد بوجود آمده میان کلیه گروهها و اصناف اجتماعی روز به روز استوار تر می شد. به گونه ای که در روز تظاهرات چند میلیونی اتحاد آنان شرم را بر چهره های سید علی خامنه ای و سران کودتا نشان داد. آنها متوجه شدند که با تقلب بزرگ و سرکوب و اشتباه از پی اشتباه، ازدهای خفته اتحاد مردم را بیدار کرده اند. اما جز تسلیم به خواست مردم و یا تشدید خشونت، راه حل دیگری نمی یافتند. به تشدید خشونت روی آوردند و تصورشان غلط از کار درآمد زیرا جنبش گسترش یافت.

روزها از پی هم می آمدند و اتحاد مردم استوارتر می شد. در همان حال، شکاف میان گرایشهایی که دولت را تصرف عدوانی کرده اند، بازرتر شد. شکل جدیدی از ارتباط میان این گروهها تمام توان نیروهای امنیتی و اطلاعاتی رژیم را به نفس نفس زدن انداخت. زیرا قادر به کنترل و بازگرداندن آنها به وضعیت سابق نبودند.
هر روز که از آغاز جنبش سپری می شد افراد گروههای مختلف اجتماعی بیشتر با یکدیگر گره می خوردند و در نهایت این رودهای روان تبدیل به دریایی گشتند. صحبت از گروه ها جای به سخن از یک گروه، مردم در جنبش سپرد.
● در مرحله پنجم، استبدادیان یکچند پر این گمان شدند که جامعه را رام و آرام کرده اند. خیال می کردند با سرکوب شدید و تجاوز و شکنجه و دستگیری برخی از سران گروههای مختلف توانسته اند موجهای جنبش را فرو نشانند. اما بار دیگر افراد جامعه متشکل از گروههای خاص در کنار یکدیگر وارد خیابانها شدند و با فریاد مرگ بر دیکتاتور ترس را به بیت رهبری منتقل نمودند. حرکت اقبال هماهنگ مردم در روز قدس به سید علی فهماند که دیگر راهی برای ایجاد شکاف در میان آنان را در اختیار ندارد و بهتر است که هر چه زودتر خود را تسلیم اراده متحد مردم نماید.
● در رابطه با آینده جنبش می توان گفت گروههای اجتماعی با یکدیگر متحد می مانند. دو خطر در کمین جنبش هستند که اولی وقتی مؤثر است که خطر دوم واقعیت پیدا کند. خطر دوم گرفتار کردن جنبش در حصار رژیم و بدتر از آن، باز سازی دوران خمینی است. هرگاه جنبش هدف خود را «نه به ولایت فقیه و آری به ولایت جمهور مردم» کند، خطر اول که شدت بخشیدن به خشونت است، بی اثر می شود و جنبش تا پیروزی ادامه می یابد.
*** داده ها و ستانده ها**
در پایان این بررسی بهتر می بینیم نتایج بدست آمده جنبش مردم و از دست رفته های حاکمیت را بدون توجه به مراحل مختلف، فهرست کنیم: حدود ۹ ماه از جنبش مردم ایران گذشته است و ایران در حال زایمان کودکی نومنند است که عنقریب به سرعت سر ضحاک حاکم بر کشور را خواهد خورد.
اگر سید علی خامنه ای و حامیان نظامی و سیاسی و سرکوبگران وابسته به حاکمیت نگاهی به گذشته خود بیندازند قطعاً با حسرت به آن خواهند نگریست / زیرا هم اینک در شرایطی قرار گرفته اند که تنها لب های خود را می گزند و افسوس می خورند که چرا دست به این خطای بزرگ زده و کاری کردند که مردم همه حصارها را بشکنند و تصمیم به تغییر حاکمیت بگیرند.
اگر سید علی خامنه ای دست به این خطای بزرگ تقلب - کودتای انتخاباتی - نمی زد و تن به حضور میر حسین موسوی برای هشت سال آینده می داد یا کروی را به عنوان رئیس جمهور می پذیرفت به راحتی می توانست هشت سال آینده را نیز به حاکمیت مطلقه خود ادامه دهد و کار به اینجا نمی رسید اما شد آنچه که نمی بایست می شد.
برای بررسی دستاوردهای هر دو سوی مبارزه در ابتدا از دست داده های حاکمان مستبد را فهرست می کنیم و سپس دستاوردهای مردم را.
در صفحه ۱۰



رژیم حاکم بر ایران طی حدود نه ماه گذشته داشته‌ها بسیاری را در اختیار داشت که از دست داده است. از جمله:

۱- مشروعیت:

سران حاکم بر ایران طی مدت نه ماه گذشته مشروعیت خود را بطور برگشت ناپذیر، از دست داده اند. پیش از آن نیز، مشروعیتی برای خود باقی نگذاشته بودند. اما اصلاح طلبان به خامنه ای وعده می دادند در ازای بی طرف ماندن در انتخابات، بخش عمده ای از مشروعیت او را، باز می گردانند. در حال حاضر مشروعیتهای زیر را رژیم بطور بازگشت ناپذیر از دست داده است:

• مشروعیت مذهبی: با توجه به عملکرد حاکمان تحت امر خامنه ای و مافیاهای نظامی - مالی، در برخورد با اعتراضات آرام مردم و به خاک و خون کشیدن مردم و همچنین ضرب و جرح شدید و قتل برخی دستگیر شدگان در زیر شکنجه و بی شرمانه تر از آن، تجاوز به برخی دختران و پسران در زندانها، دیگر هیچ مشروعیتی برای «رهبر» و رژیم وی باقی نمانده است. این عدم مشروعیت را یکچند از مراجع تقلید اعلام نموده اند. حمله شبانه به الله اکبر گویان و سرکوب آنان و تیر اندازی به آنان و حمله به خانه هایشان، به خوبی ضدیت حاکمان را با دین، همان «اسلام فیه» نیز آشکار کرد.

• مشروعیت سیاسی: سید علی خامنه ای و نیروهای حامی وی با توجه به تقلب گسترده ای که در انتخابات انجام دادند مشروعیت سیاسی خود را از دست دادند و از نظر مردم این نظام فاقد مشروعیت می باشد. اینک مردم دنیا نیز می دانند که رژیم از مردم ایران نمایندگی ندارد.

• مشروعیت ملی: رژیم، از سالها قبل، می کوشید خود را نماد «قدرت ملی» در برابر قدرتهای شرق و غرب نشان دهد، پرونده اتمی را وسیله بحران سازی کرد و مدعی شد همانند نهضت ملی کردن صنعت نفت است. اما باج دادن به چین و روس و بروز علائم شکست و نیز به سراغ قدرتهای خارجی رفتن برای کسب مشروعیت برای انتخابات قلابی، دیگر جای تردید باقی نگذاشت که استبدادی وابسته است. اینک ایرانیان می دانند آزادی بدون استقلال نمی شود و استبداد نمی تواند وابسته نباشد.

۲- از دست دادن حمایت ها

خامنه ای و مافیاهای نظامی - مالی طی نه ماه گذشته بسیاری از حمایت های خود را از دست داده اند:

• حمایت مراجع تقلید: به جرأت می توان گفت که کلیه مراجع تقلید خامنه ای را فاقد صفت عادل و ناتوان از مدیریت امور کشور و فاقد دانش دینی و سیاسی می دانند. بعضی از آنها به طور علنی فقدان عدالت و کفایت او را اعلام کرده اند. مانند آیت الله منتظری و روحانیانی چون بیات زنجانی و موسوی اردبیلی و طاهری اصفهانی و دستغیب شیرازی و یوسف صانعی و... و برخی دیگر نیز با عدم تایید عملکرد ایشان به نوعی مخالفت خود را اعلام نموده اند مانند وحید خراسانی و سیستانی و شبیری زنجانی و صافی گلپایگانی و مکارم شیرازی و تنها کسی که ریاست جمهوری احمدی

جنگ و بحران اقتصادی؟

راهپیمایی روز قدس به خوبی مشاهده شد.

• از دست رفتن وجهه ولایت مطلقه در میان هوادارانش در خارج از کشور مانند برخی چهره های معتقد به حاکمیت ولی مطلقه در فلسطین - لبنان - عراق - سوریه و ...

• از دست رفتن مشروعیت سیاسی نظام در میان کشورهای دیگر از جمله اکثر کشورهای غربی - آسیایی - افریقایی به دلیل بخش فیلم سرکوب های خیابانی و انتشار اخبار مربوط به قتل ها در زیر شکنجه - کشتار توسط سپاه و بسیج و تجاوز به دختران و پسران.

• از دست رفتن باور بسیاری از افراد ارتش و سپاه و نیروی انتظامی به گونه ای که طبق اخبار رسیده برخی از فرماندهان و اعضای سپاه پاسداران بعد از سرکوب سباعنه مردم، از سپاه استعفا دادند و همچنین برخی دیگر از بزرگان این نیرو تهدید کردند که اگر وضع به این صورت ادامه یابد، سکوت نخواهند کرد. این اخطار موجب شد توان سرکوب سید علی خامنه و مافیاهای نظامی - مالی کاهش یابد.

• روزگاری، افراد سپاه، از راه باور به ولایت فقیه، اطاعت از امر و نهی سید علی خامنه ای را فریضه خود می دانستند. اما اینک متوجه شده اند در باور خود برخطا بوده اند. بگونه ای که برخی از فرماندهان سپاه دیگر حاضر به خواندن نماز به امامت او نیستند و نیز برخی از فرماندهان سپاه تمایل به رفتن به بیت او را از دست داده اند.

• به جرات می توان گفت که در هیچ سازمان - اداره - نهاد - موسسه - وزارتخانه و... در میان اکثر کارکنان آنها، خامنه ای و رییس جمهوری منتصب وی کوچکترین جایگاه و مشروعیتی ندارند. در هر فرصت، به صورت جمع های کوچک جلساتی بر ضد این دو تشکیل می دهند.

• با توجه به گروههای شرکت کننده در تظاهرات میلیونی در تهران و چند صد هزار نفری در برخی شهرها به خوبی مشخص است که اعتبار و جایگاه سید علی خامنه ای و حامیان وی در میان اقشار مختلف مردم از بین رفته است به گونه ای که شعار «خامنه ای قاتله ولایتش باطله» در اکثر شهرها، در جنبشهای روزهای قدس و ۱۳ آبان، سر داده شد. در ۱۳ آبان، شعار «مرگ بر اصل ولایت فقیه» نیز داده شد.

• از دست رفتن اعتبار رییس جمهوری منصوب خامنه ای در داخل و خارج از کشور به گونه ای که نه در ایران و نه در خارج از کشور احمدی نژاد کوچکترین اعتباری در میان مردم ندارد و علاوه بر این، بسیاری از هواداران وی در دوره نهم ریاست جمهوری، بعد از تقلب بزرگ و سرکوب وحشیانه مردم، از حمایت او خودداری و می کوشند بی اعتباری و عدم مشروعیت وی را هر چه آشکارتر سازند. گفته رحیم مشاعی که تنها ۴ میلیون نفر رای ایجابی به احمدی نژاد داده اند، راست است. از اول انقلاب تا امروز، زورپرستان و سودجویان حامی ولایت فقیه، در ایران بیشتر از ۴ میلیون رأی نداشته اند. در یک انتخابات آزاد و در زمانی که رانت خواران دستشان از خوان بغما کوتاه شده باشد، زورپرستان بسا نصف این آراء را نیز نخواهند داشت.

• از دست رفتن اعتماد مردم به سپاه و بسیج و نیروی انتظامی و واواک قوه قضائیه: پیش از تقلب بزرگ و جنایتهای بعد از آن نیز مردم اعتمادی به این سازمانها نداشتند. اما اولاً از میزان سلطه سپاه بر دولت و اقتصاد کشور و خورد و بردها به این اندازه مطلع نبودند و ثانیاً وجود پوشش سیاسی - مذهبی، در بخشی از مردم این امید به اصلاح پذیری رژیم را حفظ کرده بود. و حالا، با توجه به عملکرد این سازمانهای تحت امر سید علی خامنه ای - که خود نیز آلت دست مافیاهای نظامی - مالی است - دیگر نه اعتمادی مانده است و نه احتمال اصلاحی. وضع نیروهای ارتش کاملاً متفاوت می باشد زیرا آنها در هیچ عملیات سرکوبگرانه ای بر ضد مردم شرکت نداشتند.

• بروز تفرقه شدید در کلیه ارکان نظام و بروز اختلافات غیر قابل حل میان احزاب وابسته به حاکمیت، بعد از سرکوب های خونین در خیابانهای تهران و شهرستانها به دستور سید علی خامنه ای.

• بروز تفرقه شدید در کلیه ارکان نظام و بروز اختلافات غیر قابل حل میان احزاب وابسته به حاکمیت، بعد از سرکوب های خونین در خیابانهای تهران و شهرستانها به دستور سید علی خامنه ای.

• در کل، می توان گفت که اگر رهبری رژیم کودتا تا قبل از انتخابات دارای مشروعیت و مقبولیتی نزد اقلیت جامعه بود، با انجام تقلب و کودتا، این مشروعیت و مقبولیت را نزد بخشی از آن اقلیت نیز از دست داد و به جرات می توان گفت که به ورطه سقوط افتاده است.

۳- دستاوردهای مردم:

سالها بود که مردم ایران به دلیل شدت سرکوب رژیم، توانایی خود را از یاد برده بودند. استبدادیان همواره تحقیرشان می کردند و این مردم به خود القاء می کردند که با رژیمی روبرویند که بیشتر از رژیم شاه درنده خو است و در برابرش کاری نمی توان کرد. بخشی از مردم هم باور کرده بودند که رژیم از حمایت امریکا و انگلستان نیز برخوردار است. هر بار هم دست به جنبش اعتراضی زدند و خواستند خود را از زیر رژیم ولایت مطلقه آزاد کنند، به شدت مورد حمله و سرکوب قرار گرفتند و بار دیگر شکسته تر و تحقیر شده تر، به لاک انفعال و بی تفاوتی بازگشتند.

این بار، چون رژیم از بیم تحریم وسیع انتخابات، فضا را به اندازه ای باز کرد که مردم بتوانند گروه گروه جمع شوند، مردم با استفاده از فرصت ایجاد شده، به سرعت خود را از درون پیله خارج ساخته و در اتحادی کم نظیر توان خود را به نمایش گذاردند. دست آوردهای احساس توانائی و بکار بردن آن عبارتند از:

۱- اتحاد: در طول چند ماه، گروههای اجتماعی خود را در کنار یکدیگر یافتند و دریافتند آن کس جامعه را بطور مداوم به یاد آوردن توانائیش و بکار بردن آن، از راه یک جنبش همگانی، می خواند، آن کس به دانشجویان و زنان و کارگران و معلمان و کارکنان دولت و بازاریان و روحانیان می گفت، در تنهایی، سرکوب می شوید و هرگاه با هم شوید، سرانجام، قوای سرکوب را از کار می اندازید و صاحب کشور و سرنوشت خود می شوید، راست می گفت.

۲- کسب اعتبار در جامعه بین المللی: حالا دیگر مردم دنیا می دانند که صاحب اختیار در ایران، مردم ایران هستند. زمان غاصبان حق حاکمیت مردم کوتاه است. رژیم حاکم در خشونت و فساد گسترده نه تنها نمایندگی از مردم ایران ندارد بلکه در دشمنی با مردم ایران است که عامل گسترش فساد و خشونت در ایران و بیرون از ایران است.

۳- ملت ایران با آغاز حرکت مسالمت آمیز، در کار خلق فرهنگ آزادی شد. نه تنها یگانگان که بسیاری از «اصلاح طلبان» می گفتند ایران فرهنگ دموکراسی ندارد و ایرانیان هنوز قادر به زندگی در دموکراسی نیستند. جنبش مردم ایران و ویژگی مسالمت آمیزش مبرهن کرد، در ایران امروز، استبداد طرفداری جز مثل زور پرست در حال زوال ندارد.

۴- ملت ایران در طول جنبش به جهانیان نشان داد که همیشه بخشنده و مهربان است. آنها را که در خدمت رژیم بوده اند و اینک به مردم پیوسته اند را می بخشد. اما فراموش نمی کند و حاضر نمی شود اسباب استبدادگری را نه در اختیار آنان و نه در اختیار غیر آنان قرار دهد.

۵- ملت ایران، با اقدامی آگاهانه، مراجع دینی و روحانیان را - هر چند برخی از آنها از بانیان استبداد بوده اند و در برابر ملت قرار گرفته بودند - به اعتراض به استبدادی برانگیزند که دین را وسیله زورگویی کرده و گرفتار انحطاط ساخته است. اعتراض های مقامهای روحانی بر جهانیان معلوم کرد که رژیم در میان روحانیان نیز پایگاهی ندارد. مردم ایران می خواهند بطور بازگشت ناپذیر، «ولایت جمهور مردم» برقرار کنند. روشی که این مردم در پیش گرفته اند، برانگیختن همگان به تصدیق این حق است.

۶- جوانان ایران در جریان مبارزات مردم خود با استفاده از کلیه دانش فنی خود و ایجاد رابطه با جوانان ایرانی مقیم خارج از کشور توانستند کلیه ترفندهای نظام مستبد را نقش بر آب سازند و با استفاده و تهیه فیلم های افشاگرانه و ارسال آنها برای جوانان ایرانی خارج، جنبش ایرانیان به سرتاسر جهان بسط دهند. این جنبش حمایت افکار عمومی جهان را نیز بدست آورد. سمت یابی عمومی تحول، می باید اتحاد بر اصول استقلال و آزادی و حاکمیت مردم را میسر کند.

۷- جنبش مردم ایران تنها در مخالفت با رژیم ولایت مطلقه فقیه نیست. در موافقت با ولایت جمهور مردم و دموکراسی نیز هست. از این رو، گروهها و سازمانهای سیاسی که بخواهند در جنبش مردم ایران شرکت کنند، این بار، می باید استقلال و آزادی را تمرین کنند و اگر تا امروز، در جستجوی قدرت از راه وابستگی به قدرتهای خارجی بودند، از امروز، می باید شرکت در زندگی سیاسی، در یک دموکراسی را شیوه کنند. ایران نیازمند سازمانهای سیاسی است که کار اول خود را استوار کردن پایه های دموکراسی کنند.

۸- مردم ایران با ورود به دوره چهارم جنبش خود، تداوم جنبش را تضمین کردند. تقابل توانائی مردم با زور و خشونت رژیم، ضعف رژیم را نمایان ساخت. با ادامه جنبش، شکاف مافیاهای نظامی - مالی و انزواي آنها بیشتر می شود. بطور روز افزون، بخشی از تمایلهای شریک در حاکمیت



جنگ و بحران اقتصادی؟

به عبارتی دیگر اگر بهره متوسط بدهی‌های خارجی را تنها ۸ درصد در نظر بگیریم، دولت نهم طی ۴ سال بیش از ۱۴ میلیارد دلار معادل ۱۴ هزار میلیارد تومان، بهره به بانک‌های غربی بابت بدهی‌های کشور پرداخت کرده است، در حالی که اگر با استفاده از درآمد هنگفت ارزی کشور این بدهی‌ها تسویه می‌شد و بدهی جدیدی ایجاد نمی‌گردید، این مبلغ می‌توانست صرف رفاه مردم ایران شود.

* کسر بودجه دولت چالشی بزرگ برای اقتصاد ایران:

در ۹ آذر ۸۸، به گزارش ایلنا، براساس آمارهای رسمی منتشر شده دولت در هر پنج سال برنامه چهارم به صورت میانگین، کسری بودجه‌های ۱۴ هزار میلیارد تومانی را تجربه کرده است. میزان کسری بودجه سال ۸۴ بعد از ارائه دو متمدن بیش از ۱۰ هزار میلیارد تومان بود که این رقم در سال ۸۵ به ۱۸ هزار میلیارد تومان رسید. در سال ۸۶ میزان کسری بودجه دولت ۱۲ هزار میلیارد تومان گزارش شد. در سال گذشته کسری بودجه دولت بار دیگر به ۱۸ هزار میلیارد تومان رسید. در شرایطی که دولت پس از ارائه لایحه هدفمند کردن یارانه‌ها پیش‌بینی می‌کرد که ۸۵۰۰ میلیارد تومان از منابع پیش‌بینی شده در لایحه بودجه ۸۷ آزاد شود، به دلیل مخالفت مجلس و بلا تکلیف ماندن لایحه هدفمند کردن یارانه‌ها این رقم به کسری بودجه امسال اضافه شد، به طوری که بنا به پیش‌بینی بانک مرکزی تراز عملیاتی بودجه سال جاری که در عملیات بودجه‌نویسی به عنوان کسری بودجه از آن یاد می‌شود، به میزان ۱۱ هزار و ۵۰۰ میلیارد تومان خواهد بود. هرچند که این رقم به نظر کمتر از کسری بودجه واقعی دولت به نظر می‌رسد، چه آنکه براساس پیش‌بینی مرکز پژوهش‌های مجلس کسری بودجه امسال دولت ۲۵ هزار میلیارد تومان خواهد بود. چندی پیش وزیر اقتصاد که هم‌اکنون نیز در سفر مکه به سر می‌برد؛ عنوان کرد که امسال دولت هم لایحه متمدن و هم اصلاحیه به مجلس خواهد برد.

* کاهش بودجه عمرانی و خواب پروژه‌ها:

در روزهای پایانی سال ۸۷ زمانی که مجلس با درآمد ۸/۵ هزار میلیارد تومانی دولت از محل حذف یارانه‌های انرژی در لایحه بودجه سال ۸۹ مخالفت کرد، قرار شد برای جبران این کسری اعتبارات جاری و عمرانی بودجه تعدیل شود. بودجه جاری دستگاه‌های دولتی چندی پیش با مصوبه مجلس کاهش یافت که البته این کاهش با واکنش‌های متفاوت و بعضاً چالش برانگیزی از سوی دولت مواجه شد. کاهش اعتبارات در بخش بودجه عمرانی داستان تکراری است که هر ساله دولت با ارسال متمدن و تغییر نام متمدن به اصلاحیه بودجه نسبت به جبران کسر بودجه آخر سال اقدام می‌کند. اما امسال علاوه بر کاهش بودجه جاری دستگاه‌ها بودجه عمرانی نیز کاهش خواهد یافت. به عقیده کارشناسان تبعات کاهش بودجه عمرانی کشور بسیار سنگین است.

در صفحه ۱۲

اسفندماه سال ۸۷ معادل ۳.۹ رشد داشته است. این رشد در خرداد ۸۸ نسبت به خرداد ۸۷ معادل ۱.۲ درصد بوده است اما در خرداد ۸۷ نسبت به خرداد ۸۶ معادل ۲۸.۳ درصد بوده است.

* بدهی دولت به بانک مرکزی

بدهی دولت به بانک مرکزی با افزایش دو درصدی نسبت به اسفند ۸۷ حدود ۱۳ هزار میلیارد تومان است که افزایش ۲۷۶ میلیارد و ۷۵۰ میلیون تومانی و رشد ۲.۱ را نشان می‌دهد. رقم بدهی دولت به بانک مرکزی با کاهش ۱.۱ درصدی طی سال ۸۷ رقم ۱۳ هزار و ۲۵ میلیارد و ۹۳۰ میلیون تومان بوده است.

* بدهی دولت به سیستم بانکی

بدهی دولت به سیستم بانکی در خرداد ۸۸ نسبت به اسفند ۸۷ با حدود دو هزار میلیارد تومان افزایش و رشد ۸.۳ درصدی به ۳۱ هزار و ۵۶۱ میلیارد و ۸۰۰ میلیون تومان رسیده است. بدهی بخش دولتی به سیستم بانکی در بازه زمانی یک‌ساله خرداد ۸۷ تا خرداد ۸۸ با ۱۳.۹ درصد افزایش معادل چهار هزار و ۷۳۷ میلیارد و ۴۳۰ میلیون تومان رشد داشته است.

* دهها میلیارد دلار مازاد دولت چه شده است؟ معماری درآمد ارزی سه برابری دولت و افزایش بدهی خارجی کشور!

در ۴ آذر ۸۸ بنا بر «آینده»، دولت نهم طی ۴ سال بیش از ۱۴ هزار میلیارد تومان، بهره به بانک‌های غربی بابت بدهی‌های کشور پرداخت کرده است، در حالی که اگر با استفاده از درآمد هنگفت ارزی کشور این بدهی‌ها تسویه می‌شد و بدهی جدیدی ایجاد نمی‌گشت، این مبلغ می‌توانست صرف رفاه مردم ایران شود. در حالی که دولت نهم در مقایسه با دولت هشتم از درآمد سه برابر ارزی برخوردار بوده است، بدهی‌های خارجی این دولت ظرف ۴ سال گذشته، نه تنها تسویه نشده، بلکه افزایش هم یافته است.

مطابق با گزارش رسمی بانک مرکزی درآمد ارزی در دولت قبل (دوره دوم خاتمی) تنها ۱۱۲ میلیارد دلار بوده است. اما با وجود آن‌که درآمد ارزی دولت نهم نسبت به دولت قبل بیش از ۳ برابر افزایش یافته است، میزان بدهی‌های کشور که در ابتدای دولت نهم ۴۰ میلیارد دلار بوده نه تنها در این دولت تسویه نشده است بلکه از ۴۰ میلیارد دلار به ۴۴ میلیارد دلار افزایش یافته است.

عدم تسویه بدهی‌های کشور و افزایش ده درصدی آن در ۴ سال گذشته، در حالی صورت گرفته است که بهره پرداختی به بانک‌های خارجی که «ربا» محسوب می‌شود، بین ۶ تا ۱۶ درصد می‌باشد، در حالی که سود پرداختی به سپرده‌های ارزی ایران در بانک‌های خارجی بین ۱ تا ۳ درصد می‌باشد.

۲۹ هزار و ۷۱۶ میلیارد و ۲۶۰ میلیون تومان رسیده است. این در حالی است که سپرده بانک‌ها و موسسات اعتباری در بانک مرکزی در سال ۸۷ از رشد ۲۰.۶ درصدی برخوردار بوده است.

* سپرده‌های قانونی بانک‌ها

در خردادماه سال جاری معادل ۲۱ هزار و ۵۰۳ میلیارد و ۳۴۰ میلیون تومان از مجموع سپرده بانک‌ها و موسسات اعتباری در بانک مرکزی مربوط به سپرده قانونی است و با احتساب حجم سپرده‌های قانونی نزد بانک مرکزی در پایان سال ۸۷ که معادل ۲۲ هزار و ۵۲۲ میلیارد و ۷۹۰ میلیون تومان بوده کاهش ۴.۵ درصدی نشان می‌دهد.

* دارایی‌های سیستم بانکی

دارایی‌های سیستم بانکی طی سه ماه ابتدایی سال جاری با ۱.۸ درصد رشد نسبت به اسفند ۸۷ حدود ۱۰ هزار میلیارد تومان افزایش یافت و به ۵۴۹ هزار و ۲۱۷ میلیارد و ۸۳۰ میلیون تومان رسید. جمع دارایی‌های سیستم بانکی در پایان سال ۸۷ معادل ۵۳۹ هزار و ۲۸۷ میلیارد و ۲۰۰ میلیون تومان اعلام شده بود.

* بدهی‌های ارزی بانک مرکزی

بدهی‌های ارزی بانک مرکزی در خرداد ۸۸ با دو هزار و ۳۲۵ میلیارد و ۴۲۰ میلیون تومان کاهش و نرخ کاهش ۱۰.۸ درصدی نسبت به اسفند ۸۷ از ۲۱ هزار و ۴۴۶ میلیارد و ۷۰ میلیون تومان به ۱۹ هزار و ۱۲۰ میلیارد و ۶۵۰ میلیون تومان رسید. با وجود افزایش ۸۲.۳ درصدی بدهی‌های ارزی بانک مرکزی از خرداد ۸۶ تا خرداد ۸۷، بدهی‌های ارزی این بانک از خرداد ۸۷ تا خرداد ۸۸ کاهش ۴۹.۵ درصدی داشته است.

دارایی‌های خارجی بانک مرکزی در سه ماهه اول امسال با کاهش بیش از سه هزار میلیارد تومانی معادل ۰.۵ درصد کاهش داشته و از ۷۷ هزار و ۸۴۹ میلیارد و ۸۷۰ میلیون تومان در اسفند ۸۷ به ۷۷ هزار و ۴۳۰ میلیارد و ۳۹۰ میلیون تومان در پایان خردادماه رسیده است. البته دارایی‌های خارجی بانک مرکزی در سال ۸۷ هم از کاهش ۳.۸ درصدی برخوردار بوده است در حالی که از خرداد ۸۶ تا خرداد ۸۷ این دارایی‌های خارجی رشد ۳۷.۴ درصدی نشان می‌دهد.

* دارایی‌های خارجی سیستم بانکی

دارایی‌های خارجی سیستم بانکی در خرداد سال جاری ۱۲۶ هزار و ۳۵۵ میلیارد تومان بوده که نسبت به اسفند سال قبل چهار هزار و ۷۳۷ میلیارد و ۴۴۰ میلیون تومان افزایش نشان می‌دهد. این رقم در پایان سال ۸۷ معادل ۱۲۱ هزار و ۶۱۷ میلیارد و ۵۶۰ میلیون تومان بوده است و در خردادماه سال جاری نسبت به

خورشیدی، دولت در مجموع ۱۳ میلیارد و ۸۳۵ میلیون دلار صادرات نفت و گاز داشته است و در مقابل به واردات ۱۳ میلیارد و ۸۶۳ میلیون دلار کالا اقدام کرده است.

بدین ترتیب ۲۸ میلیون دلار بیش از دلارهای نفتی و گازی دولت نهم صرف واردات کالا به کشور شده است. در شرایطی که درآمدهای نفت و گاز دولت در سه ماهه اول سال جاری بیش از ۴۵ درصد در مقایسه با مدت مشابه سال گذشته (۲۵۳۹۳ میلیون دلار) کاهش یافته است، واردات کشور در این مدت تنها ۹ درصد کاهش یافته است.

گفتنی است در سه ماهه نخست سال گذشته مجموع واردات کشور ۱۵ میلیارد و ۲۳۰ میلیون دلار بوده است. در مدت مورد گزارش صادرات غیر نفتی کشور هم از ۴ میلیارد و ۳۵۹ میلیون دلار به ۴ میلیارد و ۱۳۷ میلیون دلار کاهش یافته است.

* داده های پولی و بانکی گزارشگر رکود و تورم:

میزان سپرده‌ها و سپرده‌های قانونی بانک‌ها نزد بانک مرکزی هم با کاهش همراه بوده است. این آمارها همچنین از افزایش دارایی‌های بانکی در سه‌ماهه اول امسال حکایت می‌کند.

* حجم نقدینگی

حجم نقدینگی در خرداد ماه سال جاری نسبت به پایان سال ۸۷ حدود هفت هزار میلیارد تومان افزایش داشته و با ۳.۶ درصد رشد از ۱۹۰ هزار و ۱۳۶ میلیارد و ۶۰۰ میلیون تومان به ۱۹۷ هزار و ۴۸۰ میلیارد و ۵۱۰ میلیون تومان رسیده است. در خردادماه امسال ۴۸ هزار میلیارد تومان از حجم نقدینگی پول و ۱۴۸ هزار میلیارد تومان شبه پول بوده است.

* حجم اسکناس و مسکوک

حجم اسکناس و مسکوک در پایان خرداد سال ۸۸ با افزایش ۵۸۹ میلیارد و ۴۸۰ میلیون تومانی و رشد ۲.۸ درصدی نسبت به اسفند ۸۷ به ۲۱ هزار و ۳۲۴ میلیارد و ۱۵۰ میلیون تومان رسیده است. میزان اسکناس و مسکوک در سال گذشته معادل ۲۰ هزار و ۷۳۴ میلیارد و ۶۷۰ میلیون تومان بود که این رقم نسبت به اسفند سال ۸۶ از ۱۳۲.۳ درصد رشد برخوردار بوده است.

از این رقم ۱۳ هزار و ۴۷۸ میلیارد و ۲۳۰ میلیون تومان از مجموع اسکناس و مسکوک در دست اشخاص، شش هزار و ۱۵۳ میلیارد و ۱۷۰ میلیون تومان نزد بانک‌ها و همچنین یک هزار و ۶۹۲ میلیارد و ۷۵۰ میلیون تومان در اختیار بانک مرکزی است.

* سپرده‌های بانک‌ها

میزان سپرده بانک‌ها و موسسات اعتباری در بانک مرکزی در خرداد ۸۸ نسبت به اسفند ۸۷ با سه هزار و ۷۳۳ میلیارد و ۱۸۰ میلیون تومان کاهش و نرخ کاهش ۱۱.۲ درصدی از ۳۳ هزار و ۴۴۹ میلیارد و ۴۴۰ میلیون تومان به

استبدادی، چاره را تن دادن به تحول مسالمت آمیز می‌بینند. زیرا می‌دانند خشونت را تنها وسیله ماندن بر قدرت کردن و به رانت خواری ادامه دادن، حیات آنها را به شعله‌های آتش خشونت خواهد سپرد. تحول مسالمت آمیز صلح ملی بیار می‌آورد و ادامه دادن به سرکوب وحشیانه، ایران را در آتش خشونت فرو می‌برد.

۹ - جنبش مردم ایران دارد یکبار دیگر ایران را الگوی جنبش برای استقلال و آزادی و مردم سالاری در کشورهای اسلامی می‌کند. به ایران همان موقعیتی را می‌بخشد که همواره داشته است: جهان در انتظار ولادت نه یک قدرت که یک توانایی بیاتر استقلال و آزادی و ولایت جمهور مردم است. این توانایی است که تغییر برانگیز است.

۱۰ - جنبش مردم سران و کارگزاران رژیم را به انزوا در آورده است. آنان دیگر توانایی حضور در اجتماعات مردم را ندارند. در ۱۳ آبان، وقتی فیلمبرداران صدا و سیمای رژیم به دبیرستانی رفتند تا رپرتاژ تهیه کنند و بر دانش آموزان خواستند شعار «مرگ آمریکا» سر دهند، دانش آموزان، شعار «مرگ بر روسیه» سردادند. تقلاهای مسئولان دبیرستان به جانی نرسید و گروه صدا و سیما، دست خالی بازگشتند. در همین روز، رژیم دانش آموزان دبستانها را به جلو سفارت آمریکا برده بود. مبلغان رژیم در هر جمعی حاضر می‌شوند، رانده می‌شوند.

۱۱ - بهمان ترتیب که جنبش ادامه یافت، توانایی مردم به سازماندهی خودجوش خود بیشتر شد. رژیم که گمان می‌برد همه کسانی را دستگیر کرده است که نقش نیروی محرکه جنبش را برعهده دارند، با این واقعیت روبرو شد که نیروی محرکه فرآورده جنبش مردم است و چون چرخ جنبش به حرکت در آید، نیروی محرکه دیگر از میان بردنی نیست.

انقلاب اسلامی: با توجه به بحران رژیم و بحران اتمی و تشدید انزوای رژیم و افزایش میزان باج خواهی‌های خارجی، ناتوانی دولت مافیاهای در اداره اقتصاد کشور بازم نمایان تر و وضعیت اقتصادی همچنان وخامت بارتر می‌شود.

مافیاهای نظامی - مالی در کار ویران کردن کامل محور تولید و کامل کردن وابستگی مردم ایران:

* واردات، ۲۸ میلیون دلار بیش از صادرات نفت و گاز و افت ۴۵ درصدی درآمد نفت و گاز دولت در سال جاری:

«خبر آن لاین در ۵ آذر ۸۸ گزارش کرده است: دولت نهم در سه ماهه اول سال جاری ۲۸ میلیون دلار هم روی درآمد نفت و گاز خود گذاشت تا بودجه واردات ۱۳ میلیارد و ۸۶۳ میلیون دلاری کشور را تامین کند. بر اساس تازه ترین گزارش بانک مرکزی در خصوص عملکرد اقتصاد ایران در سه ماهه نخست سال جاری



به گفته مهدی تقوی، استاد اقتصاد دانشگاه علامه طباطبائی، زمانی که از کاهش بودجه عمرانی صحبت می‌شود در واقع باید آنرا با کاهش آهنگ رشد اقتصادی کشور مترادف بدانیم زیرا بودجه عمرانی زیر ساخت‌های تولید را فراهم می‌سازد و کاهش آن به غیر از آنکه رشد اقتصادی را کاهش می‌دهد آثار توری ناشی از کاهش عرضه را نیز در سطح کلان اقتصاد به دنبال دارد.

*** گسترش فقر در ایران: ۷۰ درصد خانوارهای ایرانی زیر ۴۵۰ هزار تومان درآمد دارند:**

◀ به گزارش خراسان، ۳۰ آبان ۸۸، رئیس مرکز آمار ایران با اشاره به درآمد و جمعیت هر یک از خوشه‌های درآمدی که در طرح جمع‌آوری اطلاعات اقتصادی خانوار مشخص شده است، گفت: حدود ۷۰ درصد از خانوارهای ایرانی زیر ۴۵۰ هزار تومان درآمد دارند و حداکثر خطای اطلاعات به دست آمده ۳۰ درصد است که با توجه به اقدامات بعدی این مرکز اشکالات موجود نیز در حال برطرف شدن است.

جمعیت خوشه اول که در برگیرنده ۴ دهک پایین درآمدی است، ۲۹ میلیون نفر و خوشه دوم یعنی سه دهک بعدی معادل ۲۰ میلیون نفر است. وی افزود: اگر جمعیت ایران را حدود ۷۰ میلیون نفر در نظر بگیریم حدود ۲۱ میلیون نفر در خوشه سوم قرار می‌گیرند. رئیس مرکز آمار در خصوص درآمد هر یک از خوشه‌ها، گفت: میانگین درآمدی خانوارهای خوشه اول کمتر از ۳۵۰ هزار تومان، خوشه دوم از ۳۵۰ تا ۴۵۰ هزار تومان و میانگین درآمدی خوشه سوم بیشتر از ۴۵۰ هزار تومان است.

انقلاب اسلامی: هرگاه منظور رئیس مرکز آمار، درآمد خانوار در ماه باشد، درآمد ۷۰ درصد خانوارها از یک سوم تا نصف هزینه یک خانوار، هرگاه بخواهد زندگی، در حداقل برخورداری از تغذیه و مسکن و پوشاک و تعلیم و تربیت و بهداشت درخور داشته باشد، کمتر است.

*** هدف از تصویب و اجرای «هدفمند کردن یارانه‌ها»**

پوشاندن کسر بودجه است و به عکس هدفمندی را بیار می‌آورد که رژیم مدعی رسیدن به آنها است:

◀ در ۹ آذر ۸۸، به گزارش ایلنا، فرهاد مؤمنی، استاد اقتصاد، هدف از تصویب و اجرای طرح هدفمند کردن یارانه‌ها، هشدار داده است که سبب تورم شدید و... می‌شود:

• همه می‌دانند که مسأله حذف سوبسیدها یا عنوان بسیار محترمانه‌ترش یعنی هدفمند کردن یارانه‌ها یکی از اجزای برنامه تعدیل ساختاری است و شدت خطری بودن این برنامه و به ویژه این جزو خاص سیاستی در برنامه تعدیل ساختاری، به گونه‌ای است که بعد از چند تجربه که با فاجعه‌های خیلی بزرگ انسانی در کشورهای در حال توسعه رو به رو شد، حتی خود بانک جهانی هم در توصیه به حذف سوبسیدها، از نیمه دوم دهه ۱۹۸۰، صریح احتیاط را خیلی بالاتر برد.

جنگ و بحران اقتصادی؟

باقی می‌ماند و آن هم این است که آیا این روندهای پرشکاف مصرف حامل‌های انرژی واقعیت دارد یا ندارد؟ نگران کننده هست یا نیست؟ پاسخ به این سوال‌های محتمل هم این است که، آری. این صحت دارد که ما هم از نظر شدت انرژی یک وضعیت نامطلوب و نگران کننده داریم و هم از نظر رشد روند پرشتاب مصرف حامل‌های انرژی روندهای نگران کننده‌ای را شاهد هستیم، ولی بحث بر سر این است که به قاعده مبانی نظری مشخص و به قاعده تجربیات تاریخی مشخص، راه‌حل بنیادی مشکلاتی که ما در آن زمینه‌ها داریم، به هیچ وجه دست‌کاری قیمتی در ابتدای کار، نیست. دست‌کاری قیمتی در این زمینه‌ها زمانی نمربخش است که ما ابتدا زیرساخت‌ها و بسترها را فراهم کرده باشیم و الگوی به غایت ناکارآمد تولید حامل‌های انرژی‌مان را به سامان کرده باشیم و تا زمانی که این دو تا اتفاق نیفتاده، هر نوع تمایل و تلاش برای وارد کردن شوک‌های قیمتی، بدون تردید به ضد آن اهداف اعلام شده منجر خواهد شد. یعنی برای کشور دست‌آوردی نخواهد داشت. اما کشور را در معرض هزینه‌های سنگینی قرار خواهد داد.

• رکورد نرخ تورم سال ۱۳۷۴ خواهد شکست: در ابتدای دهه ۱۳۷۰ و شباهت آن با کاری که در حال حاضر قرار به انجام آن است، باید گفت: این بار برآوردهای خوش‌بینانه‌ای که حتی در درون دستگاه‌های رسمی اقتصادی وجود دارد، نشان‌دهنده این هست که بدون تردید رکورد نرخ تورم سال ۱۳۷۴، این بار شکسته خواهد شد.

*** فقر کشاورزی بمعنای وابستگی در تغذیه به خارج از کشور، حیات ملی را به خطر افکنده است:**

◀ در ۳ آذر ۸۸، تانک گزارش کرده است: چندی است که بازار محصولات کشاورزی، شاهد حرکت خزننده واردات محصولات کشاورزی و فرآورده‌های دامی است و به نظر می‌رسد، وارد کنندگان این محصولات، فارغ از اصل حفظ منافع ملی در حال ریشه کن کردن محور استقلال کشور، یعنی کشاورزی هستند. به گزارش خبرنگار «تانک»، هم اکنون در بازار تهران، انواع مرکبات مصری، موز و نارگیل اکوادور و فیلیپین، سیب زمینی پاکستانی، انگور شیلی و انواع برنج پاکستانی و هندی وجود دارد و با قیمت‌هایی ارزاتر از تولیدات داخلی عرضه می‌شوند.

بنا بر این گزارش، در مشهد گلایی و سیر جیبی، پرتقال و انار مصری، کدوی پاکستانی، انبه و نارگیل هندی، حبوبات آمریکایی و برنج تایلندی و اروگوئه و ویتنام، گردوی لبنانی و سوریه و جو قزاقستان بازار را پر کرده است.

در بازار اهواز خرماهای عراقی و برخی محصولات تولید امارات و در بازار شمال، مرکبات تایلندی و اندونزی به وفور دیده می‌شود. در ارومیه محصولات فرآوری شده انگور و مرکبات وارداتی از ترکیه و

آذربایجان به راحتی در بازار به فروش می‌رسد و میادین تره‌بار و فرآورده‌های خام دامی کشور، سرشار از انواع گوشت وارداتی از برزیل و تایلند و فرانسه است.

این گزارش می‌افزاید: اگر این اقلام را در کنار شکر وارداتی، ماهی خارجی، زعفران اسپانیایی و ده‌ها قلم کشاورزی وارداتی دیگر بگذاریم، به خوبی درمی‌یابیم که کشاورزی کشور اگر نمرده باشد، حتما محض است و چاره‌ای باید کرد.

نکته مهم این که کمتر از ده سال است، جشن خودکفایی گندم را با سر و صدا برگزار کردیم، حدود بیست سال است که ادعای خودکفایی در محصولات دامی را داریم و سال‌هاست، ادعای دو برابری مصرف میوه در مقیاس جهانی را یدک می‌کشیم، ادعای بی‌نیازی به حبوبات وارداتی نیز همواره سر داده‌ایم؛ اما به نظر می‌رسد جریان یا جریان‌هایی در کشور شکل گرفته که می‌خواهد آخرین تیرها را بر تنه کشاورزی کشور وارد کرده و حیثیت کشاورزی و توان کارشناسی کشور را به یکباره نابودی بکشد و دست ایرانی‌ها را که هزاران سال است در سفره خود بوده، محتاج بیگانگان کند و پس از آن ...!

*** «هدفمند کردن یارانه‌ها» رانت خواران را بر دولت مسلط می‌کند:**

◀ در ۲ آذر ۸۸، به گزارش حیات نو، علیرضا محبوب گفته است: معمولا کسانی بانی چنین طرح‌هایی هستند که طرفداران سیاست‌های بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول هستند بنابراین خیلی زود سیاستمداران را اغوا می‌کنند. اینها به دست نامرئی در بازار توجهی ندارند. تحلیل‌شان این است که بازار خیلی زود طی پنج سال نقطه سر به سر خود را پیدا می‌کند. حال در این پنج سال، که بماند که برود؟ چقدر تولید ملی ایران آسیب ببیند؟ چقدر کارخانه و صایعی که با هزار سختی به پا شده‌اند از بین بروند؟ چقدر کارگر بیکار شود؟ چقدر خانواده دچار معضلات اجتماعی شود؟ ... را محاسبه نمی‌کنند. تازه این یک طرف ماجراست.

از طرف دیگر هزینه‌ها به تصاعد هندسی و درآمدها به تصاعد حسابی عمل خواهند کرد یعنی اگر درآمد دولت به ترتیب ۱، ۲، ۳ و ۴ شود، هزینه‌ها به ۱۶ رسیده است بنابراین دولت در این پلکان هرگز نخواهد توانست چنین رویه‌ای را در سال‌های سوم و چهارم ادامه دهد و ناگزیر به توقف اجرا می‌شود.

با این شرایط پیش‌بینی بسیار سختی برای زندگی مردم، معیشت مردم و حتی خود دولت داریم؛ دولتی که تصور می‌کند این طرح می‌تواند گشایشی برای برنامه‌هایش باشد روزهای سختی را پیش رو دارد.

هدفمند کردن یارانه‌ها عامل گسترش فساد است: اجرای چنین طرحی فساد را به اوج خواهد رساند. این طرح چرخه عظیمی از فساد اداری را به دنبال دارد. اگر تا الان دولت دو ریال میان مردم تقسیم می‌کرد آن هم به‌طور غیرملموس و این قدر از وجود فساد و سوءاستفاده

ثروتمندان می‌نالد از این به بعد باید منتظر رانت‌خواری علنی ثروتمندان باشد. دولت به‌طور علنی این امکان را فراهم می‌آورد که برخی افراد به مدد چسبیدن به یک صندلی از هیچ به همه چیز برسند. بنابراین اگر رانت‌خواری تا الان غیبی و پنهان بوده است از این به بعد رانت‌خواری علنی و نمایان خواهد شد... دایره فساد چنین لویاچی آن‌چنان گسترده است که رانت‌خواران را به شدت بر دستگاه اداری کشور مسلط می‌کند و در واقع دستگاه اداری کشور را به آنها خواهد سپرد. به تعبیری جامع اگر می‌گویند اقتصاد کشور رانتهی است، رانتییر خواهد شد.

دانشجویان، قربانیان اول تجاوزهای رژیم به حقوق انسانند:

◀ در ۲۶ آبان ۸۸، مجتبی بیات فعال سابق جنبش دانشجویی با حکم قطعی شعبه ۲۵ دادگاه انقلاب به دو سال حبس تعزیری و پرداخت ۳۰۰ هزار تومان جزای نقدی محکوم شد. در حکم صادره، حبس تعزیری به دو میلیون تومان جزای نقدی تبدیل شده است. این فعال سابق انجمن‌های اسلامی و عضو پیشین شورای مرکزی دفتر تحکیم وحدت پیش از این در تابستان ۱۳۸۶ به همراه شماری دیگر از فعالین دانشجویی به مدت یک ماه در بازداشت به سر می‌برده است.

◀ در ۲۶ آبان ۸۸، اطلاع رسیده که مهدی داوودیان از فعالین دانشجویی دانشگاه مازندران در بازداشت است. او در ۱۲ آبان نیروهای امنیتی با یورش به خانه اش، دستگیر شده است.

◀ در ۲۶ آبان ۸۸، به گزارش فعالین حقوق بشر و دمکراسی در ایران: ۲ دانشجوی زندانی علی پرویز و سهیل محمدی از دانشجویان خواجه نصیرالدین طوسی در شرایط مبهمی در سلولهای انفرادی بند ۲۰۹ زندان اوین بسر می‌برند.

◀ در ۲۶ آبان ۸۸، کوهزاد اسماعیلی، دبیر سازمان ادوار تحکیم وحدت شعبه گیلان پس از آنکه در ۲۵ آبان، با قرار وثیقه ۲۰ میلیون تومانی از زندان آزاد شده بود، در ۲۶ آبان، پس از مراجعه به شعبه بازپرسی دستگیر شد.

◀ در ۲۶ آبان ۸۸، به دنبال اعتراضات گسترده دانشجویان دانشگاه بین‌المللی قزوین به سخنرانی رسایی، دانشجویان معترض سالن را ترک کردند و با تجمع در مقابل دانشکده ی فنی تحصن خویش را با شعار " دولت کودتا، استعفا استعفا " آغاز کردند. آنها با بالا بردن عکس‌هایی از " یاشار دارالشفاء " دانشجوی سابق این دانشگاه و دبیر اسبق تشکل اصلاح طلب دانشگاه بین‌المللی قزوین خواستار آزادی فوری و بی‌قید و شرط وی شدند.

◀ در ۲۷ آبان ۸۸، به گزارش خبرگزاری فارس: داوود صادقی دادستان عمومی و انقلاب شهرستان اهواز گفته است: در راستای اجرای عدالت و برخورد قاطع با فرورندگان مواد مخدر و اخلاک‌گران نظم و آسایش عمومی، اجرای حکم محکومان قطعی محاکم اعم از کیفری و دادگاه انقلاب



جنگ و بحران اقتصادی؟

در برنامه کاری این دادسرا قرار گرفته است که در هشت ماهه سال جاری در بحث توزیع کنندگان مواد مخدر با توجه به نوع مواد، ۱۳ نفر محکوم به اعدام شدند و حکم صادره در مورد آنها اجرا شد.

◀ در ۲۷ آبان ۸۸، علی بهزادیان نژاد به دلیل اظهار نظر ها که بازدید کنندگان ویلاک او می نوشته اند، به ۶ سال زندان محکوم شد!

◀ در ۲۷ آبان ۸۸، به گزارش ایلنا: کامبیز نوروزی به دو سال حبس تعزیری و ۷۶ ضربه شلاق تعزیری از سوی شعبه ۲۶ دادگاه انقلاب محکوم شد. اتهامات او تبلیغ علیه نظام از طریق شرکت در راه پیمایی روز ۲۵ خردادماه، اجتماع و تبانی جهت اقدام علیه امنیت ملی و اخلال در نظم عمومی بوده اند.

◀ در ۲۷ آبان ۸۸، به گزارش خبرنگار امیرکبیر، پس از برگزاری تجمع اعتراضی دانشجویان دانشگاه کرمان در روز ۱۳ آبان، نزدیک به ۲۰ دانشجوی به کمیته انضباطی احضار شده و به اتهاماتی نظیر "ایجاد بلوا و آشوب در محیط دانشگاه" "عدم رعایت شئون دانشجویی" و "بر هم زدن نظم دانشگاه" و "اقدام علیه نظام" متهم شده اند.

◀ در ۲۸ آذر ۸۸، بنا بر خبر دریافتی از دانشگاه شیراز، دو دانشجوی دیگر این دانشگاه به نام های ندا اسکندری و خدیجه قهرمانی بازداشت شده اند و دادگاه ۲۰ دانشجوی بازداشت شده این دانشگاه که از روز ۱۳ آبان در بازداشتگاه واواک شیراز و بازداشتگاه های مخوف اطلاعات سپاه این شهر زندانی میباشند، برای بار دوم برگزار نشد و باز هم به تعویق افتاد.

◀ در ۲۸ آبان ۸۸، به گزارش خبرگزاری هرانا: دو تن از فعالین دانشجویی دانشگاه آزد تبریز به نام های رسول عالی نژاد و بهروز فریدی توسط نیروهای امنیتی بازداشت شده اند.

◀ در ۲۸ آبان ۸۸، به گزارش خبرنگار امیرکبیر، ماموران واواک، در ساعت ۷ صبح، با مراجعه به منزل عباس حکیم زاده وی را بازداشت کرده و وسایل شخصی وی از جمله کامپیوترش را ضبط کردند. عباس حکیم زاده به همراه ۷ دانشجوی دیگر پلی تکنیک در بهمن و اسفندماه سال گذشته بازداشت و برای ماهها تحت شکنجه بازجویان برای اعتراف های ساخته شده قرار گرفته بود.

◀ در ۲۹ آبان ماه ۱۳۸۸، کمیته سوم مجمع عمومی سازمان ملل متحد، قطعنامه ای را به تصویب رساند که در آن، رژیم حاکم بر ایران، بخاطر نقض حقوق بشر محکوم شده است. تصویب این قطعنامه در کمیته سوم، با ۷۴ رای مثبت در قبال ۴۸ رای مخالف، راه تصویب آن را در مجمع عمومی سازمان ملل متحد در ماه دسامبر باز کرد.

ارون رودز، سخنگوی کمپین بین المللی حقوق بشر در ایران، در باره اهمیت محکوم شدن رژیم ایران، بخاطر نقض حقوق بشر در کمیته سوم مجمع عمومی سازمان ملل متحد، گفته است: «این رای گیری سر نوشت ساز به این معناست که در شرایطی که جمهوری اسلامی ایران مشغول انجام مذاکرات در باره برنامه پیشرفت انرژی هسته ای است، نیاید هدف منحرف کردن جامعه بین المللی از همراه شدن با مردم ایران در مبارزاتشان برای حقوق بشر تحقق پیدا کند و این رای نشان می دهد که این هدف متحقق نشده و به این ترتیب جامعه

بین الملل از جمهوری اسلامی ایران می خواهد که تعهدات خودش را رعایت کند.»

◀ در ۲۹ آبان ۸۸، شمار کسانی که ظرف ۱۰ روز منتهی به ۲۹ آبان اعدام شده اند، ۱۶ نفر شد. اعدام شدگان، به ارتکاب جرائم متهم و محکوم شده و در شهرهای کرمان، اصفهان، همدان، قائم شهر، بجنورد، اهواز و سنجند اعدام شده اند.

◀ در ۲۹ آبان ۸۸، به گزارش مهر: پرویز سروری رئیس کمیته ویژه بررسی وضعیت بازداشت شدگان حوادث بعد از انتخابات با اشاره به دیدار خود با رئیس سازمان قضایی نیروهای مسلح شاکیان بازداشتگاه کهریزک را بیش از ۱۰۰ نفر اعلام کرده و گفته است: دادگاه متهمان کهریزک زودتر از متهمان کوی دانشگاه برگزار می شود.

سروری تعداد متهمان کهریزک را ۸ نفر عنوان کرد و گفت: آزاد شدن یا نشدن آنان را قاضی تشخیص می دهد اما آنچه مسلم است در رابطه با کهریزک ۸ نفر متهم وجود دارد که برای آنان روند قضایی در حال طی شدن است. قرائت گزارش در جلسه علنی یا غیرعلنی با صلاح دید هیئت رئیسه مجلس انجام می شود.

◀ در ۲۹ آبان ۸۸، به گزارش شبکه جنبش راه سبز: در چند روز گذشته ۲۲ تن از دانشجویان فعال دانشکده مهندسی و ۲ تن از دانشجویان دانشکده علوم اداری و اقتصاد دانشگاه فردوسی مشهد به کمیته انضباطی این دانشگاه احضار شده اند.

بهبانه احضار تجمع اعتراضی صورت گرفته در ۱۳ آبان دانشگاه فردوسی است. اما دانشجویان و شاهدان عینی معتقدند که این تجمع به صورت کاملاً خودجوش صورت گرفته و فرد یا افراد خاصی در طرح ریزی آن نقشی بر عهده نداشته اند.

◀ در ۳۰ آبان ۸۸، به گزارش کمیته گزارشگران حقوق بشر، بر اساس رای صادره توسط قاضی محمد مقبسه ای، رئیس شعبه ی بیست و هشت دادگاه انقلاب اسلامی تهران، سعید حبیبی، دبیر تشکیلات سابق دفتر تحکیم وحدت و عضو کمیته گزارشگران حقوق بشر، به سه سال حبس تعزیری با احتساب ایام بازداشت محکوم شده است.

◀ در ۳۰ آبان ۸۸، به گزارش خبرنگار امیرکبیر، با بازداشت تعداد زیادی از دانشجویان دانشگاه شیراز توسط اداره ی اطلاعات این شهر و نیروهای امنیتی و نیز احضار ده ها دانشجو توسط کمیته انضباطی و صدها دانشجو توسط حراست و تهدید دانشجویان توسط این نهاد، دانشجویان نیز با پخش شبانه ها و بیانیه ها و نیز اعتصاب غذا به شرایط امنیتی این دانشگاه و افزایش فشارها اعتراض کردند.

در تازه ترین و جالب ترین اقدام، نشریه ای بدون مجوز به نام "شبانه اعتراض" در سطح گسترده ای در میان دانشجویان پخش شده است. این نشریه با تیتراژ "ما بشماریم..." در ۸ صفحه و به همراه مقالات و نیز اخبار شیراز و ایران منتشر شده است.

◀ در ۳۰ آبان ۸۸، مادران عزادار همچون هفته های گذشته در پارک لاله با وجود حضور نیروهای انتظامی و لباس شخصی تجمع اعتراضی خود را شکل دادند.

◀ در ۳۰ آبان ۸۸، به گزارش کمیته گزارشگران حقوق بشر، علی زمانی که در جلسه دوم دادگاه های علنی، بدون حضور وکیل مدافع انتخابی مورد محاکمه قرار گرفته بود، توسط قاضی صلواتی رئیس شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب تهران به اعدام محکوم و با اعتراض وی، حکم مزبور به دادگاه تجدیدنظر ارسال شد.

◀ در ۳۰ آبان ۸۸، زندانی سیاسی حسین اعزامی ۲۱ ساله و تنها نان آور خانواده و از اقشار ضعیف جامعه، هفته گذشته به ۲ سال زندان محکوم شده است. قاضی صلواتی رئیس دادگاه فرمایشی ولی فقیه، حکم را صادر کرده است.

◀ در ۳۰ آبان ۸۸، محمدرضا علی زمانی فرزند اسماعیل ۳۷ ساله اهل و ساکن اسلام شهر، به اتهام ۱- محاربه از طریق عضویت و فعالیت مؤثر در راستای پیشبرد اهداف گروهک تروریستی انجمن پادشاهی ایران و ۲- توهین به مقدسات و ۳- فعالیت تبلیغی علیه نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران و ۴- تبانی و اجتماع با هدف اقدام علیه امنیت داخلی کشور و ۵- خروج غیرقانونی از کشور محکوم به اعدام شده است.

◀ در ۳۰ آبان ۸۸، به گزارش خبرنگار امیرکبیر، حمید قهوه چیان، علیرضا موسوی، احمد میرطاهری، علیرضا زرگر، امیر کاظم پور و یاسر معصومی دانشجویان دانشگاه علامه طباطبایی در عصر روز پنج شنبه بازداشت شدند. این دانشجویان در یک کافی شاپ در تهران بازداشت شدند و مشخص نیست به چه محلی منتقل شده اند.

◀ در ۱ آذر ۸۸، دانشجویان دانشگاه صنعتی شاهرود، در اعتراض به مشکلات صنفی دانشگاه دست به تحصن زدند. جمعیت آن ها به حدود هزار نفر می رسید در ابتدای تحصن دست به اعتصاب غذا زدند و ظرف های غذای خود را در یک صف چند صد متری از روبروی سلف سرویس تا سردر دانشگاه چیدند.

◀ در ۱ آذر ۸۸، به گزارش مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران، ساسان آقایی روزنامه نگار و ویلاک نویسی که در طول ماه های گذشته بارها از طرف ماموران امنیتی تهدید و احضار شده بود، بازداشت شد. ماموران اطلاعات پس از تفتیش خانه وسائل شخصی و کیس کامپیوتر وی را نیز همراه خود بردند. وی از هم کاران روزنامه های «اعتماد»، «اعتماد ملی»، «نوسعه»، «مردم سالاری» و «فرهیختگان» بود.

◀ در ۱ آذر ۸۸، شعبه ی ۱۰۱ دادگاه عمومی بابلسر ۸ نفر از دانشجویان دانشگاه مازندران را به اتهام اخلال در نظم دانشگاه، در مجموع به ۴۸ ماه حبس تعزیری و هر کدام از آنها را به ۱۵ ضربه شلاق محکوم کرد.

میلاذ حسینی کشتان، علی نظری، سیاوش صفوی، علی دنیاری، مازیار یزدانی نیا، شوانه مریخی، علی عباسی، و رحمان یعقوبی دانشجویان دانشگاه مازندران که به اتهام اخلال در نظم دانشگاه بوسیله ی تجمع در دانشگاه در تاریخ ۲۶ خرداد، در خرداد و تیر ماه گذشته در بازداشت بودند، هر کدام به شش ماه حبس تعزیری و ۱۵ ضربه شلاق محکوم شدند. این دادگاه به ریاست قاضی رضایا رئیس این شعبه برگزار شد.

◀ در ۱ آذر ۸۸، به گزارش بامدادخبر: نزدیک به چهارصد نفر از

دانشجویان دانشکده ی برق و کامپیوتر دانشگاه تهران واقع در امیرآباد، در اعتراض به بازداشت هم کلاسی شان، مهرداد بزرگ دست به تجمع سکوت زده اند.

◀ در ۲ آذر ۸۸، به گزارش خبرنگار امیرکبیر، آرش خاندل و مراد باصره از فعالین دانشجویی دانشگاه ایلام و برخی از اعضای انجمن اسلامی دانشگاه ایلام امروز بازداشت شدند. موج گسترده بازداشت دانشجویان به دلیل هراس حاکمیت بی ثبات از اعتراضات دانشجویی صورت می گیرد. تنها در پنج شنبه گذشته ۲۸ آبان ماه، ۱۸ دانشجو در نقاط مختلف ایران بازداشت شدند.

عباس حکیم زاده دبیر سیاسی دفتر تحکیم وحدت، مهرداد بزرگ، سورنا هاشمی، علیرضا موسوی، فرزانه رفیعی، احسان دولتشاه، سینا شکوهی و البرز زاهدی از دانشجویان لیبرال، حمید قهوه چیان، احمد میرطاهری، علیرضا زرگر، امیر کاظم پور و یاسر معصومی از دانشجویان دانشگاه علامه طباطبایی و رسول عالی نژاد و بهروز فریدی دانشجویان دانشگاه آزاد تبریز بازداشت شدند.

◀ در ۲ آذر ۸۸، کارگران واحد نساجی مازندران پیش از ظهر امروز به دلیل عدم دریافت حقوق اقدام به برگزاری تجمع در مقابل این شرکت کردند.

◀ در ۲ آذر ۸۸، مهنوش اعتمادی از فعالان حقوق زنان و عضو کمیته یک میلیون امضاء در اصفهان، در منزل خویش بازداشت شد. بنا بر گفته ی وکیل مهنوش: «متأسفانه این بازداشت غیرقانونی وی بدون ارسال احضاریه بنا به دستور دادستان اصفهان صورت گرفته است.

◀ در ۲ آذر ۸۸، در پی برگزاری تجمع اعتراضی روز یکشنبه، نسبت به بازداشت علی پرویز و سهیل محمدی در دانشکده عمران دانشگاه خواجه نصیر، نیروهای لباس شخصی و اعضای بسیج دانشگاه به دانشجویان معترض حمله ور شده و فضای دانشگاه را به تشنج کشاندند.

◀ در ۳ آذر ۸۸، عاطفه نبوی، فعال دانشجویی که در جریان اعتراضات پس از انتخابات ریاست جمهوری در شامگاه ۲۵ خردادماه بازداشت شده بود، از سوی شعبه ۱۲ دادگاه انقلاب به ریاست قاضی قمی به تحمل ۴ سال حبس تعزیری محکوم شد.

◀ در ۳ آذر ۸۸، به گزارش رویداد: نزدیک به ۱۰۰ دانشجوی دانشگاه آزاد اهواز به کمیته انضباطی این دانشگاه احضار شدند. به نظر می رسد ترس از اعتراضات دانشجویی گسترده در روز ۱۶ آذر دلیل اصلی تشدید برخورد با دانشجویان می باشد.

◀ در ۳ آذر ۸۸، به گزارش خبرنگار امیرکبیر، اخیراً حراست دانشگاه علوم پزشکی شیراز در اقدامی غیرقانونی و غیر اخلاقی با خانواده تعدادی از دانشجویان تماس گرفته و ادعا کرده که در صورت شرکت کردن فرزندان در تجمعات دانشجویی برای آن ها پرونده انضباطی تشکیل خواهد شد.

◀ در ۳ آذر ۸۸، به گزارش خبرنگار امیرکبیر، در روز جمعه ۲۹ آبان پیمان صادقی عضو مرکزی شورای صنفی واحد ماه شهر پلی تکنیک، در مقابل درب دانشگاه بدست افرادی ناشناس با چهره ای پوشیده مورد ضرب و شتم قرار گرفته و به بیمارستان انتقال یافت. علیرغم پیگیری های گسترده دانشجویان، مسئولین در کمال تعجب از پاسخگویی صریح و کمک برای شناسایی ضاربان سر باز می زنند. اعتراضات دانشجویی در این واحد

همچنان ادامه دارد و دانشجویان تاکید کرده اند که تا احقاق کامل حقوق خود به اعتراض ادامه خواهند داد.

◀ در ۴ آذر ۸۸، به گزارش فعالین حقوق بشر ودمکراسی در ایران: نزدیک به ۳ ماه از دستگیری زندانی سیاسی محسن دکمه چی از بازاریان شناخته شده تهران می گذرد ولی از وضعیت این زندانی سیاسی خبری در دست نیست. او همچنان در سلولهای انفرادی بند مخوف ۲۰۹ تحت شکنجه های جسمی و روحی بازجویان پرونده ساز واواک قرار دارد.

◀ در ۴ آذر ۸۸، کمپین بین المللی حقوق بشر در ایران روز سه شنبه در بیانیه ای از بازداشت چندین دانشجویی در ایران توسط نیروهای امنیتی جمهوری اسلامی در تلاش برای ممانعت از اعتراضات بیشتر در روز ۱۶ آذرماه، روز دانشجو، خبر داد.

◀ در ۴ آذر ۸۸، کارگران کارخانه گوشت زیاران در اعتراض به آنچه عدم پرداخت حقوق هشت ماه گذشته می خواندند، امروز جلوی سازمان خصوصی سازی تجمع کردند.

◀ در ۴ آذر ۸۸، به گزارش موج سبز آزادی به نقل از فعالان دانشجویی، در حالی که سه نفر از دانشجویان دانشگاه بین المللی امام خمینی قزوین به نام های فرهاد فتحی، پیام حیدر قزوینی و سعید سکاکیان از صبح روز دوم آذر ماه دستگیر شده و همچنان در بند هستند، تحصن دانشجویان این دانشگاه در اعتراض به این حرکت از ظهر همان روز شکل گرفته و هنوز ادامه دارد.

◀ در ۵ آذر ۸۸، به گزارش خبرگزاری دیده بان حقوق بشر کردستان، حکم ۱۵ ماه حبس تعزیری برای عباس جلیلیان در فروردین ماه امسال از سوی دادگاه انقلاب کرمانشاه صادر شد. این حکم هفته ی گذشته در دادگاه تجدید نظر استان نیز مورد تایید قرار گرفت. اتهام این نویسنده و پژوهشگر کرد "شناسایی و جذب جاسوس و معرفی آن به کشور بیگانه" عنوان شده است.

◀ در ۵ آذر ۸۸، به گزارش خبر آنلاین: یک عضو مجمع روحانیون مبارز در گفت و گو با «خبر» از صدور احکام زندان چند ساله برای اکثر فعالان سیاسی بازداشت شده پس از انتخابات خبر داد. مقامات دادگستری استان تهران از صدور حکم دادگاه بدوی برای بیش از ۸۰ نفر از سران احزاب معترض خبر داده اند. به گفته این عضو مجمع روحانیون، احکام زندان صادر شده برای برخی از سران اعتراض، به شرح زیر است:

هدایت الله آقایی: ۵ سال حبس قطعی و بهزاد نبوی: ۶ سال حبس تعزیری و احمد زیدآبادی: ۶ سال حبس تعزیری، ۵ سال تبعید به گناباد، محرومیت دائمی از فعالیت سیاسی و اجتماعی و محمدعلی ابطحی: ۶ سال حبس

تعزیری و سعید حجازیان: ۵ سال حبس تعلیقی و محمد عطریانفر: ۶ سال حبس تعزیری و علی تاجرنیا: ۶ سال حبس تعزیری، ۷۴ ضربه شلاق و سعید شریعتی: ۷ سال حبس تعزیری و عبدالله مومنی: ۸ سال حبس تعزیری و شهاب طباطبایی: ۵ سال حبس تعزیری و کامبیز نوروزی: ۲ سال حبس تعزیری و ۷۶ ضربه شلاق و مسعود باستانی: ۶ سال حبس تعزیری و کیان تاجبخش: ۱۵ سال حبس تعزیری و حسین رسام: ۴ سال حبس تعزیری و عاطفه نبوی: ۴ سال حبس تعزیری و حسام سلامت: ۴ سال حبس تعزیری و



چارچوب نظام نه تاکتیک است نه استراتژی

در این جنبش عده ای شعار یا حسین میر حسین را سر می دهند و برخی هم از کروی حمایت می کنند و برخی دیگر شعار مرگ بر اصل ولایت فقیه را سر می دهند. وجود چندین شعار در کنار همدیگر بمعنای رواداری و کثرتگرایی است و حقیقتاً رشد جنبش در حضور تنوع عقاید و اندیشه ها شکل می گیرد و چرا باید عده ای به دیگران تحمیل کنند چه بگویند و چه نگویند و چه بخورند و چه بنوشند و چگونه ببینند. عدم تحمل آراء و عقاید متنوع نفی آزادی بیان اندیشه را می رساند و این معنایی بجزء استبداد فکری و عملی نمی تواند داشته باشد.

یکی از جمهوری اسلامی خواهان اخیراً در مقاله ای می گوید " اگر بسیاری از مخالفان نظام که انتخابات را تحریم کردند در این جنبش شرکت دارند و بقولی با پای خود رای میدهند، این رای باز به موسوی و کروی است و در این جنبش باید شعارها را با برنامه های ایندو هماهنگ کنند." در واقع این شخص در لفافه بدیگرانی که شانس ندارند مثل ایشان هم سکولار باشند و هم از حکومت دینی حمایت نمایند می گوید تو مخالف جمهوری اسلامی که حتی در انتخابات شرکت نکرده ای حرف زن و اگر حرفی داری باید در چارچوب خواسته های آقای موسوی و کروی باشد که محدوده نظام را قبول دارند. و بعد می افزایند " جنبش سبز با همین شعارهای حداقل هم هنوز نتوانسته است در سراسر کشور گسترش یابد و شاید طرح شعارهای حداقلی دیگری برای جذب لایه های مزدبگیر جامعه ضروری باشد ولی شعارهای تند فقط سرکوب را شدیدتر و دامنه مشارکت را محدود تر می کند."

ایشان که چشمپاشان را بسته و دهانشان را باز کرده اند متوجه نیستند که شدت و حدت دامنه سرکوب نظام ولایت فقیه سی سال است که ادامه دارد. آقای بروند آبراهامیان در صفحه ۱۲۴-۱۲۵ کتاب خود بنام "اعترافات تحت شکنجه" می نویسد « در ماههای پس از انقلاب ۱۳۵۷، جمهوری اسلامی ۷۵۷ ایرانی را بجرم " فساد فی الارض" اعدام کرد». مگر بین سالهای ۱۳۶۰ تا ۱۳۶۴ جنبشی مردمی وجود داشته است که رژیم جمهوری اسلامی برهبری خمینی هزاران تن از مخالفان خود را اعدام کرد که فقط ۲۰۰ نفر از آنان بین سال ۱۳۶۰ تا ۱۳۶۲ اعدام شدند که امروز ریز اسامیشان در برخی از سایتها از جمله انقلاب اسلامی موجود است. مگر در تابستان سال ۶۷ که بفرمان شخص خمینی قریب ۵۰۰ نفر را در زندانهای ایران قتل عام کردند مردم در خیابانها علیه خمینی شعار می دادند و عکس او را لگد مال کرده بودند و معترضین در پشت بامها الله اکبر می گفتند.

مگر در ۱۸ تیر سال ۱۳۷۸ که نیمه شب دانشجویان بی گناه تهران را در خاک و خون غلتانند جنبشی بر علیه تقلب انتخاباتی صورت گرفته بود و سه میلیون معترض با شعار "رای من کو" به خیابان سرازیر شده بودند. آیا زمانی که زهرا کاظمی ها و زهرا بنی یعقوب ها و امیر رضا صیافی ها و دیگر هموطنان ما را در زندان به شهادت رساندند مردم در خیابانها می گفتند خامنه ای قاتله / ولایت اش باطله. اکنون در آذر ماه هستیم و یاد شهدای قتلهای زنجیره ای را گرامی می داریم، سؤال اینست آیا زمانیکه این قتلهای شیخ روی داد مردم ایران میلیونی به خیابانها آمده بودند و بر علیه احمدی نژاد و حامیانش شعار می

دادند؟ این نوع کشتار و قتل ها سی سال است صورت می گیرد و درد و مشقتها زیادند و آه و ناله خانواده ها ئی که جگر گوشگان خود را از دست داده اند ادامه دارد. حال که مردم بر خاسته اند تا بند های بردگی و بندگی را پاره کنند و حق خود را از ستمکاران بگیرند شما به آنان می گوئید اگر شعار تند بدهید سرکوب میشود!! این مردم سی سال است بعنوان مختلف سرکوب و کشته میشوند.

باید اذعان داشت آدم خوری و آدم کنی با نطفه نظام ولایت فقیه بسته شده است و اگر امروز حکومتگران جنبش مردم را سرکوب می کنند و با دستگیرشدگان در زندان بدترین و غیر انسانی ترین رفتار را انجام می دهند بخاطر طرح شعار تند یا کند از طرف تظاهرکنندگان نیست بلکه سرکوب، شکنجه و اعدام تنها وسیله حفظ نظام جمهوری اسلامی در مقابل آرام ترین و مسالمت آمیز ترین اعتراضات حق طلبانه مردم است. شما مدعی هستید جنبش سبز با همین شعارهای حداقل نتوانسته است آنچنان که باید در دیگر شهرها پا بگیرد. دلیل پا نگرفتن جنبش در شهرهای دیگر طرح شعارهای حداقلی و یا حداکثری نیست. دلیل آنست که شعارها و برنامه های مطرح شده از طرف مدعیان رهبری جنبش هدفمند نیستند و چگونگی ساماندهی آینده جامعه و کشور را روشن نمی کنند زیرا مردم بدنبال احقاق حقوق خویش هستند و می خواهند بدانند سرنوشتشان چه می شود. فرضاً اقلیتهای قومی و مذهبی را در نظر بگیریم آنان همچون دیگر شهروندان ایرانی مشاهده می کنند بعد از سی سال در چارچوب نظام حقوق آنان برآورده نشده است و نخواهد شد و اصلاً اعتقادی به چنین نظام دروغ گو و سر تا پا فاسدی ندارند. عدم استقبال مردم آذربایجان از رئیس جمهور منتخب آقای خامنه ای و مبارزات روزانه مردم کردستان و دیگر اقلیتهای قومی بر علیه نظام خود صحتی بر گفتار فوق می باشد. وقتی هدف جنبش رساندن مردم به حقوق شان نیست دلیلی ندارد آنان جان و زندگی خود را نابود کنند که احمدی نژاد برود و موسوی بیاید. مگر خاتمی نیامد؟ آیا او قادر بود کوچکترین تبدیلی در محدوده این نظام بوجود بیاورد؟

پیروزی یک جنبش تنها در گرو آن نیست که مردم بدانند چه نمی خواهند بلکه پیروزی جنبش در گرو آنست که اهداف کوتاه مدت و دراز مدت جنبش مشخص و معین باشند و مردم بدانند برای چه مبارزه می کنند و آن خواستهائی که باید تحقق یابند کدامند. با طرح شدن شعارهای حداقلی و یا حداکثری نیست که جنبش همگانی و پیروز میشود بلکه همگانی شدن جنبش و ادامه آن تا نیل به دمکراسی در گرو آنست که هدف جنبش روشن باشد و رهبری آن بتواند آنرا از محدوده نظام که دقیقاً خواست حکومتگران است بیرون بیاورد تا از این طریق ولایت استبداد بر مردم پایان یابد و ولایت مردم بر سر نوشت خویش برقرار شود.

آقای دیگری در پاسخ به آقای تقی مختار می گوید " باید در چارچوب قانون اقدام نمود." به ایشان یاد آور می کنیم یکی از دلایل سراسری نشدن جنبش سبز در ایران بخاطر آنست که

شما می خواهید آنرا در چارچوب قانون نظامی محبوس کنید که قانون آن نظام فراتر از قانون قلعه حیوانات نمی رود که در آن یک نفر بجای همه تصمیم می گیرد و برای همه تعیین و تکلیف می کند. فشرده قوانین این نظام در قانون اساسی جمهوری اسلامی متجلی شده اند که بر فراز آن نه حقوق بشر که حقوق ولی فقیه مندرج شده است. اقدام در چارچوب قوانین نظام به معنی بیرون نرفتن از محدوده ولایت فقیه و زندانی کردن مردم در جهنمی که ولی فقیه برای مردم ساخته است.

علیرغم حفاقت و سرکوب شدید مردم توسط جمافداران و چاقو کشان رژیم، روحیه انقلابی مردم باعث شد که لااقل تا سه ماه مردم شهرهای بزرگ بدون کوچکترین ترس و واهمه ای بر روی بامها خدا را فریاد زنند و برای رهایی از بردگی از او کمک بخواهند و همین قانونمداران شما از این همه روحیه انقلابی به وحشت افتاده بودند. ترس نیست که مانع همگانی شدن جنبش مردم و گسترش اعتصابات در کشور میشود برعکس ابهام از آینده موجب یاس می گردد و این یاس از ترس برای جنبش آزادیخواهان مردم خطرناک تر است. همین آقا در جای دیگری ادامه می دهد « اما امثال من برآنیم که هدف آن نه حفظ وضع موجود که «تحول در وضع موجود» است، یعنی همان که فیض دوم شما می خواهد، یعنی ایجاد فضایی برای نفس کشیدن یا شکافی در دیوارهای این دخمه ایجاد کردن. زیرا عمیقاً بر این باوریم که آبی که در پشت این سد جمع شده با پیدا شدن رخنه در سد یا اندک اندک تمام ارکان نظام را بر هم می ریزد یا ماهیت نظام را دگرگونه می کند و آن را مردمسالار و رو به پیشرفت می کند که در آن صورت هم برای امثال من مورد قبول است زیرا برای ما نام یک نظام مهم نیست عملکرد آن است که اهمیت دارد.»

آقای محترم، شما و امثالهم درست ۲۰ سال است یعنی از زمان روی کار آمدن آقای رفسنجانی دل در هوای متحول کردن چیزی دارید که ۳۰ سال است تحول ناپذیری خود را بعنوان مختلف به اثبات رسانده است. فراموش نکنید وقتیکه مثلاً مرحوم قاسملو به پای میز مذاکره با سران این نظام رفته بود فکر می کرد که می تواند فضائی برای نفس کشیدن پیدا کند که نفس گیر شد. آقای خاتمی هم فکر می کرد شاید بتواند فضائی باز کند اما او علاوه براینکه نتوانست چنین فضائی باز کند مجبور شد هر روز سرسپردگی خود را به ولایت مطلقه فقیه اعلام دارد و بعد از هشت سال ریاست جمهوری قدرت را دو دستی به احمدی نژاد و مافیای نظامی - مالی اش سپرد و همین سید خندان پیرو ولایت فقیه وقتی برای دور دهم ریاست جمهوری خود را کاندید کرد از طرف آقای خامنه ای بوسیله حسین شریعتمداری کیهان تهدید به مرگ شد یعنی حتی ایشان که جزء پابوران این نظام است برای خامنه ای و باندش قابل تحمل نیست. وقتی آقای موسوی خود را کاندید ریاست جمهوری نمود اعلام کرد برای تغییر آمده است و دیدیم خودش در حد توانش تغییر کرد ولی نظام تغییر نکرد که هیچ، ایشان که هم مورد اعتماد

نظام و هم جزء بلندپایگان این نظام بود و هم در چارچوب همین نظام از صافی شورای نگهبان گذشته بود امروز تهدید به زندانی شدن و مرگ میشود. این را می گویند منطق حاکمیت استبداد فراگیر. حال شما می خواهید در فضای متعفن و آلوده چنین منطقی نفس بکشید! در فضای آلوده مملو از گازهای متان و دی اکسید کربن و ذرات معلق و دوده سیاه کسی قادر به نفس کشیدن نخواهد بود آن نفسی را که مردم می کشند در واقع مرگ تدریجی است و آتانی که بدنی حساس و ذهنی خلاق دارند در هوای آلوده یا مسموم میشوند و یا به انواع سرطانها کشنده مبتلا میشوند.

در واقع شما و دوستانتان بجای اینکه به آحاد ملت ایران بگوئید هوای آلوده را استنشاق کنید تا مستبد از خر شیطان پائین بیاید و بقولی بزک نمیر بهار میآید، در فکر حیات و ادامه حیات مردم باشید تا از فضای آلوده و کشنده استبداد رهایی یابند و این فضا بدون گسترش جنبش آزادیخواهان مردم و ادامه آن تا محو استبداد ایجاد نخواهد شد. اگر امروز ما شاهد شکافی در درون دیوار قدرت حاکمه هستیم دلیلش ادامه جنبش اعتراضی مردم بعد از تقلب انتخاباتی است و گرنه سی سال است همه با هم می کشند و می خوردند و می بردند و آب از آب هم تکان نمی خورد.

آقای عزت الله سجایی اصلاح طلبی است که از ابتدا دنبال آقای خمینی بود و هنوز هم امام امام می کند. او جزء جمهوری اسلامی خواهانی است که اصرار دارد جنبش را در چارچوب نظام محبوس کند. ایشان در محاسبه ای با اینا از یک طرف می گوید جنبش رهبری ندارد و این بی رهبری حسن است: « از محاسن دیگر عدم رهبری متمرکز ابتکارات واحدهایی است که در آن شرکت دارند و این امر کمک می کند تا جنبش مردمی و سراسری شود و به پیشرفت آن هم کمک می کند.» در چند خط پائین تر می گوید: « به این خاطر که این واحدها متفرق و مستقل عمل می کنند احتمال انحراف از اهداف کلی و خط اساسی جنبش که از طرف رهبران آن یعنی موسوی خاتمی و کروی اعلام شده وجود دارد و ...» آخر ما نفهمیدیم جنبش رهبری دارد یا ندارد.

رئیس شورای فعالان ملی مذهبی عین بقیه جمهوری اسلامی خواهان از شعارهای ۱۳ آبان ناراحت شده اند و می فرمایند: «برخی اتفاقات که در روز ۱۳ آبان افتاد به معنای ساختارشکنی بود، در حالی که در بیانیه های خاتمی، موسوی و کروی سخنی از براندازی و ساختارشکنی نیامده است و اگر قرار باشد ساختارشکنی جزو برنامه های جنبش سبز نباشد که نیست باید مقامات قانونی کشور به رسمیت شناخته شوند.» معلوم نیست مردم در کدام اقدام مسلحانه و غیر مسلحانه برای براندازی کوشش کرده اند که آقای سجایی از براندازی حرف می زند. نکند شما غیر مستقیم می خواهید اتهاماتی را که مقامات جمهوری اسلامی به زندانیان و دستگیر شدگان بی پناه وارد می نماید تأیید کنید. در حقیقت چنین بیانی تأیید اتهامات وارده از طرف مراجع قضائی جمهوری اسلامی به زندانیان در بند می باشد که نمونه اش حکم قتل هائی است که اخیراً صادر شده است. و ضمناً معلوم نیست چرا مردم

همه باید الزاماً تن به رهبری آقایان خاتمی، موسوی و کروی بدهند. آیا واقعاً درک شما از آزاد اندیشی و آزادیخواهی همین است؟ چرا آنها باید به سود و خواست و میل شما، و بنا بر تصورات و ذهنیت شما به رهبری شما جمهوری اسلامی خواهان ببینوند؟ باید ببینیم، زمانی که شما از طرح شعارهای تند ناراحت هستید از کدام زاویه آنرا طرح می کنید و به کجا می خواهید برسید. و در ثانی شما از انقلاب ۵۷ درس نیاموخته اید که خمینی را در ابتدا رهبر و سپس بت ساختید. مردم از پیش کسوتان سیاسی همچون شما که تاریخ را تجربه کرده اند انتظار دارند بعد از اینهمه تجربه سیاسی بطور پیگیر از حقوقشان دفاع نمایند نه اینکه بعد از قریب ۶۰ سال مبارزه سیاسی لابنتع کیش شخصیت بسازید. بدرستی گفته اند عقیده عوض میشود ولی عادت عوض نمیشود.

آقای سجایی یا قادر نبوده است و یا نمی خواسته است مستقیماً به مردم بگوید ول معطلید که جنبش سبز یک هدف دارد و آن جابجائی احمدی نژاد با موسوی یا کروی است. اما حرف دل ایشان را آقای مهاجرانی در آمریکا زده است. آقای مهاجرانی در سخنرانی خود در دانشگاه واشنگتن ابراز می دارد که « خواست جنبش سبز اینست که انتخابات ریاست جمهوری ابطال شود و انتخابات جدید برگزار شود. این را ما هم بدانید که ما به دنبال جدائی دین از حکومت که هیچ، به دنبال برقراری دمکراسی هم نیستیم چون دمکراسی در کشوری مثل کشور ما فعلاً - حتی به روزگاران - قابل برقراری نیست.» این بیان قدرتی است که به مردم می گوید بیاید در خیابان کشته شوید و در زندانها مورد شکنجه و تجاوز جنسی قرار بگیرید تا دوباره ما به قدرت برسیم و اصلاً هم انتظار نداشته باشید حاکمیت از آن شما باشد زیرا دمکراسی در کشوری مثل ایران با وجود امثال من فعلاً قابل اجرا نیست و بنا براین نباید شعارهای تند داد و ساختار شکنی کنید. بقول آقای مهندس عزت الله سجایی " اگر قرار باشد ساختارشکنی جزو برنامه های جنبش سبز نباشد که نیست باید مقامات قانونی کشور به رسمیت شناخته شوند." (تاکید از ف-

ر) دیگر نمی شود از این روشتر به ملت ستمدیده ایران گفت و فهماند شما هیچ هستید و حفظ نظام همه چیز. این یعنی نادیده گرفتن منافع اساسی آحاد ملت و فدا کردن آن در مقابل منافع نظامی که سی سال است ایران را غصب کرده است و ایرانیان را در کلیه امور به سیه روزی و تباهی کشانده است و هم اکنون با سیاست های نا بخردانه خود در سطح بین المللی کشورمان را در خطر تجزیه و حمله بیگانگان قرار داده است. لازم نیست فکور باشیم تا از خود بیرسیم چنین طرز تفکراتی عامل ایران می باشند یا عامل شکست آنند. در ضمن آقایان تناقض گوئی هم حدی دارد به توصیه شما اگر بنا باشد مقامات کشور به رسمیت شناخته شوند امروز شما قبل از هر کسی باید احمدی نژاد را به رسمیت بشناسید که هم از نظر رهبر نظام یعنی سید علی خامنه ای مورد تأیید قرار گرفته است و هم قانوناً حکم ریاست جمهوری او تنفیذ شده است و هم مورد تأیید شورای نگهبان است و هم ریاست جمهوری او از طرف مجلس تحلیف شده است و طبق قانون اساسی جمهوری اسلامی حالا رئیس جمهور قانونی ایران و دومین مقام رسمی کشور می باشد.



چارچوب نظام نه تاکتیک است نه استراتژی

جمهوری اسلامی داری دو بال بوده است یکی اصولگرایان و دیگری اصلاح طلبان و هر دو اینها از آخور این رژیم می خورده اند و می برده اند. حال یک بال آن از قدرت حاکمه کنده شده است و این بال کنده شده تلاش دارد دوباره بهر طریقی که شده است در قدرت جایی باز کند (در پراتز باید گفت منظوم سران اصلاح طلب است و اخیراً بسیاری از اصلاح طلبان قدیمی از این رژیم قطع امید کرده اند و با نفی حاکمیت ولایت فقیه به حاکمیت مردم آری می گویند) لذا آنان و هوادارانشان هراسان و سراسیمه به مردم نهیب می دهند شعار تند را بالا نبرید و مثل گدا ها سعی کنید خواسته های خود را از این رژیم گدائی کنید. اگر در این میان کسی هم نظری بدهد و سعی کند جنبش را هدفمند سازد به او می تازند و مثل آقای کدیور به او می گویند شما که عددی نیستید و تحریمی بوده اید و در انتخابات شرکت نکرده اید لذا حق نظر دهی ندارید. تو گویی ایران و جنبش آزادیخواهان ایرانیان ملک طلق اینان

است. آقای کدیور و امثال ایشان سال های متمادی سنگ رژیم جمهوری اسلامی را به سینه می زدند و همین امروز هم خواهان حکومت دینی هستند و هنوز هم معتقدند باید عالمان دینی برای مردم تصمیم بگیرند البته پشرفت ایشان نسبت به روحانیون حکومتی در این است که جمهوری اسلامی بدون سید علی خامنه ای می خواهند و اعتقادی به جدائی دین از حکومت ندارند. جمهوری اسلامی خواهان بعد از ۳۰ سال دفاع از این نظام باید بگویند برای مردم ایران چه کرده اند. آیا مشکلی از هزاران مشکل مردم ایران را مثل بی عدالتی سیاسی و اجتماعی، مشکل نبود آزادی ها، مشکل نابرابری حقوقی انسانها و مشکل فساد سیاسی، اجتماعی و اقتصادی را حل کرده اند؟ شما حتی نتوانسته اید اندکی آنها را تعدیل کنید. همین نظام ولایت فقیه عامل فقر، بدبختی، عقب ماندگی، فحشاء، فساد و تبیضهای جنسیتی، دینی و فردی است که شما می خواهید جنبش آزادیخواهان مردم را فدای آن سازید.

اگر دیگرانی که سی سال آزرگار به انحاء مختلف با نظام جبارانه ولایت فقیه مبارزه کرده اند و روزانه از حقوق حقه مردم دفاع نموده اند و با تبلیغ فرهنگ استقلال و آزادی مروج دموکراسی بوده اند عددی نیستند پس نگرانی شما از چیست؟ آقای مهاجرانی ها و کدیورها و دیگر جمهوری اسلامی خواهان مذهبی و سکولار باید بدانند اعتلاء اعتراضات خیابانی و ادامه آن بعد از ۶ ماه بهیچوجه یک پدیده ناگهانی نیست که عاملش فلان فرد و فلان گروه باشد. خیر، چنین چیزی را بخود نیاورید، شرایط زندگی مردم ایران از مدتها پیش، زمینه چنین اعتراضاتی را فراهم نموده است و تقلب انتخاباتی در خرداد ۱۳۸۸ فقط بروز آنرا بطور قطعی مشخص کرد. ادامه این مبارزات ارتباط لاینفکی با سی سال چپاول و غارت نظام دیکتاتوری جمهوری اسلامی دارد که

روزانه حقوق مردم را پایمال کرده است. دزدیدن رای مردم اتکیزه ای بود تا روحیه سرخوردگی به روحیه انقلابی تبدیل شود و مردم ناممکنی را که شما سالها مبلغ آن بودید به ممکن تبدیل کردند و از این طریق تحسین و حیرت جهانی برانگیختند.

هیچ چیز کاذبانه تر از این ادعا نیست که گویا اصلاح طلبان عامل جنبش مردم هستند. بر خلاف خواسته شما جریان حوادث و شعارهای اخیر مردم به وضوح نشان داده است که برای مردم محدوده نظام نه تاکتیک است و نه استراتژی. ناراضیانی شما از شعارهای مردم ترس شما را از آن می رساند که نکند دور از دستتان خارج شود. ولی دور از دست شما زمانی خارج میشود که خود را با خواستهها و حقوق مردم تطبیق ندهید. صحت این گفتار را از روی شعارهای مردم می توان فهمید که هرچه شما تلاش می کنید آنها را محدود کنید آنها محدود نا پذیر تر میشوند و جنبش آزادیخواهان مردم چنان به جلو می رود تا بنیاد استبداد را برچیند. شما اگر می خواهید بدانید کجا قرار گرفته اید سرتان را بر گردانید تا گذشته خود را ببینید چون کارنامه همه انسانها پشت سرشان است. اما اشکال شعار در تند بودن یا تند نبودن آن نیست زیرا اگر رهبران جنبش قادر باشند حقوق اساسی و انسانی مردم را در نظر بگیرند و گرایشهای مختلف بدنال استقلال و آزادی و حاکمیت مردم بر سرنوشت خویش باشند دیگر جای نگرانی از شعارهای تند و حتی انحرافی نیست زیرا هنگامیکه رهبران گرایشهای مختلف از حقوق اساسی و مدنی همه شهروندان دفاع نمایند و تمامی گروههای اجتماعی حتی بسیجی ها و پاسداران مشاهده کنند که قانوناً از حقوق خویش محروم نخواهند شد مطمئن باشید همه مردم یک صدا به یک سمت یعنی ایجاد جامعه ای حقوق مدار و دولتی قانونمدار که نماینده اراده ملی باشد گام خواهند برداشت و آنگاه با ایجاد جنبش همگانی می توانیم حاکمین زور گور را به زانو در بیاوریم. پس شرط اول آنست که مثل اکثر مردم قبول کنیم چارچوب نظام نه تاکتیک است و نه استراتژی و هدفمان استقرار ولایت جمهور مردم باشد تا در آن هیچ کس بنام هیچ دینی و مرامی و هیچ گروهی خود را فراقانونی نداند.

بنابراین آنانی که سعی می کنند جنبش آزادیخواهان مردم را در چارچوب نظام محدود و محبوس سازند هدفی جز تعطیلی آنرا ندارند. اما جنبش مردم تعطیل ناپذیر است این جنبش همچون دریا جزر و مد دارد ولی هیچکس نمی تواند مانع امواج خروشان دریا شود. جنبش مردم منتظر هیچکس نمی ماند، با شما و بدون شما براه خود ادامه خواهد داد، پس چه بهتر، زمانی که نظام ولایتی با مردم در جنگ علنی بسر می برد شما هم همراه دیگر نیروهای دمکرات با نفی نظام و حاکمیت ولایت فقیه به ولایت جمهور مردم آری گویند و برای ساختن آلترناتیو دمکراتیک با دیگر دمکراتها که برای برقراری آزادی و دموکراسی تلاش می کنند همراه شوید.

سرافراز و پیروز باشید

Fa_rastgou@yahoo.co

جنگ و بحران اقتصادی؟

علی بهزادیان نژاد: ۶ سال حبس تعزیری و علی رضا عاشوری: ۶ سال حبس تعزیری
انقلاب اسلامی: لازم بود که روحانیون مبارز محکومان به اعدام را نیز در فهرست خود می آوردند. حقوق انسان را هر ایرانی دارد و دفاع از حقوق انسان دفاع از حقوق خویش است. اسامی محکوم شدگان به اعدام، در شماره های پیشی انقلاب اسلامی به اطلاع همگان رسیده اند.

در ۵ آذر ۸۸، به گزارش خبرنگار امیرکبیر، در ۲۶ آبان، دکتر فرامرز جوانرودی از اعضای هیات علمی دانشکده مکانیک دانشگاه علم و صنعت ایران در منزل شخصی خود توسط نیروهای امنیتی دستگیر شده و تا کنون اطلاع دقیقی از وضعیت ایشان و محل بازداشت ایشان در دست نیست.

در ۵ آذر ۸۸، تحصن اعتراضی دانشجویان واحد ماهشهر دانشگاه پلی تکنیک وارد چهارمین روز خود شد.

در ۶ آذر ۸۸، ۱۸ نفر از دانشجویان دانشگاه صنعت آب و برق (عباسپور) به کمیته انضباطی احضار شدند. احضار این دانشجویان در آستانه ۱۶ آذر و برای اعمال فشار بر دانشجویان این دانشگاه صورت گرفته است.

در ۶ آذر ۸۸، صدها تن از دانشجویان دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی با امضای طوماری اعتراض خود را به فضای امنیتی دانشگاه ها، بازداشت و احضار دانشجویان به کمیته انضباطی و صدور احکام سنگین برای آن ها اعتراض کردند.

در ۶ آذر ۸۸، به گزارش پایگاه خبرسانی عبرت، علیرغم وعده های نمایندگان مجلس و وزارت خانه های بهداشت، ارتباطات نه تنها تا این لحظه هیچ پاسخ روشنی در خصوص امواج مرگ آفرین پارازیتی در شهر تهران داده نشده، شهرهای دیگر نیز عملاً با این پدیده نگران کننده درگیر شده اند. شهروندان اصفهانی نیز طی هفته های اخیر گرفتار تأثیرات شدید ارسال پارازیت شده اند. بگونه ای که دریافت کنندگان شبکه های سراسری از ماهواره شاهد قطع کامل برنامه ها در ساعات بعد از ظهر و وصل مجدد در بامداد میباشند

در ۷ آذر ۸۸، به گزارش خبرنگار امیرکبیر، بعد از فوت احسان جابری دانشجوی فیزیک هسته ای ورودی ۸۷ دانشگاه ارومیه (به دلیل نشت گاز در اتاق خوابگاه و وقوع انفجار و پرت شدن وی از پنجره به بیرون و ضربه مغزی) روز شنبه حدود ۶۰۰ نفر از دانشجویان به نشانه ی اعتراض به بی توجهی مسوولان دانشگاه نسبت به وضعیت رفاهی و امنیت جانی دانشجویان در برابر مسجد دانشگاه و در شرایط بد آب وهوایی دست به تحصن زدند. اما مسوولان دانشگاه به جای پاسخ گویی به اعتراضات دانشجویان، دو روز بعد ۱۲ نفر از شرکت کنندگان آن تحصن را به کمیته انضباطی احضار نمودند.

در ۷ آذر ۸۸، ساعت پنج بعد از ظهر بود و مادران کم کم با لباس های مشکی در پارک جمع می شدند سربازان اما مصمم بودند تا از ایجاد هر گونه تجمع جلوگیری کنند. مادران آرام و بی صدا دور آب نمای بزرگ پارک لاله که در وسط پارک قرار دارد شروع به حرکت کردند. در حالی که هر لحظه به تعدادشان اضافه می شد، همچنان ساکت و آرام به دور آب نمای اصلی پارک که در کنار آن آلاچیق هایی برای استراحت تعبیه شده بود در حرکت کردند.

در ۸ آذر ۸۸، بنابر گزارش فعالین حقوق بشر و دمکراسی در ایران، وضعیت جسمی زندانی سیاسی، هادی عابد با خدا ۵۰ ساله که دچار قطع نخاع است و قادر به حرکت نیست، به وخامت گرائیده است. او بیش از ۲۰ روز است که در بهداری زندان مرکزی رشت نگهدای می شود.

در ۹ آذر ۸۸، هنگامه شهیدی به جرم ۱- اقدام علیه امنیت کشور از طریق اجتماع و تبانی به قصد بر هم زدن امنیت کشور از طریق حضور در اغتشاشات مورخ شنبه ۱۳۸۸/۳/۲۳، یکشنبه ۱۳۸۸/۳/۲۴، دوشنبه مورخ ۱۳۸۸/۳/۲۵، سه شنبه ۱۳۸۸/۳/۲۶ و چهارشنبه ۱۳۸۸/۳/۲۷ که موجب اختلال در نظم عبور و مرور شهروندان و اختلال ترافیکی در شهر و ایجاد بلوا و آشوب نیز بوده است. ۲- فعالیت تبلیغی علیه نظام مقدس جمهوری اسلامی از طریق مصاحبه با شبکه ضد انقلاب بی بی سی در تاریخ ۱۳۸۸/۳/۲۳، گزارش اغتشاش به شبکه مزبور ... و ۳- توهین به ریاست جمهوری، به ۶ سال و ۳ ماه و یک روز حبس تعزیری محکوم شد.

در ۹ آذر ۸۸، به گزارش ایلنا: جمعی از کارگران کارخانه صنایع مخابراتی راه دور ایران (ITI) به منظور پیگیری خواسته های خود برای چندمین بار در مقابل استانداری فارس تجمع کردند.

در ۹ آذر ۸۸، دکتر حسن الحسینی معاون اسبق حقوقی و امور مجلس وزارت آموزش و پرورش در حالی که معاون نهضت سواد آموزی از وجود یک میلیون و ۸۰۰ هزار کودک لازم تعلیم بازمانده از تحصیل خبر می دهد گفت: این آمار غیر واقعی است و هم اکنون چهار میلیون بازمانده از تحصیل در سن آموزش در کشور حضور دارند.

در ۱۰ آذر ۸۸، به گزارش خبرنگار امیر کبیر، دادگاه ۲۵ دانشجوی دانشگاه شیراز که در جریان هجوم نیروهای امنیتی و سازمان یافته به دانشگاه شیراز بازداشت شده بودند، در ۹ آذر برگزار شده است. اتهام این دانشجویان "اقدام علیه امنیت ملی" عنوان شده است.

در ۱۰ آذر، به گزارش کمیته گزارشگران حقوق بشر، سعید جلالی فر، عضو کمیته گزارشگران حقوق بشر و از اعضای "جمعیت دفاع از کودکان کار و خیابان"، در ۹ آذر، توسط نهادهای امنیتی بازداشت شد.

در ۱۰ آذر ۸۸، به گزارش فعالین حقوق بشر و دمکراسی در ایران: غروب روز ۹ آذر ماه تعدادی از ماموران واواک با یورش به محل کار محمد بنزاده امیرخیزی ۶۳ ساله از بازاریان تهران او را دستگیر و با خود بردند.

در ۱۰ آذر ۸۸، به گزارش فعالین حقوق بشر و دمکراسی در ایران: در ۱۰ آذر، حوالی ساعت ۸ صبح مامورین واواک به منزل جوشن در کرج یورش بردند و رضا جوشن ۲۵ ساله را دستگیر و به نقطه نامعلومی منتقل کردند. مامورین وزارت اطلاعات هنگام یورش به منزل خانواده جوشن تمامی نقاط خانه آنها را مورد بازرسی قرار دادند و در حین بازرسی اقدام به تخریب وسائل منزل آنها نمودند. در آستانه ۱۶ آذر، روز دانشجو، واواک دست به دستگیر کردنها در تهران و شهرستانها زده است. و نیز، سعید کلاکی و سعید جلالی فر از دانشجویان اخراجی زنجان، توسط واواک دستگیر شده اند.

در ۱۰ آذر ۸۸، بابک غیاثی دانشجوی دانشکده کشاورزی دانشگاه رازی کرمانشاه توسط اشخاص نامعلومی ربوده شد.

در ۱۰ آذر ۸۸، مهدیه گلرو فعال دانشجویی در آستانه ۱۶ آذر به یک سال حبس تعلیقی به مدت ۵ سال محکوم شد

در ۱۱ آذر ۸۸، به گزارش خبرگزاری هرانا: تنها خبری که از خانواده ی رشیدی در اختیار دوستان وی قرار گرفته است خبر اعتصاب غذای او در بازداشتگاه اداره واواک استان مازندران است

محمد یوسف رشیدی یکی از فعالان دانشجویی چپگرای دانشگاه صنعتی امیر کبیر تهران است. او بهنگام سخنرانی احمدی نژاد پلاکارد بزرگی را در مقابل او بالا برده بود که روی آن نوشته شده بود: "رئیس جمهور فاشیست، پلی تکنیک جای تو نیست."

در ۱۱ آذر ۸۸، به گزارش فعالیت حقوق بشر و دموکراسی در ایران، حکم سنگین و غیر انسانی دانشجوی زندانی حسن ترلانی که به ۱۰ سال زندان و تبعید به زندان مرکزی کرمان محکوم شده است در شعبه ۳۱ دیوان عالی کشور توسط فردی بنام سلیمی مورد تایید قرار گرفت.

در ۱۱ آذر ۸۸، به گزارش خبرنگار امیر کبیر، با نزدیک شدن به ۱۶ آذر، جمع گسترده از فعالین دانشجویی دانشگاههای چمران و علوم پزشکی اهواز به ستاد خبری واواک استان خوزستان و حراست دانشگاه احضار شدند. احضار شدگان عبارتند از حسین دبیر انجمن اسلامی اهواز، جعفریان دبیر سیاسی انجمن اسلامی همدان، قلاوند عضو شورای عمومی انجمن اسلامی اهواز. رضا جعفریان

پیش از این در دستگیری های پس از انتخابات ۱۵ روز در همدان بازداشت شده و به همراه سه تن دیگر از اعضای انجمن اسلامی همدان پرونده در دست رسیدگی در شعبه یک دادگاه انقلاب همدان دارد.

در ۱۱ آذر ۸۸، به گزارش خبرگزاری هرانا، ماموران امنیتی با حضور در منزل میلاد فدایی دانشجوی دانشگاه آزاد واحد تهران مرکز و پس از تفتیش خانه وی را بازداشت و به محل نامعلومی منتقل کردند.

در ۱۱ آذر ۸۸، گروهی از روزنامه نگاران در اروپا خواستار آزادی فریا پژوه روزنامه نگار ایرانی شدند. او در بیست و دوم اوت ۲۰۰۹ در منزلش در تهران دستگیر شد. او تقریباً از چهار ماه پیش در زندان اوین به سر می برد، بی آنکه اتهامات وی به او تفهیم شده باشند.

در ۱۱ آذر ۸۸، دکتر مسعود پزشکیان به خبر آنلاین گفته است: آنچه تا کنون از مرگ رامین پور اندرجانی، پزشک جوان فهمیده ایم، اینست که وی بیماری روانی نداشته است و نمی توان اتهام خود کشی را به او زد. حتی در مورد انفارکتوس کردن او به این نتیجه رسیده ایم که اینچنین نبوده است.

و سرانجام دادستان تهران گفت: علت مرگ دکتر پوراندراجانی مسمومیت بوده است. چه کسی به او قرص مسموم داده است؟

در ۱۲ آذر ۸۸، به گزارش خبرگزاری هرانا: مهدیه گلرو از فعالین دانشجویی و همکاران مجموعه که در روزهای اخیر به یک سال حبس تعلیقی به مدت ۵ سال محکوم شده بود، با هجوم مأموران واواک به خانه اش، به اتفاق همسرش دستگیر شد.

اشتراک یک ساله: اروپا ۳۵ و خارج از اروپا ۳۸ اورو، اشتراک شش ماهه: اروپا ۱۸ و خارج از اروپا ۲۰ اورو لطفاً بپذیرید و چک نفرستید، وجه اشتراک را نقد و با پست سفارشی یا به حساب بانک وایز فرمایید.

توجه! درج مقالات، الزاماً دیدگاه نشریه انقلاب اسلامی و هجرت نیست و تنها بعنوان بحث آزاد قلمی و صرفاً باینکه نظر نویسندگان و منابع مندرج بوده، این نشریه در قبال آنها هیچگونه نوبلیت محتوایی و حقوقی را ندارد!

Nr. 738 7 - 20 Dec. 2009 2009

گذار از بحران به

دموکراسی

اسلام» و از نظر مقام تشخیص دهنده موافقت یا مخالفت هر حق با «موازین اسلام». برای مثال، اصل ۲۱ می گوید: «همه افراد ملت اعم از زن و مرد... از همه حقوق انسانی و اقتصادی و سیاسی و اجتماعی و فرهنگی، با رعایت موازین اسلام، برخوردارند.»

بدین سان، برخورداری از حقوق، مشروط به شرط «رعایت موازین اسلام» است و مقام تشخیص دهنده موافقت یا مخالفت برخوردار شدن انسان از حقوق خویش، قوه قضائیه است. اما رئیس این قوه را «ولی امر» نصب می کند و وظیفه اولش حفظ نظام است که بر حقوق انسان تقدم مطلق دارد.

به این دو قید حقوقدانان توجه کرده اند. اما امر مهمی توجهی را به خود جلب نکرده است و آن این که میزان حق است. هرگاه انسان حقوقمند است که هست، «موازین اسلام» را می باید با این حقوق سنجید و نه بعکس. توضیح این که هرگاه «موازین اسلام» مغایر این حقوق باشند، نباید کمتر تردیدی به خود راه داد در بیگانه بودن آن «موازین» با اسلام. بدین قرار، قید «موازین اسلام» در اصول بیانگر «حقوق ملت»، هم ناقص حقوق هستند و هم ناقص اسلام.

۶- برای آنکه کارهای بالا انجام پذیر باشند به ترتیبی که بتوان از استبداد به دموکراسی عبور کرد، جنبش می باید از «هژمونی طلبی» مصون باشد. آگاه باید بود که هم در جریان انقلاب ۵۷ و هم پس از کودتای خرداد ۶۰، اصل بر «هژمونی» عامل متفوق شد و به استبداد انجامید. گفته می شد که کثرت گرانی صحیح اما روحانیت بخاطر نقش اولی که داشته است، عامل متفوق است و هژمونی آن را باید پذیرفت. این حکم غلط را نه تنها آشنائی که هم اکنون نیز یا در رژیم هستند و یا رژیم آنها را تحمل می کند، پذیرفته بودند و هنوز نیز می پذیرند، بلکه اشخاص و گروههای مخالف با آن نیز می پذیرفتند. بعد از کودتای خرداد ۶۰، در تشکیل شورای ملی مقاومت، اصل بر عدم هژمونی شد. اما در عمل، بسیاری پذیرفتند که چون سازمان مجاهدین خلق نقش بیشتری در مقاومت دارد، می باید هژمونیش را پذیرفت. نتیجه آن رفتن به عراق و یافتن فرجامی شد که آن سازمان و

تمکین کنندگان به هژمونی سازمان یافته اند.

ولایت مطلقه فقیه بیانگر سلطه مطلق نماینده روحانیت قدرت طلب بر جامعه است. با وجود این، آقای خامنه ای، خدمتگزاران رژیم را نیز به خودی و غیر خودی تقسیم و سلطه اولی ها بر دومی را واجب کرده است. توجیه کننده تقلب بزرگ نیز همین تقدم و سلطه خودی بر غیر خودی است. اما مخالفان درون نظام نیز، بنا بر هژمونی طلبی گذاشته اند و بیشتر از بخش مسلط رژیم، تکران آنند که هژمونی را از دست بدهند. حال اینکه هرگاه خود را از این بند رها کنند، هم به جنبش امکان فراگیر شدن را بخشیده اند و هم خود را از فشار بخش مسلط رژیم رها کرده اند. هرگاه کارهای بالا در جریان جنبش انجام پذیرند، گذار به دموکراسی، رهبری درخور خود را می یابد:

بدیل مردم سالار و رابطه آن با جامعه در جنبش:

روشن است که شکل و محتوای بدیل مردم سالار، وقتی با کارهای بالا سازگار می شود، شکل و محتوای جهوی باید پیدا کند. در پاسخ به پرسشهای یک هموطن خود در باره رهبری (انقلاب اسلامی شماره ۲۳۷)، این یادآوریها را کرده ام:

۱- هرگاه رژیم بدین خاطر بد است و می باید از میان بریزد که رژیم زر و زور است، پس سازمانهای اهل زر و زور و وابسته، مخالف آن نیستند، از جنس آنند و اتحاد با آنها، محکوم کردن جنبش به شکست است. باردیگر، توجه همگان را به این مهم جلب می کنم: کسانی که می خواهند جنبش را در «چهارچوب نظام» نگاه دارند، خود و جنبش را محکوم به شکست می کنند. زیرا در رژیم زر و زور، انتخاب وجود ندارد. تقلب بزرگ بر همگان مسلم کرد که انتخاب میان بد و بدتر نیز وجود ندارد و بدترین خود را تحمیل می کند.

حال، چگونه بتوان از آنها خواست محدوده رژیم را ترک گویند و خواستار استقرار ولایت جمهور مردم شوند و در همان حال، با گروههایی اتحاد کرد که پول و زور، بنا بر این وابستگی به قدرتهای خارجی را وسیله رسیدن به قدرت کرده اند؟ کار بایسته اینست که از آنها نیز دعوت شود آزاد شوند، قدرت را بمتابه هدف و روش

رها کنند و استقلال و آزادی را هدف و روش کنند. این همان کاری است که طی سه دهه، با صمیمیت تمام انجام داده ایم و انجام می دهیم هر چند پاسخی جز ناسزا نشنیده ایم.

۲- تعیین تکلیف را به بعد از پیروزی انقلاب باز گذاشتن را، بعد از رفتن شاه تجربه کرده ایم. هرگاه بخواهیم از آن تجربه درس آموزیم،

• نخست می باید نیروی جانشین تا ممکن است شفاف شود. یعنی در پندار و گفتار و کردار نه به منفی ها و آری به مثبت ها باشد.

• از مردم برآید و همواره از طریق مردم عمل کند. با توجه به این امر واقع، که بدیل از مردم برآمده، در رابطه با قدرت، بسا از خود بیگانه می شود، پس می باید ابزار سرکوب که بدو اجازه دهد، با تصرف قدرت، با مردم رابطه مطاع و مطیع برقرار کند، در اختیار نگردد.

• در جریان عبور جنبش از مانع ها، فرآورده جنبش باشد. به ترتیبی که میان مردم شرکت کننده در جنبش و نیروی جانشین، اعتماد متقابل و دوستی استوار پدید آید. رهبری که جنبش پدید می آورد، می باید مجری تصمیم مردم باشد. از راه فایده تکرار، بازگوئیم که نباید این رابطه جای به رابطه ای بسپارد که بخصوص با سقوط رژیم شاه، میان آقای خمینی و مردم برقرار شد:

۳- کسانی که نقش نیروی محرکه سیاسی را بر عهده دارند و همراه با جنبش پیش می روند تا که نیروی جانشین بگردند، هیچگاه نباید از یاد ببرند که حق تصمیم با مردم است. مردم نیز نمی باید نقش خود را به بدیل بازگذارند. بدین قرار، بیشترین فرصت در تدارک جنبش و سازمان دادن به آن، می باید بر عهده شرکت کنندگان در جنبش گذاشته شود. به ترتیبی که جنبش خصلت سازماندهی خودجوش را از دست ندهد.

۴- و از آنجا که جنبش بنفسه گزارشگر این واقعیت است که مردم با استبداد سرکوبگر روبرو هستند و نیروی محرکه جنبش ترجمان رابطه ملت با رژیم نیز هست، پس ضرور است که حقوق مردم و حقوق انسان، بنامه، هدف شوند و بدیل مردم سالار، در همان حال که نماد حقوق می شود، می باید ایران دوست باشد و ایرانیان را دوست بدارد. نماد توانائی مردم ایران و اراده استوار آنها در ادامه حیات ملی در استقلال و آزادی باشد. ایران همواره در گیر هجومها از شرق و غرب و شمال و جنوب بوده است.

پیام مجامع اسلامی ایرانیان

به مناسبت شانزده آذر ۱۳۳۲

- روز دانشجو

حق حاکمیت مردم بر سرنوشت خویش از حقوق ذاتی انسان است و این حق فردی و اجتماعی در پهنه جامعه ملی بدون آزادی و استقلال اعمال شدنی نیست. ولایت فقیه ناقض این حق است. انقلاب بزرگ مردم ایران در سال پنجاه و هفت، هدف والای استقرار حاکمیت مردم یعنی آزادی ایرانیان و استقلال ایران را مد نظر داشت اما با غفلت ما ایرانیان از آزادی و پاسداری از آن، این فرصت برای آقای خمینی فراهم آمد تا ولایت فقیه، این بدعت و جعل تاریخی را بر مردم تحمیل کند و با مطلقه کردن این ولایت، بکوشد تا کرامت انسان ایرانی را از او بستاند. اما به یمن استقامت آزاد زنان و مردان این مرز و بوم علیرغم داغ و درفش وبه شهادت رساندن هزاران تن از آنها به دست دژخیمان ذوب شده در ولایت فقیه، بدین کار موفق نشد. نظام ولایت فقیه کوشید تا با انقلاب فرهنگی خویش که در واقع ضد فرهنگ بود دانشگاه را نیز به تصرف خود در آورد، اما از همان ابتدا با مقاومت دانشگاه و دانشگاهیان مواجه شد. شهدای سه دهه وایلغار کوی دانشگاه در ۱۸ تیرماه ۱۳۳۸

هجومهای مرگبار مغول و تیمور و جنگهای پایان دوران صفوی را به خود دیده است. بارها مرگ در کمین حیات ملی او نشسته است. چنانکه یکبار، بر اثر حمله مغول و بار دیگر بر اثر جنگهایی که از اواخر عمر سلسله صفوی تا پایان جنگهای ایران و روسیه، ادامه یافتند، بخش بزرگی از جمعیت ایران از میان رفت. اما این ملت، اراده حیات را از دست نداد و سختی ها بر شکیبائی آنها چیره نگشتند. و هم از دوران قاجار، این ملت جنبش برای زندگی در استقلال و آزادی را آغاز کرد. پس، ایران امروز برای گذار به مردم سالاری، نیازمند بدیلی است که مظهر اراده حیاتی باشد که آتش خشونت‌های هستی سوز، یارای سوختنش را نیافته است.

توسط عمال ولایت فقیه، دلیلی بر این مدعاست. اینک سه دهه بعد، نسل جدید به همراه نسل انقلاب به پا خاسته است. بار دیگر ایران در جنبش است تا آخرین مانع حق حاکمیت خویش یعنی ولایت فقیه را نیز از سر راه بردارد تا ایران، استقلال، آزادی و راه رشد خویش را بیابد. همه با هم در سالروز شانزده آذر شرکت کنیم و حق حاکمیت مردم آری--- ولایت فقیه نه را با صدای رسا فریاد بزنیم و به گوش جهانیان برسانیم.

مجامع اسلامی ایرانیان

۱۲ آذر ۸۸

منتشر شد!

ده سال با اتحادیه در آلمان

(وضعیت مبارزین مسلمان خارج از کشور بهنگام ورود آقای خمینی به پاریس)

نویسنده: محمد جعفری

این کتاب شامل داده ها و نامه های منتشر نشده فراوانی از آقایان قطب زاده، بنی صدر، اتحادیه انجمنهای اسلامی دانشجویان مسلمان در اروپا و دیگران است.

قیمت:

در آلمان و فرانسه ۲۵ یورو
انگلستان ۲۰ پوند
آمریکا و کانادا ۳۳ دلار

آدرس پستی:

Enghelabe Eslami
Zeitung
Postfach 11 11 18
D- 60046 Frankfurt/M
Germany

mbarzavand@Yahoo.com